

بررسی کتابشناسانه آثار استیفاء در دوره اسلامی

علی صفری آق‌قلعه*

یکی از مهم‌ترین بایسته‌های پژوهش در هر دانشی، به دست آوردن دید کلی از موضوعات اصلی و شاخه‌های گوناگون آن دانش است. همچنین باید منابع و اسنادی را که نتایج پژوهش‌ها بر مبنای آن‌ها استوار خواهد شد به درستی شناسایی و ارزشیابی می‌کرد. بر این مبنای می‌توان نیازها و کاستی‌های پژوهشی را دریافته و با توجه به این موارد، پژوهش‌های آتی آن دانش را هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی کرد.

بررسی منابع مالی ادوار پیشین یکی از مهم‌ترین مواردی است که برای پژوهش در تاریخ و جامعه‌شناسی ایران باید بدان پردازیم. از این راه می‌توانیم ماهیت واقعی بسیاری از جریان‌های سیاسی، اجتماعی و... را به درستی دریابیم؛ و پرده‌هایی که تواریخ دولتی و رسمی پیش‌روی ما نهاده، نتوانند پژوهش‌ها را از راهی که به حقیقت منجر می‌شود منحرف سازند. دانش استیفاء بعنوان دانشی بسیار گسترده و با شاخه‌های گوناگون، کلیدی برای بررسی منابع مالی دوره اسلامی است که از سویی با مباحث حقوقی در پیوند تنگاتنگ بوده و از سوی دیگر از دیدگاه شیوه‌های اداری حکومت‌ها، دارای مجموعه‌ای گسترده از اسناد، مفاهیم، اصطلاحات و شیوه‌ها بوده است.

در مدت کمابیش یک قرن که از پژوهش‌های نوین در تاریخ و فرهنگ دوره اسلامی می‌گذرد، پژوهش‌های بسیاری در این زمینه به انجام رسیده و گام‌های خوبی برداشته شده است؛ اما هنوز چنانکه باید نتوانسته‌ایم دیدی فراگیر از دانش استیفاء به دست آوریم.

*. نسخه‌شناس و پژوهشگر متون.

عمده‌ترین دلیل این موضوع، پراکندگی منابع و عدم دسترسی پژوهشگران بدان‌ها بوده است. خوشبختانه در یک دهه اخیر، با دیجیتالی شدن بسیاری از منابع، امکان دسترسی گسترده‌تر بدین منابع فراهم آمده؛ چنانکه تا حد قابل توجهی می‌توان نقشه راه را در این زمینه ترسیم کرد.

در نوشته کنونی کوشش شده است تا منابع کهن مرتبط با استیفاء را مورد بررسی قرار دهیم. روشن است که پژوهشی با این دامنه گسترده دارای کاستی‌هایی خواهد بود؛ با اینحال شاید بتوان گفت که مهم‌ترین منابع این پژوهش‌ها دست کم در محدوده فرهنگی ایران در این نوشته شناسانده شده است.

برای این کار تلاش کردیم تا منابع کهن استیفاء را با توجه به کتابشناسی‌های ادوار پیشین و همچنین فهرس مشترک نسخه‌های خطی و برخی منابع چاپی شناسایی کنیم. در شناساندن برخی منابع مهم‌تر - بویژه منابع زبان فارسی - تلاش کردیم که تا حد ممکن، آثار شاخص‌تر را با مراجعه به اصل آن‌ها - که عمدتاً نسخه‌های خطی هستند - شناسایی کرده و فهرستی دقیق از مندرجات آن‌ها به دست دهیم. امیدواریم که از این راه، توانسته باشیم دیدی کلی‌تر از آنچه بود درباره منابع این دانش به دست داده باشیم. این نوشته که عمدتاً از دیدگاه کتابشناسی آثار استیفاء نگاشته شده، بخشی از یک پژوهش گسترده‌تر است که شکل تکمیل شده آن به خواست خداوند در آینده منتشر خواهد شد.

آشنایی مسلمانان با شیوه‌های استیفاء

روایت‌های تاریخی درباره اقتباس شیوه‌های استیفاء از ایرانیان

متأسفانه به دلیل گذشت زمان، بسیاری از اسناد و منابع ادوار کهن امروزه در دسترس ما نیست و لذا ناگزیریم تا آگاهی‌های لازم درباره برخی از ادوار تاریخی را از روی منابع متأخرتر به دست آوریم. این موضوع درباره نخستین سده‌های اسلامی بیش‌تر صادق است. البته در این زمینه باید به برخی کلیات توجه داشته باشیم. برای نمونه در قرآن کریم آیاتی درباره مباحث مرتبط با اموال دیده می‌شود که مبنای بسیاری از مباحث حقوقی دوره اسلامی بوده و در کتاب‌های فقهی و متون مرتبط با آیات احکام از آن‌ها گفتگو شده است. مسلمانان در بررسی این مباحث بر مبنای قوانین اسلامی عمل می‌کردند. اما برخی از مباحث حقوقی و همچنین شیوه‌های اداری در دوره پس از پیامبر «ص» مطرح شد و لذا در این زمینه‌ها - بویژه مباحث فنی اداره سرزمین‌های مفتوحه - مسلمانان از آگاهی‌ها و فنون مورد استفاده دیگر اقوام بهره بردند. بنابراین در مباحثی که خواهیم دید، خواننده باید این نکته را در نظر داشته باشد.

یکی از کهن‌ترین گزارش‌ها دربارهٔ ایجاد دواوین در دورهٔ اسلامی مربوط به گزارش ابن رسته در *الاعلاق النفیسه* (ص ۱۹۹ چاپ دوخویه) است که پیشینهٔ آن را به دورهٔ عمر بن خطاب (حک ۱۳-۲۳ ق) می‌رساند:

«وَأُولَ مَنْ أَرَّخَ وَ دَوَّنَ الدَّوَاوِينَ وَ سَنَّ التَّرَاوِيحَ فِي رَمَضَانَ وَ اعْطَى عَلِيَّ الْفَضْلَ وَ السَّابِقَةَ عَمْرُ بْنُ الْخَطَّابِ»^۱.

این گزارش نشان نمی‌دهد که ایجاد دیوان‌ها به چه زبان و مقتبس از کدام سرزمین‌ها بوده است؛ اما در منابع، یاد شده که برخی از ایرانیان در ایجاد تشکیلات اداری به اعراب یاری رساندند^۲. منابع تاریخی نشان می‌دهد که در نخستین دهه‌های فتح ایران توسط اعراب، عملیات دیوانی همچنان به زبان فارسی (/پهلوی) و توسط خود ایرانیان انجام می‌شده است. این ساختار، رفته‌رفته پس از چند دهه تغییر کرد و اعراب توانستند در اواخر سدهٔ نخست هجری دیوان را به زبان عربی برگردانند. احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (د ۲۷۹ ق) در *فتوح البلدان* (ص ۳۰۰ دوخویه؛ ص ۴۲۴ فارسی) دربارهٔ برگردان دیوان خراج عراق از فارسی به عربی توسط صالح بن عبدالرحمان^۳ در دورهٔ حجاج چنین آورده است:

«نَقَلَ دِيَوَانَ الْفَارَسِيَّةِ: وَ حَدَّثَنِي الْمَدَائِنِيُّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي سَيْفٍ عَنْ أَشْيَاخِهِ قَالُوا: لَمْ يَزَلْ دِيَوَانَ خِرَاجِ السُّودِ وَ سَائِرِ الْعِرَاقِ بِالْفَارَسِيَّةِ فَلَمَّا وَلِيَ الْحَجَّاجُ الْعِرَاقَ اسْتَكْتَبَ زَادَانَ فَرُوخَ بْنَ بَيْرِي، وَ كَانَ مَعَهُ صَالِحُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ مَوْلَى بَنِي تَمِيمٍ، يَخُطُّ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارَسِيَّةِ وَ كَانَ ابوصَالِحِ مِنْ سَبِي سَجِسْتَانَ فَوْصَلَ زَادَانَ فَرُوخَ صَالِحًا بِالْحَجَّاجِ وَ خَفَّ عَلَى قَلْبِهِ فَقَالَ لَهُ ذَاتَ

۱. ترجمهٔ این بخش در [ترجمهٔ] *الاعلاق النفیسه* (ص ۲۲۶) چنین است: «نخستین کسی که تاریخ‌گذاری کرد و به ایجاد دیوان‌ها پرداخت و تراویح را سنت کرد در رمضان و به دلیل برتری و پیشگامی، عطا بر نهاد عمر بن خطاب است».

۲. نک مقاله: «سرگذشت هر زمان و شرح نخستین آشنایی اعراب مسلمان با نظام دیوانی ایران».

۳. بلاذری در *فتوح البلدان* (ص ۵۴۸ فارسی [= ص ۳۹۳ چاپ دوخویه]) در شرح فتح بلاد سجستان و کابل در سال سی‌ام هجری دربارهٔ پدر و مادر صالح اشاره دارد که اینان از ایرانیانی بودند که به اسارت اعراب درآمدند؛ چنانکه می‌نویسد: «آنگاه ربیع [بن زیاد بن انس بن دیان حارثی] به ناشروذ آمد که قریه‌ای است و با اهل آن نبرد کرد و بر ایشان ظفر یافت. عبدالرحمن پدر صالح بن عبدالرحمن و نیز مادر صالح در آنجا نصیب وی شدند. صالح کسی است که محل زادانفروخ بن نیری را برای حجاج بنوشت و از سوی سلیمان بن عبدالملک متولی خراج عراق شد. عبدالرحمن را زنی به نام عبلة از طایفهٔ بنو تمیم و از عشیرهٔ بنومرثبن عبیدبن معاصبن عمرو بن کعب بن سعد بن زید مناة بن تمیم خریداری کرد». به عبارتی، صالح بن عبدالرحمن از موالی بوده است. اشارهٔ بلاذری در اینجا به فاش ساختن جایگاه زادانفروخ که در متن عربی بخش نقل دواوین از فارسی به عربی نیز دیده می‌شود که در ترجمهٔ فارسی آن بخش توسط دکتر محمد توکل (ص ۴۲۵) مغفول مانده است.

۴. این مدائنی (د ۲۱۵ ق) نویسندهٔ *کتاب المراعی و الجراد* از نخستین آثار دورهٔ اسلامی در زمینهٔ استیفاء و خراج است که پس از این از وی و کتابش یاد خواهیم کرد.

یوم: أَنْكَ شَيْبَى إِلَى الْأَمِيرِ وَارَاهُ قَدْ اسْتَحْفَنِي وَ لَا أَمِنْ أَنْ يَقْدَمَنِي عَلَيْكَ وَ ان تَسْقَطْ، فَقَالَ: لَا تَنْظَنَّ ذَلِكَ هُوَ أَحْوَجَ إِلَيَّ مِنْهُ الْيَك؛ لِأَنَّهُ لَا يَجِدُ مَنْ يَكْفِيهِ حَسَابَهُ غَيْرِي. فَقَالَ: وَاللَّهِ لَوْ شِئْتَ أَنْ أَحْوَلَ الْحَسَابَ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ لِحَوْلَتِهِ. قَالَ: فَحَوْلَ مِنْهُ شَطْرًا حَتَّى أَرَى؛ ففَعَلَ. فَقَالَ لَهُ: تَمَارُضُ؛ فَمَتَمَارَضُ. فَبَعَثَ إِلَيْهِ الْحَجَّاجَ طَبِيبَهُ فَلَمْ يَرِ بِهِ عِلَّةً. وَ بَلَغَ زَادَانَ فَرَوَخَ ذَلِكَ فَأَمَرَهُ أَنْ يَظْهَرَ. ثُمَّ أَنَّ زَادَانَ فَرَوَخَ قَتْلَ أَيَّامِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ الْكِنْدِيِّ وَ هُوَ خَارِجٌ مِنْ مَنْزِلٍ كَانَ فِيهِ إِلَى مَنْزِلِهِ أَوْ مَنْزِلٍ غَيْرِهِ. فَاسْتَكْتَبَ الْحَجَّاجَ صَالِحًا مَكَانَهُ، فَاعْلَمَهُ الَّذِي كَانَ جَرِيًّا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَادَانَ فَرَوَخَ فِي نَقْلِ الدِّيَّوَانِ. فَعَزَمَ الْحَجَّاجَ عَلَى أَنْ يَجْعَلَ الدِّيَّوَانَ بِالْعَرَبِيَّةِ وَ قَلَّدَ ذَلِكَ صَالِحًا. فَقَالَ لَهُ مُرْدَانِشَاهُ بْنُ زَادَانَ فَرَوَخَ: كَيْفَ تَصْنَعُ بَدَهْوِيَّةً وَ شَشُوِيَّةً؟ قَالَ: اكْتُبْ عَشْرَ وَ نِصْفَ عَشْرٍ. قَالَ: فَكَيْفَ تَصْنَعُ بُوَيْدًا؟ قَالَ: اكْتُبْهُ أَيْضًا؛ وَ الْوَيْدُ، الْنَيْفُ وَ الزِّيَادَةُ تَزَادُ. فَقَالَ: قَطَعَ اللَّهُ أَصْلَكَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا قَطَعْتَ أَصْلَ الْفَارَسِيَّةِ. وَ بُدِّلَتْ لَهُ مِائَةٌ أَلْفَ دِرْهَمٍ عَلَى أَنْ يَظْهَرَ الْعِجْزَ عَنْ نَقْلِ الدِّيَّوَانِ وَ يَمْسُكُ عَنْ ذَلِكَ؛ فَبِئْسَ وَ نَقْلُهُ ... وَ حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ شَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَاصِمٍ النَّبِيلُ قَالَ ثَنَا سَهْلُ بْنُ أَبِي الصَّلْتِ قَالَ: أَجَلَ الْحَجَّاجُ صَالِحَ بْنَ عَبْدِ الرَّحْمَانَ أَجْلًا حَتَّى قَلَبَ الدِّيَّوَانَ».

این نوشته با آنچه ابن طقطقی در الفخری درباره برگرداندن دیوان از فارسی به عربی در دوران عبدالملک بن مروان (حک ۶۵ - ۸۶ ق) یاد کرده مطابقت دارد چرا که اصولاً عبدالملک بود که حجّاج را بر مردم تسلط داد. در الفخری (ص ۱۴۶ عربی) در این باره آمده: «فی ایامه نُقِلَ الدِّيَّوَانُ مِنَ الْفَارَسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ وَ اخْتَرَعَتْ سِيَاقَةَ الْمُسْتَعْرَبِينَ».

پس از بلاذری، محمد بن اسحق الندیم نیز در الفهرست (ج ۲، ص ۱۴۰ فؤاد سید؛ ص ۳۰۳ تجدّد؛ صص ۴۴۱ - ۴۴۲ ترجمه فارسی) پس از اشاره به اینکه نخستین ترجمه‌های دوره اسلامی در دوره یزید بن معاویه (۶۰ - ۶۴ ق) انجام شده، به شرح ماجرای نقل دیوان از فارسی به عربی در دوران حجّاج پرداخته که تقریباً به عین عبارات، برگرفته از نوشته بلاذری است؛ جز اینکه عبارات ندیم شاید این توهم را پدید آورد که برگردان دیوان در دوره یزید و نه در دوره عبدالملک مروان صورت گرفته است. در تاریخ قم (ص ۴۹) نیز اشارتی به نقل دیوان از فارسی به عربی هست.

جز این‌ها تعدادی سند در دهه‌های اخیر از نواحی اطراف قم به دست آمد که به خط و زبان پهلوی نگاشته شده‌اند و تاریخ آن‌ها متعلق به حدود سده نخست هجری است.

۱. در الفهرست: «سببی».

۲. ترجمه از تاریخ فخری (ص ۱۶۴): «در روزگار عبدالملک دیوان دولتی از زبان فارسی به عربی نقل شد، و اسلوب و روش مستعربین در نگارش علوم فنون اختراع گردید».

بخشی از این اسناد به دانشگاه برکلی منتقل شده است و تعدادی از آنها را فیلیپ ژینیو حرف‌نویسی و آوانویسی کرده و به زبان فرانسه نیز ترجمه کرده است.^۱ چون نویسنده این سطور با زبان پهلوی و فرانسه آشنایی چندانی ندارد، نتوانست به درستی از مندرجات این اسناد آگاهی یابد؛ اما از فحوای متن پهلوی اسناد برمی‌آید که تعدادی از آنها در شمار اسنادی قرار می‌گیرند که در ادوار متأخر به نام «یافته» (نوعی رسید) خوانده شده است. برای نمونه در «شکل ۱» تصویر یکی از این اسناد (به نشانی: Berkeley 220، حدود سده نخست هجری) را می‌بینیم که بر روی پارچه نوشته شده است.^۲

بایسته است تا در همینجا بدین نکته نیز اشاره کنیم که عملیات دیوانی در دیگر سرزمین‌های زیر سلطه اعراب نیز با توجه به زبان و فرهنگ همان مناطق صورت داده می‌شد؛ چنانکه بلاذری در *فتوح البلدان* (ص ۱۹۳ دوخویه؛ ص ۲۷۸ فارسی) در گفتگو از نقل «دیوان شام» اشاره کرده است که این دیوان به سال ۸۱ ق در زمان عبدالملک بن مروان از رومی (یونانی) به عربی برگردانده شد. ندیم نیز در *الفهرست* (ج ۲، ص ۱۴۰ فؤاد سید؛ ص ۳۰۳ تجدید؛ صص ۴۴۱ - ۴۴۲ فارسی) همین نکته را یادآور شده است. این نکته با توجه به اسناد و پایپروس‌هایی که در سرزمین‌های غربی دنیای اسلام به دست آمده تأیید می‌شود. برای نمونه ژان سواژه در *مدخل تاریخ شرق اسلامی* (ص ۲۰) در فصلی که به شناساندن «مجموعه‌های اسناد» دوره اسلامی می‌پردازد، به مشخصات منابع مرتبط با این شاخه پرداخته و در این زمینه نوشته است:

«در قرن اول پس از ظهور اسلام و حتی در مواردی پس از آن، پایپروس‌های مصری و فلسطینی به یونانی نوشته می‌شده است - و به ندرت در مصر به خط قبطی - و گاه نیز به هر دو زبان».

بنابراین می‌توان دانست که فنون استیفاء تا اواخر نخستین سده اسلامی به شیوه‌ها و زبان هر کدام از مناطق زیر سیطره اعراب سر و سامان می‌پذیرفت اما اعراب پس از آموختن این شیوه‌ها از بومیان آن مناطق، در اواخر سده نخست هجری دیوان‌ها را به زبان خود برگرداندند.

منابع استیفاء در دوره اسلامی

می‌دانیم که چگونگی مالیاتی که از سرزمین‌های فتح شده توسط اعراب گرفته می‌شد

۱. در مقاله‌ای با عنوان:

«LA COLLECTION DE TEXTS ATTRIBUABLES À DĀDĒN-VINDĀD DANS L'ARCHIVE PEHLEVIE DE BERKELEY».

۲. مأخذ تصویر: مقاله ژینیو، ص ۳۳.

با نوع فتح و دسترسی مسلمانان به آن سرزمین‌ها تأثیر مستقیم داشته است. مثلاً شیوه تصرف سرزمین‌ها از این دیدگاه که آیا با جنگ و اشغال به دست آمده بود یا نه؛ و همچنین سرزمین‌هایی که همچنان بر دین پیشین خود باقی مانده و متعهد پرداخت جزیه بودند، همگی این‌ها بر روی مالیات آن نواحی تأثیر مستقیم داشته است. موضوع چگونگی فتح زمین‌ها تا آن اندازه اهمیت داشت که دانشمندی چون خطیب بغدادی کتاب تاریخ بغداد را با همین موضوع آغاز کرده است.

با توجه به همین موضوع، همواره بخشی از کتاب‌های جامع فقهی به بررسی همین مسائل اختصاص می‌یافت و این موضوع معمولاً بخشی از آن کتاب‌ها را به خود اختصاص داده است. اما نگرش کتاب‌هایی مستقل و ویژه مباحث مالیاتی و خراج، در دوره خلفای عباسی - بویژه در سده سوم و چهارم هجری - رواج یافت و بیشتر این نوشته‌ها با همان نام عمومی «الخراج» خوانده می‌شد.

محمد بن اسحاق التّدیم در جای‌های گوناگونی از الفهرست به نام کتاب‌هایی درباره خراج و نویسندگان آن‌ها اشاره کرده است. بخشی از این کتاب‌ها، دربرگیرنده نوشته‌هایی فقهی درباره احکام خراج بوده است.^۱ اما بخشی دیگر، نوشته دیرانی است که موضوع خراج را از دیدگاه دانش استیفاء مورد بررسی قرار داده‌اند.

البته در آثار هر کدام از این دو گروه، مطالبی در زمینه مباحث گروه دیگر هست؛ و فقط در اندازه گرایش نویسندگان به مباحث فقه یا استیفاء تفاوت‌هایی دیده می‌شود. بنابراین ما آثار این دو دسته را بصورت جداگانه یاد خواهیم کرد. از سویی در آثار فقهی نیز چند تقسیم‌بندی خواهیم داشت. در گروه نخست، به آثار فقهی که ویژه خراج هستند خواهیم پرداخت. در گروه دوم به آثاری خواهیم پرداخت که با نام عمومی «اموال» نگاشته شده‌اند و در آن‌ها ضمن پرداختن به خراج، مباحث دیگری مرتبط با اموال در حکومت‌های اسلامی نیز مطرح شده است. و در گروه سوم به آثار مستقل شیعی درباره خراج پرداخته‌ایم.

آثار فقهی اهل تسنن درباره مالیات و خراج

از آثار مرتبط با مبحث مالیات و خراج که عمدتاً از دیدگاه فقهی به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان با ترتیب تقریبی تاریخ نگارش به موارد زیر اشاره کرد:

۱. رساله فی الخراج: از ابویوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبیب بن اسعد کوفی (۱۱۳ -

۱. زنده‌یاد استاد محمدتقی دانش‌پژوه در فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله اسلامی (ص ۲۳) کتاب الخراج اثر یحیی بن آدم کوفی (۱۴۰ - ۲۰۳ ق) را جزو «قانون‌نامه‌های فقه اسلامی» یاد کرده است. ایشان همچنین در صفحات ۱۵۴-۱۶۷ همان کتاب، به شناساندن برخی کتاب‌ها درباره خراج - البته آثاری با دیدگاه‌های فقهی - پرداخته‌اند.

۱۸۲ ق) ۱. محمد بن اسحق الندیم در الفهرست (ج ۲، ص ۲۰ فؤاد سید؛ ص ۲۵۷ تجدّد) از کتاب الخراج وی با نام «کتاب رسالته فی الخراج الی الرشید» یاد کرده است. ابویوسف کتابش را به درخواست خلیفه هارون الرشید (۱۷۰ - ۱۹۳ ق) و بصورت رساله‌ای (نامه‌ای) فقهی نگاشته است. این اثر را می‌توان از کهن‌ترین آثار مستقل فقهی درباره خراج دانست که اکنون در دست است. از این اثر نسخه‌هایی بر جای مانده و متن آن نیز چندین بار چاپ شده است. سزگین در تاریخ نگارش‌های عربی (ج ۱، صص ۵۸۶ - ۵۸۷) از نسخه‌ها و چاپ‌های کتاب الخراج و همچنین ترجمه‌ها و یک شرح آن یاد کرده است. آغاز:

«أطال الله بقاء أمير المؤمنين و أدام له العز في تمام من النعمة ... إن أمير المؤمنين أیده الله تعالی سألنی أن أضع له کتاباً جامعاً يعمل به فی جباية الخراج و العشور و الصدقات و الجوالی و غیر ذلك مما يجب علیه النظر فيه والعمل به ...».

- ترجمه ترکی رساله فی الخراج نگاشته محمد بن محمد مشهور به رودوسی‌زاده با نام ترجمه رساله جباية و خراج و عشور و صدقات موجود است. این ترجمه به فرمان یکی از وزیران عثمانی به نام مصطفی پاشا نگاشته شده است. گویا مترجم نتوانسته تحریر پایانی یا مبیضه این اثر را فراهم آورد و لذا شخصی با نام حاج سلیمان، به سال ۱۱۸۸ ق نسخه‌ای بر پایه نسخه مؤلف فراهم آورده که همین نسخه امروزه در دست است و به تعبیری نسخه اصل این ترجمه به شمار می‌آید. نسخه یاد شده به شماره ۴۲۵ در کتابخانه دانشگاه شهر آن آربر (میشیگان) نگهداری می‌شود. تصویر نخستین صفحه نسخه را در «شکل ۲» می‌بینیم. متن اثر چنین آغاز می‌شود:

«حمد بی غایه و ثنای بی‌نهایه اول ذات بی‌چونه اولسون که احکام شرع قویمی محکم کتابی ایله و اعلام دین مستقیمی معظم خطابی ایله احکام و اعلا ایلدی ... مترجم کتاب عنبرین نقاب، محمد بن محمد الشهبیر برودوسی‌زاده ایدر که چونکه دستور آسمان پایه و صاحب خورشید پایه ...».

- شرحی بر اثر ابویوسف نگاشته فقیه حنفی عبدالعزیز بن محمد الرحبی البغدادی (د ۱۱۸۴ ق) به نام فقه الملوک و مفتاح الرتاج المرصد علی خزانه کتاب الخراج (اشرح

۱. از شاگردان ابوحنیفه و نام‌آوران فقه حنفی می‌باشد که قضاوت بغداد را بر عهده داشت. از زیرکی‌های او در استخراج احکام فقهی حکایت‌های بسیاری نقل کرده‌اند (برای زندگی و آثار او نک: تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، صص ۵۸۵ - ۵۸۸).

۲. برای نسخه‌های اثر نک: معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۳۹۵۶.

۳. برای مشخصات این نسخه نک: «کتابخانه دانشگاه شهر آن آربر (میشیگان)»، نگارش محمدتقی دانش‌پژوه، نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۱۰، ص ۸۵.

کتاب الخراج لأبي يوسف) موجود است که پس از این جداگانه بدان اشاره خواهد شد.
۲. کتاب الخراج: از یحیی بن آدم بن سلیمان الأموی القرشی (د ۲۰۳ ق) است. در برخی منابع، یحیی بن آدم را معتقد به برخی از شاخه‌های فرقه شیعه دانسته‌اند؛ چنانکه در الملل و النحل (ص ۱۴۹ ترجمه صدر ترکه) نام وی در ذیل عنوان «رجال شیعه و مصنفان کتب ایشان از زیدیه» یاد شده است. محمد بن اسحق الندیم در الفهرست (ج ۲، ص ۹۰ فؤاد سید؛ ص ۲۸۳ عربی؛ ص ۴۱۴ ترجمه فارسی) درباره‌اش نوشته است:

« یحیی بن آدم: و یکنی اباز کریا. مولی لآل عقبه بن ابی معیط. مات بقم الصلح سنة ثلاث و مائتین. و له من الکتب: کتاب الفرائض، کبیر؛ کتاب الخراج؛ کتاب الزوال...
 کتاب الخراج یحیی بن آدم موجود بوده و چندین بار به چاپ رسیده است.^۱ کتاب در چهار «جزء» و برخی «جزء»ها به «باب»هایی بخش‌بندی شده است. اسنادی که در آغاز هر جزء کتاب دیده می‌شود روایت نهایی و موجود آن را به سده پنجم می‌رساند. آغاز:

«خبرنا الشیخ ابو عبدالله الحسین بن علی بن احمد البسری احسن الله توفيقه
 قال خبرنا ابو محمد ... قال حدثنا یحیی بن آدم بن سلیمان القرشی قال حدثنا
 الحسن بن صالح قال سمعنا: ان الغنیمه ما غلب علیه المسلمون بالقتال حتی
 یأخذوه عنوة و ان الفیء ما صولحوا علیه یقول من الجزیه و الخراج...».

نظرات و مطالب یاد شده توسط یحیی بن آدم در برخی از منابع ادوار سپسین مورد استفاده قرار گرفته چنانکه قدامه بن جعفر در کار خود از نظرات وی یاد کرده است.

۳. کتاب الخراج: از حسن بن زیاد اللؤلؤی (د ۲۰۴ ق) از شاگردان نام‌آور ابوحنیفه است. سزگین اشاره کرده که به احتمال بسیار، طبری در کتاب الاختلاف از کتاب الخراج لؤلؤی بهره برده است.^۲ از این اثر تاکنون نسخه‌ای گزارش نشده است. ندیم در الفهرست (مج ۲، صص ۲۳ - ۲۴ فؤاد سید؛ ص ۲۵۸ تجدّد؛ ص ۳۷۹ فارسی) درباره‌ی وی و اثرش چنین نوشته است:

« اللؤلؤی: و هو الحسن بن زیاد اللؤلؤی و یکنی اباعلی. من اصحاب ابی حنیفة
 ممّن اخذ عنه و سمع منه... و توفی سنة اربع و مائتین، قاله الطحاوی. و له
 من الکتب: کتاب المجرد لابی حنیفة... کتاب الخراج...».

۴. کتاب الخراج: از ابو عبدالرحمن الهیثم بن عدی الثعلبی (د ۲۰۷ ق). ندیم در الفهرست (مج ۲، ص ۳۱۱ فؤاد سید؛ ص ۱۱۲ تجدّد؛ ص ۱۶۷ ترجمه فارسی) در ضمن یادکرد از وی بدین کتاب او اشاره کرده است. از این اثر تاکنون نسخه‌ای شناسانده نشده است.

۱. برای چاپ‌ها نک: کتابنامه؛ برای نسخه اثر نک: معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۳۸۹۷؛ همچنین برای شرح احوال نویسنده نک: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابن آدم».
 ۲. برای منابع شرح حال لؤلؤی نک: تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، ص ۶۰۶.

۵. **کتاب الخراج:** از عبدالملک بن علی بن اصمغ بن مظهر بن عمرو بن عبدالله باهلی نامور به اصمعی (د ۲۱۳ ق یا ۲۱۷ ق) است^۱. ندیم در *الفهرست* (مج ۱، ص ۱۵۷ فؤاد سیّد؛ صص ۶۰-۶۱ تجدّد؛ صص ۹۵-۹۶ ترجمه فارسی) در ضمن یادکرد از اصمعی از این کتاب او نام برده است. از این اثر تاکنون نسخه‌ای شناسانده نشده است.

۶. **کتاب الخراج:** از ابومحمد جعفر بن مبشر الثقفی (د ۲۳۴ ق). محمد بن اسحق الندیم در *الفهرست* (ج ۱، صص ۵۷۶-۵۷۷ فؤاد سیّد؛ ص ۲۰۸ تجدّد؛ ص ۳۰۳ ترجمه فارسی) از وی و اثرش چنین یاد کرده است:

«جعفر بن مبشر: هو ابومحمد جعفر بن مبشر الثقفی من معتزلة البغداد. و كان فقیهاً متکلماً صاحب حدیث ... و توفی جعفر سنة اربع و ثلاثین و مائتین. و له من الکتب: کتاب الاشربة ... کتاب الخراج ...»

۷. **رسالة الی ابی النجم فی الخراج:** از عمرو بن بحر الجاحظ (د ۲۵۵ ق) است که تاکنون نسخه‌ای از آن گزارش نشده است^۲. در *الفهرست* محمد بن اسحق الندیم (ج ۱، ص ۵۸۷ فؤاد سیّد؛ ص ۲۱۱ تجدّد؛ ص ۳۰۸ ترجمه فارسی) درباره آثار وی و این اثرش آمده: «ما ترجمته من کتب الجاحظ «رسالة»: رسالته الی ابی الفرج بن نجاح فی امتحان عقول الاولیاء؛ رسالته الی ابی النجم فی الخراج؛ رسالته فی القلم...». از عنوان اثر می‌توان دانست که بصورت نامه برای شخصی به نام ابوالنجم فرستاده شده است.

۸. **کتاب الخراج:** از ابوبکر احمد بن عمر بن مهیر الشیبانی الخصاف که کتابش را برای المهتدی بالله عباسی (حک ۲۵۵-۲۵۶ ق) نگاشته است. اثر دیگر نویسنده با نام *ادب القاضی* موجود و بسیار مشهور است اما از کتاب *الخراج* وی تاکنون نسخه‌ای گزارش نشده است^۳. محمد بن اسحق الندیم در *الفهرست* (ج ۲، ص ۲۸ فؤاد سیّد؛ ص ۲۵۹ عربی؛ ص ۳۸۱ ترجمه فارسی) درباره او نوشته:

«الخصاف: و اسمه احمد بن عمر بن مهیر الشیبانی الخصاف و یکنی ابابکر. و كان فقیهاً فارضاً حاسباً عالماً بمذاهب اصحابه. متقدماً عند المهتدی حتی قال الناس هو ذا یحیی دولة ابن ابي دواد و یقدم الجهمیة. و عمل الخصاف للمهتدی کتابه فی الخراج ... و له من الکتب: کتاب الحیل ... کتاب الخراج، للمهتدی؛ کتاب النفقات...»

۹. **کتاب الخراج:** از ابوسلیمان داود بن علی بن داود بن خلف الاصفهانی (د ۲۷۰ ق) که

۱. برای احوال او نک: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، مقاله «اصمعی».

۲. برای احوال او نک: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* و *دانشنامه جهان اسلام*، مقاله «جاحظ».

۳. برای شرح حال و آثارش نک: *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۱، صص ۶۱۱-۶۱۴.

کتابی هم درباره جزیه داشته است. در *الفهرست النّديم* (ج ۲، ص ۶۱ فؤاد سیّد؛ صص ۲۷۱ - ۲۷۱ عربی؛ صص ۳۹۷ - ۳۹۸ فارسی) از او چنین یاد شده است:

«ابوسليمان داود بن علی بن داود بن خلف الاصفهانی: و هو اول من استعمل قول الظاهر و أخذ بالكتاب و السنّة و الغی ما سوی ذلك من الرأی و القیاس. و كان فاضلاً صادقاً ورعاً. و توفي داود سنة سبعین و مائتين. و له من الكتب: كتاب الايضاح... كتاب الخراج؛ كتاب المعدن؛ كتاب الجزية...».

۱۰. *كتاب الجزية و الخراج*: از ابونصر محمد بن مسعود عیاشی دانشمند شیعه امامی سده سوم و چهارم ق است. در *الفهرست محمد بن اسحق النّديم* (ج ۱، ص ۶۸۴ فؤاد سیّد؛ ص ۲۴۵ تجدّد؛ ص ۳۶۲ ترجمه فارسی) از این کتاب وی یاد شده است:

«ابوالنصر محمد بن مسعود العیاشی: من اهل سمرقند و قيل انه من بنی تمیم. من فقهاء الشیعة الامامية. اوحد دهرة و زمانه فی غزارة العلم. و لکتبه بناوحي خراسان شأن من الشأن. کتب جنید بن محمد بن نعيم... کتاباً فی آخره نسخة ما صنّفه العیاشی؛ و قد ذکرته علی ما رتبّه صاحبه هذا: کتاب التفسیر... کتاب الجزية و الخراج...».

۱۱. *كتاب الخراج*: از ابوالقاسم عبدالله بن العرمم. محمد بن اسحق النّديم در *الفهرست* (ج ۱، ص ۳۹۹ فؤاد سیّد؛ ص ۱۴۳ تجدّد؛ ص ۲۱۲ ترجمه فارسی) از وی و کتابش چنین یاد کرده است:

«ابن العرمم: ابوالقاسم عبدالله [بن علی بن محمد بن داود الجراح]. و مات مراغماً بالبطائح عند عمران [بن شاهین]. و له من الكتب: كتاب الخراج و سمّاه...»^۱.

۱۲. *كتاب عشر و خراج*: از امام محمد [ظ: شیبانی]. فضل الله بن روزبهان خنجی در *سلوک الملوك* (ص ۲۸۰) از کتاب *عشر و خراج* وی مطلبی را بدینگونه نقل به مضمون کرده است:

«امام محمد در کتاب عشر و خراج در اصل یاد کرده که ... الخ». آقای موحد در «منابع متن کتاب» به استناد همین عبارت یادآور شده‌اند که: «ظاهراً کتاب عشر و خراج جزئی است از کتاب اصل»^۲. گمان می‌رود که چنین باشد و در آن صورت نمی‌توان این اثر را بعنوان اثری مستقل در خراج به شمار آورد^۳.

۱. جای خالی از ندیم است و از اینجا برمی‌آید که کتاب خراج ابن‌عرمم نامی ویژه داشته که ندیم هنگام نگارش *الفهرست* آن را به خاطر نداشته و خواسته که بعدها تکمیل کند و گویا نتوانسته است.

۲. نیز نک: شرح کتاب عشر و خراج در همانجا، ص ۵۰۳.

۳. برای شرح حال و آثار ابوعبدالله محمد بن الحسن بن فرقد الشیبانی - فقیه نام‌آور حنفی - و بویژه کتاب *الاصل*

۱۳. الاستخراج لأحكام الخراج: از أبي الفرج عبدالرحمن بن احمد بن رجب الحنبلي (د ۷۹۵ ق) که در ده باب تنظیم شده و به چاپ هم رسیده است. آغاز:
«الحمد لله الذي مهد لبني آدم قبل أن يخلقهم بساط الارض و جعلهم فوق ظهرها خلائف ... اما بعد فان الله تعالى خلق الخلق كلهم لعبادته ... و قد استخرت الله تعالى في جمع كتاب يجمع احكام الخراج و ما يتعلق به من تصوير المسائل و تقرير المذاهب و تحرير الدلائل و الحجج و سمّيته كتاب الاستخراج لأحكام الخراج و رتبته على عشرة ابواب ليسهل كشف مسائله ...»

۱۴. فقه الملوک و مفتاح الرجاج المرصد على خزانة كتاب الخراج: از عبدالعزیز بن محمد الرحبی البغدادی (د ۱۱۸۴ ق) که این اثر را به سال ۱۱۶۹ ق به پایان رسانده است. نسخه اصل این اثر به شماره ۷۲۶ در کتابخانه اسعدافندی نگهداری می شود و متن آن نیز به سال ۱۳۹۳ ق در بغداد به چاپ رسیده است.^۱

آثاری با عنوان عمومی «الاموال»

بخش دیگری از آثار فقهی مرتبط با خراج، مربوط به کتابهایی است که با نام عمومی «الاموال» نگاشته شده است. در اینگونه کتابها به بررسی منابع درآمد دولت های اسلامی و محل مصرف آنها از دیدگاه فقهی و حدیثی گفتگو می شود.^۲ از نمونه های این آثار می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. الاموال (کتاب...): از ابو عبید القاسم بن سلام الازدی (۱۵۷ - ۲۲۴ ق) که از منابع کهن و معتبر در این زمینه به شمار می آید و چندین بار به چاپ رسیده است.^۳ نویسنده مطالب را با نقل احادیث و اخبار یاد کرده است. متن اثر به چندین «کتاب» و هر کتاب به «باب» هایی بخش بندی شده است.

۲. الاموال (کتاب...): از حمید بن مخلد بن قتیبة بن عبدالله الخراسانی النسائی معروف به ابن زنجویه (د ۲۵۱ ق) که به چاپ رسیده است. ابن زنجویه، شاگرد قاسم بن سلام بوده و چنانکه در منابع یاد شده، در نگارش اثر خود از کتاب استادش بسیار بهره برده است.

۳. الاموال (کتاب...): از قاضی اسماعیل بن اسحاق الجهمی (د ۲۸۲ ق). از این اثر در

فی الفروع (المبسوط) وی نک: تاریخ نگارش های عربی، ج ۱، صص ۵۸۸ - ۵۸۹.

۱. برای نسخه های اثر نک: معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۱۷۶۹؛ نیز فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریه [الفقه الحنفی: ج ۲]، ص ۷۵.

۲. نک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مقالة «اموال».

۳. برای شرح حال نویسنده و نام اثرش نک: الفهرست، ص ۷۸ عربی تجدّد.

- مقدمه الاموال ابن زنجویه (ص ۶) یاد شده است.
۴. الاموال (کتاب...)، از عبدالله بن محمد بن حیّان الاصبهانی (د ۳۶۹ ق). از این اثر در مقدمه الاموال ابن زنجویه (ص ۶) یاد شده است.
۵. الاموال (کتاب...)، از ابوجعفر احمد بن نصر الدّاودی (د ۴۰۲ ق) فقیه مالکی است که در طرابلس می‌زیست و در تلمسان درگذشت^۱. متن اثر به چاپ رسیده است.

آثار مستقل شیعی درباره خراج

عمده کتاب‌های مستقل فقهی کهن که درباره موضوع خراج نگاشته شده مربوط به آثار اهل تسنن می‌باشد. مبحث خراج در کتاب‌های کهن فقه شیعی گاهی در ذیل مبحث «جهاد» - آن هم مرتبط با احکام زمین‌ها - یاد شده است^۲. اگر از چنین آثاری صرف نظر کنیم، می‌توان گفت که نخستین اثر مستقل شیعه امامیه که در این باره می‌شناسیم کتاب الجزیه و الخراج اثر ابونصر محمد بن مسعود عیاشی است که پیش‌تر در ضمن آثار فقهی مرتبط با خراج بدان پرداختیم و گفتیم که تاکنون نسخه‌ای از آن شناسایی نشده است. جز این، چند اثر می‌شناسیم که در آن‌ها به مباحث مرتبط با استیفاء و خراج پرداخته شده است اما نمی‌توان این آثار را اختصاصاً در موضوع خراج و استیفاء به شمار آورد. اگر از این آثار چشم‌پوشی کنیم، می‌توانیم بگوییم که یکی از مهم‌ترین آثار مستقل شیعی که در این زمینه به دست ما رسیده، رساله قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج اثر محقق کرکی (د ۹۴۰ ق) است که پایان نگارش آن به تصریح مؤلف در سال ۹۱۶ ق بوده است. چنانکه از تاریخ نگارش اثر برمی‌آید، تألیف آن در نخستین سال‌های حکومت صفوی به انجام رسیده است؛ یعنی دقیقاً در دوره‌ای که حکومت شیعه به صورت قدرتمند و فراگیر در یک سرزمین پهناور برقرار شد. باید توجه داشت که نگارش آثار مرتبط با اموال و خراج، اصولاً با دستگاه‌های حکومتی ارتباط مستقیم دارد و از همین روی آنچه از آثار مستقل فقهی در این باره توسط شیعیان - بویژه شیعیان امامی - نوشته شده مربوط به دوره صفوی و پس از آن است؛ چنانکه مثلاً پس از نگارش رساله قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج رسالتی در تأیید یا رد آن نوشته شد که پس از این بدان‌ها موارد اشاره خواهیم کرد. منتها در این زمینه برخی آثار مرتبط با این موضوع را هم به ترتیب تاریخی معرفی خواهیم کرد:

۱. عهد اشتر: فرمانی که توسط امام علی بن ابیطالب (شهادت ۴۰ ق) هنگام گسیل داشتن مالک اشتر نخعی (د ۳۷ ق) به حکومت مصر از برای او نوشته شده است. متن فرمان، بعنوان نامه پنجاه و سوم در نهج البلاغه ثبت شده و در ترجمه‌ها و شروح نهج البلاغه بدان

۱. برای وی و آثارش نک: تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، ص ۶۸۱.

۲. البته این مبحثی است که باید بصورت دقیق‌تر توسط پژوهشگران فقه شیعه بررسی شود.

پرداخته شده است. همینطور در برخی دیگر از متون نیز به نقل آن پرداخته شده است.^۱ جز اینها، متن این فرمان بصورت جداگانه نیز مورد توجه قرار داشته است؛ چنانکه ترجمه فارسی کهنی از آن - که اندکی پیش از ۷۳۰ ق انجام یافته - توسط زنده‌یاد محمدتقی دانش‌پژوه در کتاب *فرمان مالک اشتر* به چاپ رسیده است.^۲ البته جز فرمان اشتر، در برخی دیگر از نامه‌های امام از مباحث اموال و خراج سخن رفته است؛ چنانکه نامه پنجاه و یکم *نهج البلاغه* برای کارگزاران خراج نگاشته شده و چنین عنوان دارد: «و من کتاب له علیه السلام إلى عماله علی الخراج»؛ با اینحال چون فرمان اشتر از دیدگاه کمی و کیفی دارای گستره بیشتری نسبت به آن نوشته‌ها است آن را جداگانه یاد کردیم و به دیگر موارد نپرداختیم.

۲. **کتاب الخراج**: یحیی بن آدم بن سلیمان الأموی القرشی که در برخی منابع او را معتقد به برخی از شاخه‌های فرقه شیعه (گویا زیدیه) دانسته‌اند و پیش‌تر به او و کتابش اشاره کرده‌ایم.

۳. **کتاب الجزیه و الخراج**: از ابونصر محمد بن مسعود عیاشی (سده سوم و چهارم) دانشمند شیعه امامی که پیش از این بدان پرداختیم و گفتیم که عجلالتا از چگونگی و حجم اثر آگاهی نداریم.

۴. **رسالة خواجه نصیرالدین طوسی در امر مالیات**: از نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ ق) است. طوسی در این رساله راه و رسم کشورداری را برای ایلخان مغول هولگو (۶۵۴ - ۶۶۳ ق) شرح داده است. در این رساله اثر چندانی از دیدگاه‌های شیعی دیده نمی‌شود و اگر انتساب آن را به طوسی قطعی بگیریم می‌توان گفت که وی مباحث را بیش‌تر با توجه به ذهنیت مخاطب - که ایلخان مغول و بی‌توجه به مباحث اسلامی بود - نگاشته است. از این اثر دو تحریر بر جای مانده است. یکی که جداگانه در مقاله: «Nasir al-Din Tusi on Finance» به کوشش استاد مجتبی مینوی و ولادیمیر مینورسکی در BSOAS (۱۹۴۰ م، صص ۴۱ - ۴۷) چاپ شده است.^۳ و تحریر دیگر، در خلال متن *تاریخ شاهی قراختائیان* (صص ۳۹ - ۴۵) درج شده است. گمان نویسنده این سطور بر آن است که تحریر مندرج در *تاریخ شاهی قراختائیان* اصیل‌تر از تحریر دیگر است؛ هرچند که داورى قطعی در این زمینه نیازمند بررسی دقیق‌تر دو تحریر است.

۵. **قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج**: از علی بن حسین بن عبدالعالی معروف به محقق کرکی و محقق ثانی (د ۹۴۰ ق) که آن را به سال ۹۱۶ ق به پایان رسانیده است.

۱. نک: *فرمان مالک اشتر*، صص ۳۸ - ۴۳.

۲. این فرمان از دیدگاه کتابشناسی بصورت مطلوبی توسط استاد دانش‌پژوه در مقدمه کتاب *فرمان مالک اشتر* مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. نیز نک: سازمان اداری حکومت صفوی، صص ۲ و ۳؛ *نامه مینوی*، ص ۱۸.

محقق کرکی اثر خود را در پنج «مقدمه»، یک «مقاله» و یک «خاتمه» تنظیم کرده است. متن اثر نسبتاً مختصر است و بیش تر با توجه به نیازهای عصر مؤلف نگاشته شده است. از این اثر چندین نسخه بر جای مانده و متن آن یک بار در ضمن رسائل التسع مسّمات بالرّضاعیات و الخراجیات (صص ۱۵ - ۴۴) و بار دیگر در ضمن رسائل المحقق الکرکی (صص ۲۳۷ - ۲۸۶) به چاپ رسیده است.^۱ آغاز:

«الحمد لله الذی اید کلمة الحق بالبراهین القاطعة و اعلا کلمة الصّدق بالحجج اللامعة... و بعد: فأنی لما توالی علی سمعی تصدّی جماعة من المتّسمین بسمه الصّلاح... و سمّيتها بقاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج و ربّتها علی مقدّمات خمس و مقالة و خاتمة...».

۶. قاطعة اللجاج فی ابطال طریقه اهل الاعوجاج: از محقق کرکی که باید بررسی شود آیا همان قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج است یا نه. نسخه آن در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک (ج ۵، ص ۳۳۷) شناسانده شده است.

۷. رساله خراجیه: از محمدباقر بن ابوالفتوح موسوی که در آن به ترجمه فارسی مباحث خراجی شیعی بویژه قاطعة اللجاج محقق کرکی و رساله مقدّس اردبیلی و نگریستن به دیگر منابع فقه و حدیث شیعی پرداخته و همراه با افزوده‌هایی به مقایسه نظرات پرداخته و از خود نیز مطالبی نقل کرده است. مؤلف، اثرش را به فرمان حسین علیخان در روزگار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ق) نگاشته و آن را به شاه سلیمان پیشکش کرده است. متن اثر همانند قاطعة اللجاج محقق کرکی به پنج مقدمه، یک مقاله و یک خاتمه بخش بندی شده است. نسخه اصل این رساله که برای شاه سلیمان نگاشته شده در کتابخانه خاندان ثقة الاسلام در تبریز موجود بوده است.^۲ نسخه‌ای از این اثر به شماره ۱۹۸۸۲ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود که گمان می‌رود همان نسخه خاندان ثقة الاسلام باشد. این نسخه اندکی از آغاز مقدمه را ندارد که بجایش یک صفحه نونویس قرار داده شده و نمی‌دانیم آیا اصیل است یا نه. نسخه اندکی هم از «خاتمه» افتادگی دارد. آغاز:

«بخش نونویس: [حمد بلا حدّ و شکر بلا عدّ مر حضرت حکیمی را سزد که از پرتو فیض کردگاریش... [آغاز موجود از بخش اصلی: دهان بلاغت گستران را به سدّ ثغور نظم اسنان و استحكام در دو لخت لبان رخنه ملک استوار گردانید... الخاقان بن الخاقان، سلطان شاه سلیمان الصفوی الموسوی

۱. برای نسخه‌های اثر نک: معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۲۰۳۶؛ نیز نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی، ص ۳۱۳.

۲. نک: «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ثقة الاسلام در تبریز»، نگارش سید عبدالعزیز طباطبائی، نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۷، ص ۵۳۲.

الحسینی بهادرخان اعلی الله تعالی شانہ و سلطانه و افاض علی العالمین برّہ و احسانہ. اما بعد: خامه مشوش بیان بر صفایح ضمائر و صحایف خواطر ناظران این اوراق بی سامان می نگارد که اطلاع بر احکام اراضی خراجیه و دانستن مسایل متعلقه به آن متوقّر الدّواعی و عام البلوی است... به این داعی دوام دولت قاهره، کمینه بنده فدوی محمّدباقر بن ابی الفتوح موسوی تکلیف نمودند که رسائل مزبوره را... به کسوت زیبای فارسی نقل نموده...».

۸. **سراج الوہاج بدفع عجاج قاطعة اللجاج فی حیل الخراج:** از ابراہیم بن سلیمان القطیفی البحرانی الحلّی (د پس از ۹۹۴ ق). یک بار در ضمن رسائل التسع مسّمات بالرّضاعیات و الخراجیات (صص ۴۵ - ۱۶۸) به چاپ رسیده است.^۱

۹. **الرّسالة الخراجیه (/ کتاب الخراج):** از نظام الدّین احمد بن محمّد مقدّس اردبیلی (د ۹۹۳ ق). یک بار در ضمن رسائل التسع مسّمات بالرّضاعیات و الخراجیات (صص ۱۶۹ - ۱۷۳) به چاپ رسیده است.^۲

۱۰. **رسالة مختصرة فی مسئله الخراج:** از نظام الدّین احمد بن محمّد مقدّس اردبیلی (د ۹۹۳ ق) است. یک بار در ضمن رسائل التسع مسّمات بالرّضاعیات و الخراجیات (صص ۱۷۴ - ۱۷۶) به چاپ رسیده است.

۱۱. **رسالة فی حل الخراج ردّاً علی الفاضل القطیفی و المقدّس الاردبیلی (/ کتاب الخراج):** از ماجد بن فلاح الشیبانی (حدود سده ۱۰ ق)^۳ است. این اثر یک بار در ضمن رسائل التسع مسّمات بالرّضاعیات و الخراجیات (صص ۱۷۶ - ۱۹۰) به چاپ رسیده است. همچنین نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم نگهداری می شود.^۴

آثار مرتبط با تشکیلات دیوانی خراج (صناعة خراج)
چنانکه گفتیم برخی دیگر از کتاب‌های مربوط به خراج، نوشته‌هایی به قلم وزیران و دبیران بوده که در آن‌ها به شیوه وضع و دریافت خراج و مسائل مرتبط بدان پرداخته می شد. در این آثار به «دیوان» های اداری و وظایف هر کدام از این دیوان‌ها با توجه به شیوه‌های رایج در دوره نویسندگان این آثار اشاره شده است. از جمله این نوشته‌ها به ترتیب تقریبی تاریخ نگارش می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **کتاب خراج:** از ابوعبیدالله معاویة بن یسار است. چون نویسنده از دیوانیان و وزیران

۱. برای نسخه‌های اثر نک: معجم التّاریخ التّراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۲۲.

۲. برای نسخه‌های اثر نک: معجم التّاریخ التّراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۴۳۵.

۳. مؤلّف رساله از مقدّس اردبیلی با دعای «سلمه الله تعالی و ابقاه» یاد می کند و لذا از هم‌روزگاران وی بوده است.

۴. برای نسخه اثر نک: معجم التّاریخ التّراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۲۴۱۳.

خلیفه عباسی محمد بن منصور ملقب به مهدی (حک ۱۵۸ - ۱۶۹ ق) بوده، کتابش را جزو آثار مرتبط با استیفاء ضبط کردیم. ابن الطقطقی این اثر را کهن‌ترین نوشته درباره خراج دانسته و در *الفخری فی الآداب السلطانیة* (ص ۲۱۶) درباره نویسنده و کتابش آورده: «... و صنّف کتاباً فی الخراج ذکر فيه أحكامه الشرعیة و دقایقه و قواعد و هو اول من صنّف کتاباً فی الخراج و تبعه الناس بعد ذلك فصنّفوا کتب الخراج. و کان شدید التکبر...».

در *تجارب السلف* (ص ۱۲۳) که ترجمه آزادی از *الفخری* می‌باشد از کتاب ابو عبیدالله چنین یاد شده است:

«کتابی در علم خراج تصنیف کرد و احکام شرعی و قواعد و دقایق تصرفی را در آن مثبت داشت. و اول کتابی که در خراج ساخته‌اند تصنیف اوست و آن کتاب را قبولی عظیم بازدید آمد و در عاریت آن ضنت می‌کردند. هرچند فضایل نامحسور داشت اما متکبر بود...»^۱.

۲. کتاب الخراج: از حفصویه که از اجداد مادری «عسجدی» سراینده فارسی زبان است. به گفته ندیم، حفصویه نخستین کس می‌باشد که کتابی درباره خراج نگاشته است. شاید بتوان گمان برد که این حفصویه همان حفص بن منصور مروزی است که یادکردش در *زین الاخبار گردیزی* (ص ۱۳۱) دیده می‌شود. اگر این گمان درست باشد، احتمالاً نوشته او از *کتاب الخراج معاویة بن یسار* متأخر خواهد بود. با این حال چون این گمان قطعی نیست، از حفص بن منصور مروزی و کتابش پس از این جداگانه یاد کردیم. یادکرد حفصویه در *الفهرست* (ج ۱، ص ۴۲۰ فؤاد سید؛ ص ۱۵۰ تجدد؛ ص ۲۲۳ ترجمه فارسی) چنین است: «حفصویه؛ و اسمہ...^۲. [کان جدّ عبدالعزیز الشّاعر العسجدی المروزی من قبل امّه. و هو یقول: ز پیوند حفصویه کاتبم من | جنین امد از سوی مادر برادم]^۳. و کان من افاضل کتاب الخراج متقدماً فی صناعته و هو اول من ألف فی الخراج کتاباً. و له من الکتب: کتاب الخراج؛ کتاب الرسائل».

۳. کتاب خراج خراسان: از حفص بن منصور مروزی. در *زین الاخبار گردیزی* (ص ۱۳۱)

۱. در کتاب *تحفه [در اخلاق و سیاست]* (ص ۱۸۱) نیز که از آثار فارسی سده هشتم هجری است همین مطلب نقل شده که گویا برگرفته از *تجارب السلف* است.

۲. جای خالی از ندیم است و گویا می‌خواسته که بعدها این آگاهی را تکمیل کند و نتوانسته است.

۳. صورت درست بیت چنین است: «ز پیوند حفصویه کاتبم من || چنین امد از سوی مادر نژادم» (برای این بیت نک مقاله: «بیتی تازه‌یاب از عسجدی در *الفهرست* ابن‌ندیم»). ضمناً عبارت میانه کروشده در حاشیه نسخه «جب» (چستربیتی) از *الفهرست* به خطی جز خط کاتب درج شده و از افزوده‌های دیگران بر آن متن است و لذا نباید از نوشته ندیم دانسته شود.

بنیاد فرهنگ) در باب مربوط به «امرای خراسان» از امارت علی بن عیسی بن ماهان (د ۱۹۵ ق) در خراسان یاد شده و در آنجا آمده:

«دبیر او حفص بن منصور مروزی بود. و حفص بمرد و از وی شصت کودک بماند، بیست بزرگ و چهل خورد. و کتاب خراج خراسان حفص تألیف کرده است.»

۴. کتاب المراعی و الجراد: از ابوالحسن علی بن محمد مدائنی (د ۲۱۵ ق) است. ندیم در الفهرست (ص ۳۲۲ فؤاد سید؛ ص ۱۷۳ فارسی) به کتاب المراعی و الجراد اشاره کرده و گفته است که درباره شهرستان‌ها و شیوه گردآوری مالیات آن‌ها است:

«کتاب المراعی و الجراد؛ و یحتوی علی الکؤور و الطساسیح و جباياتها»
گویا مدائنی جزو نخستین افرادی است که پیشینه استیفاء را مورد بررسی قرار داده؛ چنانکه پیش از این، حکایت نقل دیوان عراق از فارسی به عربی را از فتوح البلدان بلاذری درج کردیم و دیدیم که وی این نکته را از مدائنی نقل کرده است. در برخی دیگر از متون گذشته نیز مطالبی از وی نقل شده؛ برای نمونه در تاریخ قم (ص ۴۵۱) آمده:

«و همدانی در کتاب خود از مدائنی حکایت می‌کند که او گفت که: اول کسی که زمین مساحت کرد و بیمود و دواوین نهاد و حدود و خراج پدید کرد قباد بود...»

اگرچه ظاهر این روایات نشانگر نقل قول از مدائنی هستند و نه بازنویسی از کتاب وی. ۵. کتاب الخراج: از احمد بن محمد بن عبدالکریم (د ۲۷۰ ق) است. ندیم در الفهرست (مج ۱، ص ۴۲۰ فؤاد سید؛ ص ۱۵۰ تجدّد؛ ص ۲۲۳ ترجمه فارسی) از وی چنین یاد کرده است:

«ابن عبدالکریم: و اسمه احمد بن محمد بن عبدالکریم بن ابی سهل الاحول و یکنی ابالعیّاس. من متقدّمی الکتاب و افاضلهم. و کان عالماً بصناعة الخراج؛ متقدّماً فی ذلک علی اهل عصره و توفی سنة سبعین و مائتین. و له من الکتب: کتاب الخراج.»

۶. کتاب الخراج: از عبدالرحمن بن عیسی که در دوران المتقی بالله عباسی^۱ (۳۲۹ - ۳۳۳ ق) وزارت داشته است. با توجه به اینکه عبدالرحمن بن عیسی پیشه وزارت داشته، می‌توان پنداشت که کتاب خراج وی از دیدگاه دیوانی نگاشته شده است. ندیم در الفهرست (مج ۱، ص ۳۹۹ فؤاد سید؛ ص ۱۴۳ تجدّد؛ ص ۲۱۲ فارسی) از کتاب خراج وی یاد کرده و یادآور شده که مؤلف آن را به پایان نرسانیده است:

۱. در ترجمه فارسی الفهرست المقنن بالله عباسی (۲۸۲-۳۲۰ ق) یعنی پدر المتقی یاد شده است که گویا لغزش مترجم است.

« عبدالرحمن بن عیسی: اخو أبی الحسن و كان فاضلاً كاتباً. و وزر للمثقی بمشورة أخیه و كان المسدد له و الناظر فی الأمور ابوالحسن علی بن عیسی. و له من الكتب: ... كتاب التاریخ، من سنة سبعین و مائتین إلى ایامه؛ كتاب الخراج، كبير و لم یتمه.»

۷. کتاب الخراج: از ابوالفرج قدامة بن جعفر (د ۳۳۷ ق). متأسفانه فقط یک نسخه از این متن بر جای مانده که دارای بخشی از این کتاب است.^۱ ندیم در الفهرست (مج ۱، ص ۴۰۲: ص ۱۴۴ تجدّد؛ ص ۲۱۴ ترجمه فارسی) درباره او آورده:

« قدامة بن جعفر: و هو قدامة بن جعفر القدامه و كان جدّه نصرانیاً و اسلم علی يد المکتفی بالله. و كان قدامة احد البلغاء و الفصحاء و الفلاسفة الفضلاء... و له من الكتب: كتاب الخراج، ثمان منازل و اضاف الیه تاسعه؛ كتاب نقدالشعر...»

کتاب الخراج قدامه به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، بیش از دیگر کتاب‌های مرتبط با موضوع خراج مورد توجه پیشینیان بوده و در برخی از متون کهن، مطالبی از آن نقل شده است. برای نمونه مسعودی در آغاز مروج الذهب (ج ۱، ص ۱۷) آنجا که از نویسندگان چیره‌دست - بویژه در تاریخ و اخبار - و آثارشان سخن می‌راند درباره قدامه و آثارش چنین می‌نویسد:

«... و كذلك ابوالفرج قدامة بن جعفر الكاتب فانه كان حسن التألیف، بارع التّصنيف موجز الالفاظ مقرباً للمعانی و اذا اردت علم ذلك فانظر الی كتابه فی الاخبار المعروف بكتاب زهر الربیع و اشرف علی كتابه المترجم بكتاب الخراج فانك تشاهد بهما حقيقة ما ذكرنا و صدق ما وصفنا.»

نیز در تاریخ سیستان (ص ۲۵) از قدامة بن جعفر (= ابوالفرج بغدادی) چنین یاد شده است:

« و بوالفرج بغدادی گوید - صاحب کتاب الخراج - که: خراسان و ایران و سجستان سرّه زمین است ...»

همچنین در کتاب نخبة الدهر فی عجائب البرّ و البحر (ص ۳۷۲ ترجمه فارسی) مطلبی از آن بدین عبارات نقل شده است:

«قدامة ابوالفرج پسر جعفر در کتاب الخراج می‌گوید: در پس خط استوا به سوی جنوب - که برخی هم در اقلیم نخست گفته‌اند - نه کوه یافتیم که... الخ.»

۱. برای نسخه موجود اثر نک: معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۲۳۹۱.

کتاب *الخراج* قدامه شامل عمده مباحثی است که در موضوع خراج باید در نظر گرفته شود. قدامه کتاب خود را در هشت «منزله» (منزل) نگاشته است که به گفته ندیم یک منزل نیز بر آن افزوده بوده است. از این بخش‌ها اکنون فقط منزله‌های ششم تا هشتم بر جای مانده است.

منزله ششم کتاب به یازده «باب» بخش‌بندی شده که در هر کدام از آن‌ها به «دیوان»‌ها و عملکرد آن‌ها پرداخته شده است. باب یازدهم این منزله که به دیوان برید اختصاص یافته دارای آگاهی‌های جغرافیایی مرتبط با دیوان برید و بویژه مبحث راه‌ها و مسافتات میان نقاط مختلف است. منزله هفتم به نوزده «باب» بخش‌بندی شده که در هر باب به انواع زمین‌ها - از دیدگاه نوع فتح - و چگونگی دریافت مالیات آن‌ها (فیء، خراج، عشر، جزیه و...) پرداخته شده است. باب نوزدهم از این منزله که مبسوط‌ترین باب آن نیز به شمار می‌رود، به تاریخچه فتوح سرزمین‌ها اختصاص یافته که می‌دانیم در تعیین نوع مالیات آن نواحی تعیین کننده بوده است. منزله هشتم اثر را می‌توان متنی درباره سیاست مدن به شمار آورد که در تقسیم‌بندی علوم گذشته جزو دانش اخلاق به شمار می‌آمده و لذا از دیدگاه بررسی دانش استیفاء نسبت به دیگر بخش‌های اثر کم‌ارزش‌تر است.

اما درباره چاپ‌های این متن باید یادآور شد که پس از شناسایی این متن از سوی اروپاییان در سده نوزدهم میلادی، پژوهش‌هایی درباره آن منتشر شد. از جمله دوخویه (M. J. De Goeje) بخشی از کتاب، شامل باب یازدهم از منزله پنجم تا پایان منزله ششم این اثر را که حاوی اطلاعات جغرافیایی است بعنوان جلد ششم از مجموعه «انتشارات جغرافیایی عربی» به ضمیمه کتاب *المسالک و الممالک ابن خردادبه* در ۱۸۸۹ م در لیدن منتشر کرد. ترجمه فارسی همین بخش‌ها در سال ۱۳۷۰ خ توسط دکتر حسین قره‌چانلو منتشر شد.

پس از دوخویه، ده باب نخستین از منزله پنجم کتاب را حسین خدیوچم تصحیح کرده و همراه با ترجمه فارسی این بخش‌ها به سال ۱۳۵۳ خورشیدی در تهران منتشر کرد. این باب‌ها در واقع بخش آغازین از متن بازمانده اثر است که در چاپ دوخویه منتشر نشده بود. نیز در سال ۱۹۸۱ م دکتر مصطفی الحیاری منزله هشتم این اثر را با عنوان: *السیاسة من کتاب الخراج و صناعة الكتابة* چاپ کرد.

سرانجام متن کامل این اثر به تحقیق دکتر محمد حسین الزبیدی در همان سال ۱۹۸۱ م با عنوان: *الخراج و صناعة الكتابة* منتشر شد.

چاپ عکسی نسخه منحصر بفرد اثر نیز به سال ۱۹۸۶ م به کوشش فؤاد سزگین در معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة چاپ شده است.

نیز بایسته یادکرد اینکه منزله پنجم کتاب - که نسبت به چاپ خدیوچم فقط یک باب افزوده دارد - به سال ۱۹۸۶ م توسط دکتر مصطفی الحیاری با عنوان: *الدواوین من کتاب*

الخراج و صناعة الكتابة لقدماء بن جعفر الكاتب منتشر شده است.

همچنین پژوهشی بر کتاب الخراج در سال ۲۰۰۲ م با عنوان زیر منتشر شده است:

The Construction of Knowledge in Islamic Civilization; Qudama B. JaFar and His Kitab ALKharaj Wa_Sinaat ALKitaba

۸. کتاب الخراج: از کلواذانی (زاده پیش از ۳۰۰ ق) که گویا در دو تحریر بوده و نخستین را به سال ۳۲۶ ق و دومی را به سال ۳۳۶ ق نگاشته است. با توجه به اینکه کلواذانی پیشه وزارت داشته، گمان می‌رود که کتابش را با دیدگاه دیوانی نگاشته است. نیز سلسله نسبش نشان می‌دهد که نیاکان وی ایرانی بوده‌اند. ندیم در الفهرست (ج ۱، ص ۴۰۴ فؤاد سید؛ ص ۱۴۵ تجدّد؛ ص ۲۱۵ فارسی) درباره او آورده:

«الكلواذاني: ابوالقاسم عبیدالله بن احمد بن محمد بن عبدالله بن الحسين بن ابی الحسن بن خسرو فیروز بن اربی بن المهراذان من نسل اردشیر بن بابک، الكلواذانی. صاحب دیوان السواد و خلف علی بن عیسی و رأس جُلّة الكتاب ثم وزر بالإسم. و نشأ أولاً فی دیوان ابن الفرات و مولده قبل الثلاثمائة و توفی ... ۲. و له من الكتب: كتاب الخراج، نسختان. الاولى عملها فی سنة ست و عشرين؛ و الثانية سنة ست و ثلاثين و ثلثمائة.»

۹. کتاب الخراج: از ابن الماشطة که نزدیک به روزگار ندیم می‌زیسته است. ندیم در الفهرست (ج ۱، ص ۴۲۰ فؤاد سید؛ ص ۱۵۰ تجدّد؛ ص ۲۲۳ ترجمه فارسی) درباره او آورده: «ابن الماشطة: و هو ابوالحسن علی بن الحسن و لقبه المظلوم باین الماشطة و لم یکن بعیدالعهد. و له صناعة و تقدم فی الحساب و صناعة الخراج. و له من الكتب: كتاب جواب المعنت؛ كتاب الخراج، لطیف؛ كتاب تعليم بعض المؤامرات.»

۱۰. کتاب الخراج: از ابن بشار. ابن ندیم در الفهرست (ج ۱، ص ۴۲۱ فؤاد سید؛ ص ۱۵۰ تجدّد؛ ص ۲۲۳ ترجمه فارسی) درباره او نوشته:

«ابن بشار: احمد بن محمد بن سلیمان بن بشار الكاتب؛ استاذ ابی عبدالله الكوفی الوزير. و كان احد افضل الكتاب بلاغة و صناعة. و له من الكتب: كتاب الخراج كبير و رأیت المسود بخطه نحو الف ورقة.»

۱۱. کتاب الافصاح و التتقیف فی آئین الخراج و رسومه: از ابوالحسن علی بن وصیف خشکناجی کاتب که معاصر و معاشر محمد بن اسحق الندیم و درگذشته پیش از ۳۷۷ ق

۱. بی‌نقطه «با».

۲. جای خالی از ندیم است و گویا می‌خواسته که بعدها این آگاهی را تکمیل کند و نتوانسته است.

بوده است. **النّدیم در الفهرست** (ج ۱، ص ۴۳۳ فؤاد سیّد؛ ص ۱۵۴ تجدّد؛ ص ۲۳۰ فارسی) از وی چنین یاد کرده است:

«خشکناجیه: الکاتب من اهل بغداد. و کان اکثر مقامه بالرّقعة؛ ثم انتقل الی الموصل. و اسمه علی بن وصیف [ابوالحسن]. و کان اسمه علیاً. من البلغاء فی معناه و ألف عدّة کتب و نَحَلَهَا عَبْدَان صاحب الاسماعیلیة. و کان لی صدیقاً و انیساً و توفی بالموصل [و کان یتشیّع]. و له من الکتب: کتاب الافصاح و التثقیف فی آئین الخراج و رسومه، کتاب النثر الموصل بالنّظم...».

۱۲. کتاب الخراج الکبیر: از ابن سریج (زاده ۳۰۰ ق - زنده تا ۳۷۷ ق) که از معاصران ندیم بوده است. **ندیم در الفهرست** (ج ۱، ص ۴۲۲ فؤاد سیّد؛ ص ۱۵۱ تجدّد؛ ص ۲۲۴ فارسی) درباره او نوشته:

«ابن سریج: فی زماننا. و یحیا الی وقتنا هذا. و اسمه اسحق بن یحیی بن سریج النّصرانی و یکنى ابالحسین. حسن المعرفة بامور الدّواوین و مناظرة العمّال و صناعة الخراج. و له قدم و معرفة بالنّجوم و مولده سنة ثلثمائة فی شعبان. و له من الکتب: کتاب الخراج الکبیر و جزئه جزئین و جعله سنّة منازل؛ کتاب [صناعة] الخراج الصّغیر و جعله منازل. کتاب المؤامرات بالحضرة...».

بایسته یادآوری اینکه در **الفهرست** (ج ۱، ص ۴۰۵ فؤاد سیّد؛ ص ۱۴۵ تجدّد؛ ص ۲۱۶ فارسی) از شخصی به نام ابوالحسن اسحق بن سریج/شریح الکاتب النصرانی یاد شده و سه اثر - یا یک کتاب در سه تحریر در حجم‌های گوناگون - درباره خراج بدو نسبت داده شده است؛ بدین عبارات:

«ابوالحسن اسحق بن سریج الکاتب النصرانی: و له من الکتب: کتاب الخراج فی ألف ورقة. کتاب الخراج المعروف و هو نحو مائتی ورقة. و کتاب الخراج صغیر نحو مائة ورقة».

در حاشیه نسخه چستریتی تصریح شده که این مدخل به خط مؤلف نیست. می‌افزاییم که این شخص همان ابن سریج است که گویا یک نفر از کاتبان **الفهرست** مشخصات او را به اشتباه در این جایگاه تکرار کرده است.

۱۳. کتاب صناعة الخراج الصّغیر: از ابن سریج که ندیم از آن یاد کرده و عبارت وی را پیش از این یاد کردیم.

۱۴. کتاب الخراج: از محمد بن احمد بن علی بن حار الکاتب. **ندیم در الفهرست** (ج ۱، ص ۴۲۲ فؤاد سیّد؛ ص ۱۵۱ تجدّد؛ ص ۲۲۴ ترجمه فارسی) درباره او نوشته:

« محمد بن احمد: بن علی بن حار' الکاتب. و له من الكتب: کتاب الخراج».

۱۵. کتاب تدبیر الجند و الممالیک و العساکر و ارزاقهم و خراج الممالک: از حسین بن عبدالله سینا (ابن سینا؛ ۳۷۰ - ۴۲۸ ق) که در رساله سیرة الشیخ الرئیس (ص ۱۰۴) فقط به نام آن اشاره شده است. تا جایی که جستجو کردیم نسخه‌ای از این اثر در جایی گزارش نشده است. فقط در فهرست مصنفات ابن سینا (ص ۵۷) از اثری با نام تدبیر منزل العسکر یاد شده و نشانی سه نسخه از آن درج شده است. در منبع یاد شده اشارتی نرفته که آیا تدبیر منزل العسکر همان کتاب تدبیر الجند است یا نه و لذا بررسی دقیق این موضوع، موکول به دیدن نسخه‌های اثر است. بویژه بررسی این نکته بایسته است که آیا تدبیر منزل العسکر مباحثی درباره خراج و استیفاء دارد یا نه.

۱۶. کتاب فی علم السیاقه کتابة الادیان: از مجیرالدین یعقوب کرمانی در قرن هفتم است (نک: فروغستان، ص ۲۰ مقدمه؛ ص ۲۸۳ پیوست‌ها). ابن الفوطی در مجمع‌الآداب فی معجم الانقلاب (ج ۴، ص ۵۸۴) درباره وی و این اثرش آورده:

«مجیرالدین ابومحمد یعقوب بن ابراهیم بن یحیی کرمانی المستوفی: کان ماهراً فی صناعة الاستیفاء و معرفة علم الحساب. و سمعت أن له مختصراً مفیداً فی علم سیاقه کتابة الادیان و الحساب یتبونه فی تلك البلاد و یشغلون به و یعتمدون علیه».

نوشته‌های فارسی درباره استیفاء و سیاق

آثار فارسی درباره استیفاء و سیاق که اکنون در دست است همگی پس از اواخر سده هفتم هجری نگاشته شده‌اند. پس از این دوره، دست‌کم در هر سده یک نگاشته را در این زمینه می‌توان برشمرد که نسخه‌هایی از آن‌ها به دست ما رسیده است. شمار این آثار معمولاً در هر دوره نسبت به ادوار پیشین افزایش می‌یابد چنانکه در دوره قاجار، تعداد آن‌ها بر مراتب افزایش می‌یابد.

البته گزارش‌هایی مربوط به پیش از سده هفتم درباره نگارش چند اثر از نویسندگان ایرانی درباره استیفاء به دست داریم که چون نسخه‌ای از آن‌ها تاکنون شناسایی نشده، به درستی نمی‌توان دانست که آیا این آثار به زبان فارسی بوده‌اند یا به زبان عربی. برای نمونه محمد عوفی در لباب‌الالباب (ج ۱، ص ۱۰۹ براون و قزوینی) در ذیل ترجمه «شهاب‌الدولة و الدین شرف‌الملک صاحب [الاستکفانی]^۲ الاستیفاءی» به کتابی از وی درباره استیفاء اشاره

۱. در نسخه چستریتی و ترجمه فارسی بی‌نقطه است. نسخه بدل: «خیار» متن از چاپ فؤاد سید است.

۲. ظ: «الاستکفانی»؛ این بخش از نام وی در چاپ براون موجود نیست و از دو نسخه کتابخانه تاگور (ص ۴۸ پ) و نسخه برلین (ص ۳۰ پ) افزوده شد.

کرده که احتمالاً «استکفاف» (گویا: استکفاء) نام داشته است: «صاحب‌صدری که در علم استیفاء به درجه‌ای بود که عطار در خدمت او تحریر کردی ... و استکفافی در علم استیفاء ساخته است؛ دستمایه است مر جمله حساب را و قدوه‌ای مر جمله کتاب را و کمال فضل او در علم حساب بدان تألیف روشن و مبرهن می‌شود».

همچنین دولت‌شاه سمرقندی در تذکرة الشعراء (صص ۱۳۷ - ۱۳۸ چاپ براون) از متنی با نام رساله شاهفوری نگاشته شاهفور اشهری (د ۶۰۶ ق) چنین یاد کرده است:

«ذکر ملک الکلام شاهفور^۲ اشهری نیشابوری: خوش‌طبع و فاضل بوده و شاگرد ظهیرالدین فاریابی است. در روزگار سلطان محمد بن تکش منصب انشاء بدو متعلق بود و رساله شاهفوری بدو منسوب است در علم استیفاء؛ و چند رساله دیگر در القاب و انشاء تصنیف کرده است ... و وفات شاهفور در تبریز بوده در شهر سنه ست و ستمائه در سرخاب تبریز آسوده است ...»^۳.

این اثر نیز قاعدتاً پیش از ۶۰۶ ق (درگذشت اشهری) نگاشته شده است اما از جزئیات آن بی‌خبریم.

پس از این به متونی فارسی اشاره خواهیم کرد که تمام یا بخشی از آن‌ها درباره موضوعات گوناگون استیفاء است. از بیش‌تر این آثار نسخه‌هایی به دست است و فقط چند نمونه معدود را سراغ داریم که فقط نامی از آن‌ها در منابع دیده می‌شود.

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت اینکه باید میان نوشته‌های ایرانی و هندی در این زمینه قائل به تفکیک باشیم؛ چرا که شیوه‌های استیفاء در این دو سرزمین یکسان نبوده است. البته باید دانست که شماری از شیوه‌های استیفاءی رایج در شبه‌قاره از شیوه‌های ایرانی اخذ شده است؛ چرا که در دوره مغولان هند، شماری از دانشمندان و اصحاب پیشه‌ها و فنون به شبه‌قاره رهسپار شده و در خدمات دولتی به کار گرفته شدند و این گروه قطعاً بخشی از فنون ایرانی را در دربارهای آن خطه رواج داده‌اند. بنابراین بایسته است تا بررسی‌های دقیق‌تری در این زمینه به انجام رسد تا میزان این تأثیرات به درستی دانسته شود.

نکته دیگر آنکه تاکنون چند فهرست درباره آثار سیاقی منتشر شده است. از نخستین نمونه‌های آن مقاله‌ای با عنوان «سیاق در علم حساب و کتابهای درباره آن» از محمد شیروانی است که در پایان آن به شناسایی چند اثر انگشت‌شمار پرداخته شده است. پس از

۱. شاید: «سرجمه».

۲. دولت‌شاه در جای دیگر (همان، ص ۸۲) بصورت «شاهفور بن محمد» یاد کرده که نام پدر او را نیز می‌رساند.

۳. این مطلب را نویسندگان ادوار سپسین نیز از نوشته دولت‌شاه نقل کرده‌اند (نک: هفت اقلیم، ص ۷۸۰؛ عرفات‌العاشقین، ص ۳۰۶ چاپ میراث مکتوب).

آن، مهم‌ترین فهرستی که در این زمینه نوشته شده، پیوستی است که استاد ایرج افشار در پایان کتاب فروغستان (صص ۲۸۱ - ۲۹۱) درج کرده‌اند و می‌توان آن را نخستین فهرست مشترک از متون فارسی درباره استیفا و سیاق به شمار آورد. استاد احمد منزوی نیز آثار مرتبط با این دانش را در جلد چهارم فهرستواره کتاب‌های فارسی در خلال آثار مرتبط با ریاضیات و دفترداری شناسانده‌اند. در نگارش فهرست کنونی عمدتاً از دو اثر اخیرالذکر بهره‌گیری شده و جایگاه یادکرد هر اثر را در آن منابع به دست داده‌ایم.

یادکرد این منابع را در دو بخش تنظیم کردیم. در بخش نخست، به نخبه آثار فارسی استیفاء و مندرجات آن‌ها به ترتیب تاریخی اشاره شده و فهرستی نسبتاً دقیق از مندرجات آن‌ها به دست داده شده است. در بخش دوم، به دیگر آثار این دانش به ترتیب الفبایی اشاره شده است.

نخبه آثار فارسی درباره استیفاء و سیاق (به ترتیب تاریخی)

۱. المرشد فی الحساب: از حسن بن علی که در سال ۶۹۱ ق به نام صدرالدین احمد خالدی زنجانی (ملقب به صدر جهان) نگاشته شده است. آنگونه که در نسائم الاسحار من لطائم الاخبار (صص ۱۰۹ - ۱۱۱) یاد شده، صدرالدین احمد خالدی برای نخستین بار در زمان گیخاتو (۶۹۰ - ۶۹۴ ق) به منصب وزارت منصوب شد^۱ و اگر وزارت وی در آغاز حکومت گیخاتو بوده باشد می‌توان گفت که المرشد فی الحساب در نخستین سال از نخستین دوره وزارت صدرالدین احمد خالدی در دستگاه گیخاتو به نام وی مصدّر شده است. این اثر تاکنون کهن‌ترین نوشته شناخته شده آموزش استیفا در زبان فارسی است. از این اثر یک نسخه به شماره ۲۱۵۴ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود که تاریخ کتابت ندارد اما نزدیک به زمان نگارش اثر کتابت شده و دستنویسی بسیار ارزشمند است.^۲ در «شکل ۳» تصویر یکی از صفحات میانی این نسخه را می‌بینیم. نسخه‌ای دیگر از این کتاب (مورخ ۷۹۵ ق) در کتابخانه مؤسسه زبان و ادب تاتارستان موجود است که متأسفانه بدان دسترسی نیافتیم.^۳ نویسنده این سطور، متن اثر را در دست بررسی و تصحیح دارد. آغاز [موجود]:

«... محمد مصطفی باد و بر اولاد و اصحاب او رضوان الله علیهم اجمعین. خواننده این کتاب و جوینده این علم شریف را - وفقه الله للخیرات - باید دانست که سبب تألیف این مجموع آن بود کی چون محیی یخرج الحی من المیت مؤلف این کتاب را - اضعف عباد الله الحسن بن علی - از کتم عدم

۱. آنگونه که در تاریخ گزیده (ص ۶۰۰) یاد شده، تفویض وزارت به وی در ذیحجه سال ۶۹۲ ق بوده است.

۲. نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۳۵؛ فروغستان، ص ۲۸۸.

۳. با سپاس از آقای عمادالدین شیخ‌الحکامی که نگارنده را از وجود این نسخه آگاه کردند.

به صحرای وجود آورد و لباس حیوة پوشانید ، نفس او همیشه جویای علوم و خواهان دانش بود... و این تألیف موسوم به کتاب المرشد فی الحساب پرداختن... و دیباجه آن را به زیب و بهای نام و القاب... الصاحب السعید شرف الدین ابی السعادات عبدالرزاق بن المولی اقصی قضاة الممالک صدرالدین ابی الوفا احمد بن صدرالدین ابی السعادات عبدالرزاق بن المولی شیخ الاسلام شرف الدین ابی یعقوب یوسف بن المولی الاعظم، امام ائمة الحرمین، زین الملة و الدین ابی حفص عمر بن احمد الخالدى... [مزین گرداند]...».

مندرجات: چون از این اثر فقط نسخه ۲۱۵۴ کتابخانه مجلس در دسترس نویسنده این سطور بود، مندرجات «قسم تحریر» را که ویژه صناعت استیفاء است با اشاره به صفحات همان نسخه در زیر درج می کنیم:

قسم تحریر: مشتمل بر دو شعبه است (۶۲)

شعبه اول: مقدمات تحریر؛ در پنج باب

باب اول: در ادات و فضایل محرر (۱۶۲)

باب دوام: در لغات و مصطلحات کی در محاسبات به کار آید و اسامی دفترهای حساب (۱۶۷)

باب سهام: در دانستن رقوم مقادیر و عقد؛ در دو فصل (۱۷۴)

فصل اول: در دانستن رقوم مقادیر (۱۷۴)

فصل دوام: در عقد (۱۷۷)

باب چهارم: در نمودار تاریخ^۱ و برواة و غیر آن؛ در سه فصل (۱۷۸)

فصل اول: در دانستن تاریخ (۱۷۸)

فصل دوام: در ذکر برواة؛ در دو نوع (۱۸۳)

«دیوانی»: (۱۸۴)

«خاصه»: (۱۸۵)

فصل سهام: در قبوض و احتسابات (۱۸۷)

باب پنجم: در حجت های ادرات و انظار و قرارنامه (۱۸۸)

جامگی ها: در دو فصل (۱۸۸)

فصل اول: در حجت های ادرات و انظار (۱۸۸)

حجت ادرار (۱۸۸)

تجدید ادرار (۱۸۹)

حجت نظر (۱۹۰)

۱. از تعریف مندرج در متن دانسته می شود که «تاریخ» منظور است نه «تاریخ».

- تجدید نظر (۱۹۰)
فصل دوام: در قرارنامهها (۱۹۱)
قرارنامهٔ رکاب‌داری (۱۹۱)
قرارنامهٔ فرّاشی (۱۹۱)
شعبهٔ دوم: وضع صورت محاسبات و وضع مقادیر رقوم آن (۱۹۲)
محاسبات دیوانی (۱۹۳)
منها و من ذلک: (۱۹۳)
نردبان پایه: (۲۰۳)
قانون: (۲۱۰)
جریده الممالک: (۲۱۴)
محاسبه تمغا: (۲۲۶)
محاسبه دارالضرب: (۲۳۲)
محاسبات خاصه: در سه باب (۲۳۵)
باب اوّل: محاسبات وجوهات ارتفاعی و خزانه (۲۳۵)
کیل‌نامه: (۲۴۷)
محاسبه قابض: (۲۵۲)
محاسبه الخباز: (۲۷۰)
محاسبه القصاب: (۲۷۴)
التأریج: (۳۰۳)
باب دوم: محاسبات مواشی و کراع و ستام (۳۰۵)
محاسبه الاغنام: (۳۰۵)
البقور: (۳۲۴)
محاسبه الكراع و ذوات الحوافر: (۳۲۵)
البغال: (۳۴۴)
السباع: (۳۵۴)
الطیور: (۳۵۶)
[معرفت جواهر]: (۳۶۲)
اللغات [مربوط به جنگ‌افزار]: (۳۶۸)
اللغات [مربوط به مطبخ]: (۳۷۷)
اللغات [مربوط به بیت‌الزکاب]: (۳۷۷)
خاتمه کتاب: فقط بخشی از آغاز آن موجود است (۳۸۰)

۲. **لطایف شرفی:** از عبدالله بن علی بن محمد (فلک علاء تبریزی) که در میان سال‌های ۷۰۶ - ۷۲۳ ق نگاشته شده است. نویسنده این اثر دو کتاب دیگر در زمینه استیفاء دارد که *سعادت‌نامه* و *قانون السعادة* نام دارند و در جای خود بدانها اشاره شده است. چنانکه از *دیباچه لطایف شرفی* برمی‌آید، مؤلف این اثر را از نوشته پیشین خود *سعادت‌نامه* استخراج کرده و چون در پایان *قانون السعادة* از *سعادت‌نامه* یاد شده می‌توان دریافت که *لطایف شرفی* پس از دو اثر پیش گفته نگاشته شده است. از سویی چون تألیف *سعادت‌نامه* به سال ۷۰۶ ق بوده، نگارش *لطایف شرفی* باید پس از این تاریخ و در نتیجه میان ۷۰۶ تا ۷۲۳ ق (تاریخ کتابت نسخه *لطایف شرفی*) انجام یافته باشد. تسمیه *لطایف شرفی* به احتمال بسیار برگرفته از لقب مخدوم او «شرف‌الدوله و الدین الامیر حاجی محمد بن محمد الساوی» است که پیش از آن متن *قانون السعادة* به فرزند وی پیشکش شده بود. درباره این اثر مقاله‌ای با نام: «*لطایف شرفی* و ارتباط آن با نفائس‌الفنون و منشآت خاقانی» توسط نویسنده این سطور نگاشته شده و در آنجا شواهدی درج شده که نشان می‌دهد شمس‌الدین محمد بن محمود املی نویسنده *نفائس‌الفنون* بخش استیفاءی کتاب خود را از روی *لطائف شرفی* یا یکی از دو اثر دیگر وی اقتباس کرده است. تنها نسخه شناخته شده اثر در سفینه تبریز (نسخه ۱۴۵۹۰ کتابخانه مجلس، صص ۴۱۸ - ۴۳۴ چاپ عکسی) مندرج است که در انجمله آن تاریخ کتابت ۷۲۳ ق ثبت شده است. در «شکل ۴» تصویر یکی از صفحات میانی این نسخه را می‌بینیم.

مندرجات: این کتاب در یک «مقدمه» و دو «قسم» تألیف شده است. در مقدمه کوتاه اثر به تعریف دو اصطلاح «ترسل» و «استیفاء» پرداخته شده است. سپس «قسم» اول درج شده که به فنون ترسل (تقریباً معادل انشاء و نامه‌نگاری) اختصاص یافته است و در اینجا بدان نخواهیم پرداخت. اما «قسم» دوم اثر که از دیدگاه نوشته کنونی اهمیت دارد از صفحه ۴۲۳ تا پایان متن را به خود اختصاص داده است. بخش‌های قسم دوم با ارجاع به صفحات چاپ عکسی نسخه بدینقرار است:

تعلیم اول: در مقدمات. شامل دوازده فصل: (۴۲۳)

فصل اول: در ارشاد مستفید بر وجه اجمال (۴۲۳)

فصل دوم: در تواریخ. شامل تاریخ هجری (هلالی) و تاریخ خانی (شمسی، بر مبنای

تاریخ جلالی) (۴۲۳)

فصل سوم: در ارقام [متداول نزد] اهل دیوان (۴۲۳)

فصل چهارم: در ارقام هندی. در سه بحث: (۴۲۴)

بحث اول: در صور ارقام (۴۲۴)

بحث دوم: دانستن مراتب اعداد (۴۲۴)

بحث سیوم: در هر مرتبه از این مراتب سه‌گانه تا الف (۴۲۴)

فصل پنجم: در تأریخ و عقد و طریق ضبط و اثبات حاصل جمع اعداد و کسور که آن را جمع و تکمیل گویند (۴۲۴)

فصل ششم: در بیان صدر حساب و امتهات و منها و من ذلک و نردبان پایه و ذکر حرف و دفعه (۴۲۵)

فصل هفتم: در حشو و بارز (۴۲۶)

فصل هشتم: در ترقین (۴۲۷)

فصل نهم: در اضافت و الحاق و جملتان و فذلک (۴۲۷)

فصل دهم: در تصرفات کی بر جمع اموال وارد و طاری شود (۴۲۷)

فصل یازدهم: در اعتبارات جمع و تصرف و خرج و ضبط بروات و موازنه باقی و زیادت (۴۲۸)

فصل دوازدهم: در ذکر باقی و زیادت و طرق اوضاع و کیفیت و صور آن (۴۳۰)

تعلیم دوم: در اصول مکتوبات. در چهار فصل (۴۳۱)

فصل اول: در برات و تعلیق و مثنی (۴۳۱)

فصل دوم: در ذکر تسلیم نامه (۴۳۱)

فصل سوم: در مؤامره (۴۳۱)

فصل چهارم: در ذکر مفاصات (۴۳۱)

تعلیم سوم: در اصول دفاتر. در شش فصل (۴۳۲)

فصل اول: در دفتر روزنامه (دفتر تعلیق) (۴۳۲)

فصل دوم: در دفتر توجیهات (۴۳۲)

فصل سوم: در دفتر قانون (۴۳۳)

فصل چهارم: در دفتر خرج مقرر دیوان (۴۳۳)

فصل پنجم: در دفتر اوارجه (۴۳۳)

فصل ششم: در دفتر مفرد و جامع (۴۳۴)

۳. رساله فلکیه: از عبدالله بن محمد بن کیا مازندرانی که در ۸۰۶ ق نگاشته است. این اثر توسط والتر هینتز در ویسبادن چاپ شده که متأسفانه چاپی پر غلط است و نمی دانیم که آیا این موضوع به دلیل نادرستی های نسخه بوده است یا نه؟^۱ هینتز مقدمه ای کوتاه به زبان آلمانی بر چاپ خود نوشته که ترجمه فارسی آن توسط کیکاوس جهانداری بعنوان «پیوست پنجم» در پایان کتاب فروغستان (صص ۳۰۵ - ۳۱۰) چاپ شده است.^۲ پس از

۱. در چند مورد که عکس نسخه به چاپ رسیده، مشخص است که نسخه درست بوده و به دلیل بی قطعگی ها و

تحریر نسخه به قلم تعلیق، مصحح نتوانسته واژه ها را درست بخواند.

۲. نک: فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۴؛ فروغستان، ص ۲۸۷.

چاپ این متن، نسخه دیگری از آن شناسایی شد که اکنون به شماره ۶۵۴۱ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. آغاز:

«حمدی که السنه محرران عرش و مستوفیان فرش یعنی مسبحان عالم بالا و ذوی الالباب خطه غیرا از اداء آن حمد عاجز آید ... اما بعد حمد الله الملك الجلیل و الصلوة علی النبی القرشی الاصل بر خاطر خطیر اولی الابصار مخفی نخواهد بود که فن سیاق به نسبت با دیگر فنون اعلی و اعز ... تا آنکه قدوة الامجد عبدالرحمن پسر محمد بن کیا نورالله تربته که از صناید محروسه مازندران بود و در عهد خود در تمامی فنون لانظیر و در خطه فاخره تبریز نشو و نما یافته بود و اکثر محوطه عالم را گردیده و نسخه‌ای در علم حساب نوشت و چون این نسخه در زمان افتخارالوزرا همام‌الدوله و الدین فلک‌المعالی سقی الله ثراه که وزیر احدی از کبار خسروان مازندران بوده تمام شد، بدان واسطه نام نسخه رساله فلکیه نهاد ...».

مندرجات: چون در نسخه تازه‌یاب مجلس، فصل چهارم اثر (در بیان حساب جمل) نسبت به متن چاپی افزون است و ضمناً جایجایی‌ها و گاه کم و افزونی‌هایی در نسخه و متن چاپی نسبت به یکدیگر دیده می‌شود، مندرجات اثر را با ارجاع به صفحات هر دو منبع یاد می‌کنیم. شماره نخست مربوط به شماره صفحات نسخه مجلس است که بصورت صفحه‌شمار بر نسخه درج شده و شماره سوی چپ مربوط به صفحات متن چاپی هینتزر است.

آغاز کتاب: فی علم حساب و فیه فصول (۳ / ۳)

فصل اول: در نقود، و آن بر دو نوع است (۳ / ۳)

نوع اول: صورت ارقام کسور (۳ / ۳)

نوع دوم: الصحاح (۷ / ۷)

فصل دوم: در سایر ارقام که بعد از نقود دانستن او از جمله ضروریات است (۸ / ۱۰)

صورت رقم انسان (۸ / ۱۰)

صورت رقم قطعه: و آن را در جواهر و بعضی مرغان شکاری و اراض و حبل نویسنده (۹ / ۱۱)

صورت رقم مثقال: و آن در زر سرخ و نقره و بعضی از لعل و مروارید و زبرجد به

رسم معاجین و عنبر و مشک ریخته [نویسنده] (۹ / ۱۲)

صورت رقم دست: در باز و چرخ و شاهین و سنقر نویسنده و در زمین نیز نویسنده (۱۰ / ۱۳)

صورت رقم طاق: و آن در اقمشه‌ای مانند کمخا و قلیفه و اطلس و خارا و صوف

نویسنده (۱۰ / ۱۳)

صورت رقم ذراع: هرچه آن را در گز آرنده ذراع باید نوشت (۱۱ / ۱۴)

۱. چاپ هینتزر: «درگذارند».

صورت رقم درهم: هرچه آن را به ترازوی زر^۱ کشند درهم نویسند (۱۱ / ۱۴)
صورت رقم عدد: هرچه آن را بشمارند عدد نویسند؛ چون بعضی اقمشه^۲ هند و یزد
و اسکندریه (۱۲ / ۱۵)

صورت رقم تختجه: و آن در انواع پوستین‌ها نویسند بعد از شرح (۱۲ / ۱۶)
صورت رقم [حبّه]: که در مروارید نویسند هرگاه که بزرگ باشد حبّه باید نوشت^۳ (۱۲ / ۱۶)
صورت رقم فرد: هر چیز که یکتا باشد چون قالیچه و پرده^۴ و غیره فرد نویسند (۱۴ / ۱۷)
صورت رقم زوج: هر چیز که جفت باشد چون رکاب و موزه و سرموزه و کفش و
مهمیز و کبوتر و غیره زوج نویسند (۱۴ / ۱۷)

صورت رقم من: هرچه آن را به قپان و به ترازوی بزرگ برکشند^۵ مانند عقاقیر و
حبوب و حوایج و غیره آن را من نویسند به طریقهٔ عجم (۱۵ / ۱۸)^۶
صورت رقم حمل و وقر: بار شتر را حمل و بار اسب و استر را وقر نویسند (۱۶ / ۱۷)
صورت رقم قبضه: و آن در شمشیر و کمان و سپر نویسند (۱۷ / ۲۰)
صورت رقم دستجه: و آن در سمور و کیمخت و بعضی دوال به رسم جانور و
سراج‌خانه نویسند (۱۷ / ۲۱)

صورت رقم قد: شمعی که به جمع فراش رود از دیوان آن را قد نویسند (۱۸ / ۲۱)
صورت رقم قلاده: و آن در شیر و پلنگ و یوز و سگ نویسند (۱۸ / ۲۱)
صورت رقم تطبیقه: یک [؟] نعل کی عبارت از چهار تا باشد یک تطبیقه نویسند (۱۹ / ۲۲)
صورت رقم مجلد: مصاحف و کتب را مجلد نویسند (۲۰ / ۲۲)
فصل سیم: در بیان قواعد هندسه (۲۱ / ۲۳)

فصل چهارم: در بیان حساب جمل و آن موضوعه است بر حساب ابجد (۲۲)^۷
فصل پنجم: در بیان نوعی چند که افاضل کتاب وضع کرده‌اند از برای علائم و قواعد
دفتر (۲۳ / ۲۵)

رتال جامع علوم انسانی

۱. چاپ هیئت: «آن را بُرا روی زر» [با همین حرکات].
۲. نسخهٔ مجلس: «ادویه».
۳. سپس در متن توضیح داده که: «هرگاه که خرد باشد و در ریسمان نظم کنند هر یک ریسمان را یک مفاز نویسند...».
۴. چاپ هیئت: «بُرده» [با همین حرکات].
۵. چاپ هیئت: «هرچه بقیاس و ترازوی بار کشند».
۶. پس از این در نسخهٔ مجلس توضیحی داده شده که در چاپ هیئت نیست و فقط بخشی از پایان آن نوشته که به «مد» اختصاص یافته با عنوان: «صورت رقم مد» نقل شده است.
۷. یک واژه خوانده نشد. در چاپ هیئت نیز نیامده است.
۸. این فصل در چاپ هیئت نیست و پس از این نیز شمارهٔ «فصل»‌ها یکی اختلاف دارد.

صدرالحساب (۲۴ / ۲۵)

تاریخ (۲۴ / ۲۵)

جایزه (۲۴ / ۲۵)^۱

ترقین (۲۵ / ۲۵)^۲

تأریج (۲۶ / ۲۵)^۳

ورق (۲۷ / ۲۶)

مدّ (۲۷ / ۲۶)

حرف و دفعه (۲۸ / ۲۶)^۴

جمع و تکمیل (۲۸ / ۲۷)^۵

فصل ششم: در حشو و بارز (۲۷ / ۲۹)

فصل هفتم: در بیان قواعد و فیه ابواب (۳۵ / ۳۵)

باب اول: در منها و من ذلک (۳۵ / ۳۵)

باب دوم: در اضاقت (۳۹ / ۳۹)

باب سیوم: در باقی و زیاده (۴۲ / ۴۳)

باب چهارم: در نردبان پایه (۴۹ / ۵۱)

فصل هشتم: در تقریر مؤامره (۵۲ / ۵۷)

صورت برات (۵۷ / ۶۵)

فصل نهم^۶: در تقریر و شرح دفاتر (۷۳ / ۸۰)

صورت روزنامه (۷۳ / ۸۱)

صورت اوارجه (۸۴ / ۱۰۴)

صورت دفتر توجیها (۸۸ / ۱۱۱)

صورت دفتر تحویلات (۹۳ / ۱۲۲)

صورت دفتر مفردات (۹۶ / ۱۲۸)

صورت دفتر جامع الحساب^۷ (۱۰۷ / ۱۵۳)

۱. توصیف شیوه نگارش «جایزه» در چاپ هیئت بسیار مختصر شده است و مثالها را ندارد.

۲. توصیف شیوه نگارش «ترقین» در چاپ هیئت بسیار مختصر شده است و مثالها را ندارد.

۳. توصیف شیوه نگارش «تأریج» در چاپ هیئت بسیار مختصر شده است و مثالها را ندارد.

۴. توصیف شیوه نگارش «حرف و دفعه» در چاپ هیئت با نسخه مجلس اختلاف دارد و مثالها در چاپ موجود نیست.

۵. توصیف شیوه نگارش «حرف و دفعه» در چاپ هیئت با نسخه مجلس اختلاف دارد و مثالها در چاپ موجود نیست.

۶. این عنوان در نسخه مجلس نوشته نشده ولی مطالب این فصل را دارد.

۷. در عنوان نسخه مجلس «مجموع الحساب» آمده ولی در متن به شکل درست ضبط شده است.

اخراجات مقرّیه (۱۱۳ / ۱۶۳)

ادارات (۱۱۳ / ۱۶۳)

مصالح (۱۱۳ / ۱۶۳)

مرسومات (۱۱۴ / ۱۶۴)

یامات (۱۱۴ / ۱۶۴)

عمارات (۱۱۴ / ۱۶۴)

اخراجات اطلاقیه (۱۱۴ / ۱۶۴)

گرکیراق (۱۱۵ / ۱۶۵)

اقتاعات (۱۱۵ / ۱۶۵)

مرسومات (۱۱۵ / ۱۶۵)

انعامات (۱۱۵ / ۱۶۶)

تحويلات (۱۱۵ / ۱۶۵)

بیوتات (۱۱۵ / ۱۶۶)

تعهدات (۱۱۵ / ۱۶۶)

جامگیات (۱۱۵ / ۱۶۶)

صورت دفتر قانون (۹۶ / ۱۷۲)

صورت دفاتر متفرّقه (۱۲۴ / ۱۸۴)

صورت محاسبه محصول شلتوک (۱۳۶ / ۲۱۶)^۱

مفرده در بیان عمارت (۱۳۸ / ۲۱۱)

صورت حساب گوسفند (۱۴۰ / ۲۳۴)

صورت محاسبه دارالضرب (۱۴۳ / ۲۲۸)

صورت حساب جواهرخانه (۱۴۶ / در چاپی نیافتیم)

صورت محاسبه خزانه (۱۵۰ / ۲۴۰)

۴. **حدیقة الحساب (خلاصة الحساب):** از قطب‌الدین خسرو شاه متخلص به «نامی» که سروده‌هایی از خود را در همین متن درج کرده است. متن دارای یک «مقدمه»، دو «مقاله» و یک «خاتمه» است که مقاله دوم کتاب در حساب اهل سیاق است.^۲ این اثر به احتمال

۱. پس از این در متن چایی نسبت به نسخه جایجایی‌هایی دیده می‌شود که جزئیاتش را با شماره صفحات هر دو می‌توان دریافت.

۲. نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، صص ۲۶۷۸ - ۲۶۷۹؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۲، ص ۲۱۰.

بسیار در اوایل سده نهم هجری نوشته شده است چرا که مؤلف در دیباجه، کتابش را به شاه نعمت‌الله ولی (۷۳۰ - ۸۳۴ ق) تقدیم کرده است.^۱ از سویی در بخشی از متن (ص ۷۶ ر نسخه ۴۷۵۳ مجلس؛ ص ۱۲۶ نسخه اردکان) عبارتی هست که می‌توان آن را دلیل گرفت بر آنکه نویسنده در یزد مستقر بوده و روزگار زندگی‌اش از دوره حکومت آل مظفر (۷۱۳ - ۷۹۵ ق) چند دهه فاصله داشته است:

«در دانستن منال و اجاره‌المیاه به دستوری که در دارالعباده یزد معمول است ... و حقیقت منال دارالعباده یزد چنان است که در زمان سلطنت آل مظفر دخل ایشان به خرج وافی نبود ...».

نویسنده چون اهل استیفاء بوده، در جای‌جای متن از شیوه نگارش سیاقی بهره برده است. بخش آغازین از مقاله دوم اثر که فرهنگ‌مانندی از اصطلاحات سیاقی است در مقاله‌ای با نام: «نگاهی به اصطلاحات اهل حساب و سیاق» توسط آقای محمدرضا نصیری به چاپ رسیده که حق مطلب در آن ادا نشده است. نویسنده این سطرها نقدی با نام: «نقدی بر مقاله: نگاهی به اصطلاحات اهل حساب و سیاق» بر آن نوشته است.

نیز گفتنی است که مقاله دوم خلاصه‌الحساب بصورت جدا از دیگر بخش‌های متن نیز کتابت شده و این نسخه‌ها بعنوان آثار مستقل در فهرس شناسانده شده است. از جمله این رونویس‌ها می‌توان به نسخه ۱۱۴۹۴ کتابخانه مجلس^۲ و همچنین رساله نخست از مجموعه ۴۸ کتاب‌های اهدایی نجم‌الدوله به کتابخانه مجلس اشاره کرد. نسخه ۴۸/۱ کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران نیز گویا رونویسی از همین بخش است که در فهرستواره کتاب‌های فارسی (ج ۴، ص ۲۷۰۱) شناسانده شده است.

مندرجات: فهرست مندرجات مقاله دوم متن را بر پایه نسخه ۳۰۲ کتابخانه حوزه علمیه امام صادق اردکان (صص ۱۰۵ - ۱۲۶) که نسخه خوبی از این اثر است در زیر درج می‌کنیم. شماره‌ها مربوط به شماره‌های دستی می‌باشد که بر صفحات نسخه ثبت شده است.

مقاله ثانیه: در باب حساب اهل سیاق. در چهار «قاعده» و یک «فایده» (۱۰۵) قاعده اول: در بیان خلاصه الفاظی که نزد اهل تحریر مصطلح است (۱۰۵)

بدین شرح: سیاق (ص ۱۰۵)؛ دیوان، خط، تحریر و محرر، اوارجه، قانون، توجیه، جایزه، میزان (ص ۱۰۶)؛ مقابله، موازنه، فهرست، حشو، بارز، مبلغ، ترقین (۱۰۷)؛ ضلع، صفحه، رقانه، انصرام و انقطاع، امضا، وزیر، مستوفی،

۱. یادآور شویم که در پایان برخی از نسخه‌های اثر (مانند نسخه ۴۷۵۳ مجلس و نسخه ۳۴۰۲ کتابخانه ملی تبریز) ماده تاریخی درج شده که تاریخ ۹۴۶ ق را نشان می‌دهد و لذا در برخی فهرس، نگارش اثر را همین سال دانسته‌اند.
۲. این نسخه در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۲ / ۳۳، ص ۱۵۲) با نام رساله در حساب اهل سیاق از نویسنده ناشناس معرفی شده است.

مشرف، مجری، مفصل، منقح، مشروح (۱۰۸)؛ تملیک، اقطاع، خراج، عشر، مقاطعه، غایله، متعلق، زعامت، تولیت، رکاز (۱۰۹)؛ مستقل، احیا، مقدر، ارتفاع، مرسوم، مرافق، تکلف، دخل، مقسوم، مراعی (۱۱۰)؛ مواشی، مسامحت، موضوع، توفير، تقصیر، تعویض، سلف، استدراک، منکسر، متعذر، معتمد (۱۱۱)؛ خطه، قصبه، قلعه، قریه، مرحله، ناحیه، خالصه، محاسبه، اهتمام، احتیاط، مواجهه، صره، قنطار، جمله، تفصی، حلیه، حلّی، شاب، شیخ، کهل، اصبع، تخمین (۱۱۲)؛ ابتیاع، مبیع، استعمال، تقطیع و قطع، ترصیع، تکلیل، تسبیل، تلمیع، تصریف، ذوب، تفریق، ترکیب، مصارفه، معارضه معاوضه تذهیب تذریع تصبیغ تحریق تسبیک تنشیر تجلید تکحیل تقطیر تثقیب تسمین تغزیل تندیف تذبیح تزید تطلیه تحویل تسلیم (۱۱۳)؛ موجب، ادرار، وظیفه، میاومه، مسابعه، معاشره، مشاهره، مسانهه، طعمه، علوفه، مبرّت، سایمه، اطلاق، برات (۱۱۴)؛ تحلیج، تخریب، تقشیر، [تجریح، بُرُس]، استحقاق، جملتان، قرار، کیفیت، تنسیج، نساج، خرج، باقی، فاضل، تعلیق، جمع، اضافت (۱۱۵)؛ مجمل، حرز، هندسه، جزیه (۱۱۶)

قاعده دوم: در تفصیل دفاتر (۱۱۶)

دفتر روزنامه / ام‌الجراید / جریده التعلیق (۱۱۶)

دفتر توجیه (۱۱۷)

دفتر اوارجه (۱۱۸)

قاعده سیوم: در قاعده اعمال مذکوره (۱۲۲)

قاعده چهارم: در دانستن آنکه هر چیزی را در اصطلاح به چه چیز تعبیر می‌کنند

(واحدهای اشیاء و مفاهیم) (۱۲۴)

فایده: در دانستن «منال» (۱۲۶)

۵. سیاق: از ابواسحق غیاث‌الدین محمد کرمانی متخلص به «عاشقی» که نوشته‌اش را به سال ۹۵۱ ق به پایان رسانیده است. مؤلف در بخش‌هایی از آغاز اثر از تاریخ ۹۴۹ ق بعنوان تاریخ تحریر آن قسمت‌ها یاد کرده است و این نشان می‌دهد که حدود دو سال سرگرم نگارش این اثر بوده است. وی در زمان نگارش کتاب سی‌ساله بوده است. مؤلف در دیباجه کتابش از شاه‌طهماسب صفوی (حک ۹۳۰ - ۹۸۰ ق) یاد کرده و در خلال اشعاری به ستایش او پرداخته است^۲. نیز از مجدالاسلام عبدالرشید وزیر کرمانی یاد کرده و اشاره کرده که در ملازمت و خدمت او در کرمان بوده است. وی کتاب را به نام فرزند همین

۱. این دو از نسخه‌های دیگر افزوده شد.

۲. چنانکه در نسخه ۶۵۴۴ مجلس (ص ۱۰ ر) آورده: «بلفظ صدا پاسخ آید ز کوه | که طهماسب‌شاه آسمان شکوه».

عبدالرشید که عبدالقادر نام داشت پرداخته است. مؤلف منظومه‌ای با نام گلنار و منوچهر سروده بوده و بیت‌هایی از آن را در متن نقل کرده است. وی اهل پرگویی است و از خود و دیگران سروده‌های نسبتاً فراوانی در متن وارد کرده است؛ با این حال اثر وی از دیدگاه مطالب مرتبط با استیفاء، یکی از آثار ارزشمند زبان فارسی به شمار می‌آید. بویژه که این رساله از نخستین آثار سیاقی دوره صفوی بوده و از دیدگاه تاریخیچه نگارش این آثار دارای جایگاهی ویژه است.^۱ آغاز:

«ای نام تو سردفتر مجموعه راز | آن به که کنم نسخه به نامت آغاز ||
از نام تو مجمل جهان گشت درست | وز ذکر تو قانون دو عالم شده ساز.
تفصیل هر مجمل و مجمل هر مفصل حمد حضرت باقی سزاوار است که...
[۷ر:] اما بعد چنین گوید مدون این دفتر و مصنف این نسخه روح پرور بنده
فقیر حقیر معترف به عجز و تقصیر ابواسحق غیاث‌الدین کرمانی...»

در دیباجه کتاب (ص ۱۵ پ مجموعه ۶۵۴۴ مجلس) از متونی که درباره استیفاء نوشته شده بود یاد کرده که تقریباً از همه آنها صرفاً از راه همین مقدمه آگاهی داریم و نسخه‌ای از آنها در جایی شناسانده نشده است:

«... هر چند استادان فضیلت‌دثار و محاسبان فصاحت آثار درین علم نسخ
موزون متنوع تصنیف فرموده‌اند؛ مثل رساله بحر السیاق که استادالمحاسبین
فی الآفاق مولانا شرف‌الدین فضل‌الله خاصه تدوین نموده؛ و شمس السیاق
که خواجه شمس‌الدین صاحب‌دیوان به اسم سامی خواجه میراحمد خوافی
ترتیب فرموده و رساله تعلیم السیاق که خواجه دین‌پناه خواجه سلیمان‌شاه
کرمانی نوشته و قواعد الحساب که استاد فرزانه با دیانت و دین خواجه
محمی‌الدین کرمانی تصنیف کرده و غیر آن...»

مطابق مقدمه کتاب، این اثر در یک «مقدمه»، چهار «دفعه» و یک «خاتمه» تنظیم شده است اما در هیچ‌کدام از نسخه‌های شناخته شده اثر بخش خاتمه دیده نمی‌شود.^۲ از آنجا که

۱. نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۹؛ فروغستان، ص ۲۸۴؛ فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۸، صص ۱۹۰ - ۱۹۴.

۲. نسخه ۷۱۴۸ آستان قدس از اواخر دفعه سوم افتادگی دارد و فاقد دفعه چهارم و خاتمه است. نسخه ۳۱۱۷ مجلس نیز علی‌الظاهر تا بخشی از اواخر دفعه سوم متن (برابر با صفحه ۸۰ پ نسخه ۶۵۴۴ مجلس) را دارد و در پایان این بخش انجامه‌ای نوشته شده است و پس از آن جداولی درج شده و نیز تحریر فارسی سی‌فصل خواجه طوسی درج شده و پس از آن اثری نگاشته شده که در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۰ / ۲، ص ۶۸۵) با نام رساله در حساب خوانده شده است. این اثر که چهارمین اثر مجموعه ۳۱۱۷ را تشکیل داده، در واقع بخشی از دفعه چهارم اثر است که توسط شخصی ناشناس، بعنوان اثری جداگانه قلمداد شده و دیباجه‌ای بر آن نوشته شده است. این شخص، در عبارات متن اصلی تصرفاتی کرده اما ترتیب فصول و مباحث را تغییری نداده است. فقط فصل هفتم از باب اول از

مؤلف، اثرش را در سی سالگی نگاشته، احتمال درگذشت او و ناتمام ماندن کار ضعیف است. بویژه که نسخه‌های موجود اثر همگی در یک جا به پایان نمی‌رسند تا گمان بریم که متن تا آنجا نگاشته شده است. کامل‌ترین نسخه این اثر که نگارنده این سطور دیده است نسخه ۶۵۴۴ مجلس می‌باشد که از اواخر دفعه چهارم افتادگی دارد.

مندرجات: با توجه به کامل‌تر بودن نسخه ۶۵۴۴ مجلس، فهرست مندرجات اثر را بر پایه همان نسخه در زیر نقل می‌کنیم:

مقدمه در پانزده فصل (۱۶ ر)

فصل اول: در شرف و قدر این فن (۱۷ ر)

فصل دوم: در حقیقت آنکه کدام صنف از اصناف قابلیت و استعداد این شغل خطیر دارند (۱۸ پ)

فصل سیم: در موضوع این علم و ما يتعلق به (۲۲ پ)

فصل چهارم: در تعریف علم حساب و معنی آن و ما يتعلق به (۲۴ ر)

فصل پنجم: در معرفت کسور و رقوم (۲۵ ر)

فصل ششم: در باب کمیت دینار و من به اصطلاح و عرف این زمانه (۲۸ ر)

فصل هفتم: در بیان نوشتن اوراق دفاتر و کمیت مذات و ما يتعلق به (۲۹ ر)

فصل هشتم: در بیان آنکه هر چیز را به طریق اهل این فن به چه طرز می‌نویسند و ما يتعلق به (۳۰ پ)

فصل نهم: در بیان تأریخ و جایزه و تصحیح آن به چه طریق عمل می‌باید نمود (۳۶ ر)

فصل دهم: در حقیقت حشو و بارز و آنچه به آن متعلق است (۳۷ پ)

فصل یازدهم: در ترقین و تزییف که رقم بطلان است (۴۳ ر)

فصل دوازدهم: در باب آنکه در محل میزان کدام چیز مناسب است که مقدم نویسند (۴۴ ر)

فصل سیزدهم: در بیان تواریخ مختلفه و ما يتعلق به (۴۵ ر)

فصل چهاردهم: در حساب هندسه و جمل و آنچه به آن متعلق است (۴۸ ر)

فصل پانزدهم: در قرار جمع و قانون ممالک محروسه و کیفیت ریع و تسعیر اجناس (۴۹ پ)

دفعه اول: در روزنامه (۵۷ ر)

دفعه دوم: در دفتر توجیه (۶۲ ر)

دفعه چهارم را که ویژه مساحت است به پایان آن بخش منتقل کرده است. بنابراین، بخش بازمانده سیاق ابواسحق کرمانی در نسخه ۳۱۱۷ مجلس نیز تقریباً برابر با نسخه ۶۵۴۴ همان کتابخانه است.

- فصل اول: در معنی توجیه و ما يتعلق به (۶۲ پ)
فصل دویم (۶۳ پ): در کیفیت نوشتن پروانجات (۶۳ پ) و بروات (۶۴ ر آخر صفحه) و تعلیقات (۶۵ پ) و صورت مثنی (۶۶ ر) و سر خط (۶۶ پ اول صفحه) و ما يتعلق به.
فصل سییم: در بیان نوشتن دفاتر توجیه و ما يتعلق به (۶۷ ر)
دفعه سیوم: در اوارجه و ما يتعلق به (۷۱ ر)
قسم اول: در ابواب المال و آن دفتریست مشتمل بر تنقیح بالوجهات و وجوهات و اخراجات و تنقیح منالات و ما يتعلق به (۷۲ ر)
نوع ثانی^۱: از ارباب التّحاویل (۷۳ ر)
نوع ثالث: از ارباب التّحاویل در محاسبات که به طریق اعمال مذکوره نوشته می‌شود (۹۷ ر)
دفعه چهارم: در تضعیف و تنصیف و جمع و تفریق و قسمت و مساحت (۱۰۳ ر)
باب اول: در هفت فصل (۱۰۳ ر)
فصل اول: در تضعیف (۱۰۳ ر)
فصل دویم: در تنصیف (۱۰۴ پ)
فصل سییم: در جمع (۱۰۶ ر)
فصل چهارم: در تفریق (۱۰۶ پ)
فصل پنجم: در ضرب (۱۰۸ ر)
فصل ششم: در قسمت (۱۱۳ پ)
فصل هفتم: در مساحت. مشتمل بر مقدمه و دو فصل (۱۱۷ پ)
مقدمه: در بیان بعضی اشیا که دانستن آن قبل از دانستن طرق مساحت از لوازم است (۱۱۷ پ)
فصل اول: در مساحت خطوط و سطوح مستویه (۱۲۱ ر)
فصل دویم: در مساحت سطوح غیر مستویه (۱۲۹ ر)
باب دویم: در حساب کسور و آن مشتمل است بر مقدمه و چند فصل (۱۳۰ ر)
مقدمه: در تعریف کسور و دانستن مخرج و معرفت اشتراک و تباین ... (۱۳۰ ر)
فصل اول: در تضعیف کسور (۱۳۲ پ)
فصل دویم: در تنصیف کسور (۱۳۳ پ)
فصل سییم: در جمع کسور (۱۳۴ ر)

۱. در اینجا بجای «قسم» از «نوع» سخن رفته و نشان می‌دهد که گویا در اینجا افتادگی وجود دارد. این بخش در نسخه آستان قدس رضوی: «قسم ثانی» است ولی گمان می‌رود که دستکاری کاتبان باشد.

فصل چهارم: در تفریق کسور (۱۳۵ ر)

فصل پنجم: در تحویل کسور (۱۳۶ ر)

فصل ششم: در ضرب کسور. مشتمل بر پنج نوع (۱۳۷ ر)

فصل هفتم: در قسمت کسور (۱۳۹ ر)

پس از این در نسخه افتادگی هست که از چگونگی و اندازه آن عجلتاً آگاهی نداریم. با توجه به اینکه دفعه چهارم اثر به مباحث ریاضی اختصاص یافته، احتمالاً می‌توان گفت که دیگر بخش‌ها نیز مرتبط با این موضوع بوده و لذا عمده مطالب مرتبط با استیفاءی این متن در بخش بازمانده آن درج شده و احتمالاً مطالب مهمی نباید از آن افتاده باشد.

۶. مجمع الحساب: از ذوالفقار بن محاربی (مختر) متخلص به «غافل» که کتابش را در ۱۱۴۷ ق برای نادرشاه افشار (حک ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ ق) نوشته است.^۱ مؤلف در دیباجه می‌گوید که به پیری و هفتاد و یک سالگی رسیده است. این اثر تاکنون تنها نوشته شناخته شده فارسی در زمینه استیفاء در دوره افشاریه است. نسخه‌ای از این اثر متعلق به سید ایوب جان بنوری (پیشاور) در فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (ج ۱، ص ۱۹۲) با نام رساله در حساب و سیاق از مختار بن ذوالفقار متخلص به تغافل شناسانده شده که روشن است رونویسی از همین اثر مورد گفتگوی ماست. نیز بخشی از مقدمه این اثر در مجموعه ۹۰۱۳ کتابخانه مجلس (صص ۲۷۶ پ - ۲۷۷ ر) موجود است. متن کامل این رساله در مجموعه ۶۸۴۹ کتابخانه مجلس موجود است که فقط اندکی از آغاز مقدمه افتادگی دارد.^۲ آغاز:

«[متن از نسخه پیشاور]: منظور از سیاق کلام در این مقام، حمد و ثنای ملک علیمیست که در دفترخانه ایجاد، مد انعامش به اندازه حیات ... [موجود از مقدمه در ص ۱۱۵ ر نسخه ۶۸۴۹ مجلس]: ... حقاً که اگر دیده ماه از کحل الجواهر غبار مقدم همایونش مکحله پیرا نمی‌شد کجا کسب ضیاء از مهر می‌نمود ... بعد، بر ضمیر منیر الهام‌پذیر ارباب کمال و دانش ... و فرمانفرمای پادشاه جمجاه ممالک ایران نادر آفاق کاسر اعتناق اهل نفاق ثریا مکان صاحبقران ... این ذره بی‌مقدار ابن محاربی ذوالفقار متخلص به غافل را در طریقه مستقیمه این فن ماهر می‌دانستند، تکلیف فرمودند که رساله‌ای در این باب به شروح مبسوطه مشتمله بر قواعد کلی و جزئی قلمی و قطع

۱. به سال تألیف هم در مقدمه و هم در خاتمه اشاره شده و این ماده تاریخ نیز در خاتمه درج شده است: «غافل از بهر سال تاریخش | این رساله بشد تمام بگفت».

۲. نک: فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۱، ص ۱۹۲؛ فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۶۹؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۰، ص ۳۰۲؛ ج ۲ / ۲۹، ص ۶۲۷.

- نظر از رنگینی کلام نماید ... در این سال میمنت‌مآل که بارس‌ئیل مطابق ۱۱۴۷ هجری است ابواب‌مال افراد اوارجه این مدعا را باتصال مقدمه‌ای و دوازده جلد و خاتمه‌ای به مفاتیح قلم بر وجنات صحیفه جلد اظهار گشود و این رساله را مسمی به مجمع‌الحساب نمود ...».
- مندرجات: چنانکه در دیباچه اثر دیده می‌شود این اثر در یک «مقدمه»، دوازده «جلد» و یک «خاتمه» تنظیم شده است؛ جزئیات بخش‌ها مطابق نسخه ۶۸۴۹ مجلس بدینقرار است:
- مقدمه (۱۱۶ ر): در بیان ماهیت حساب و بیان موضوع آن
- جلد اول (۱۱۸ پ): در بیان جمع و تضعیف و تنصیف و تفریق. در چهار فرد:
- فرد اول (۱۱۹ ر): در جمع
- فرد ثانی (۱۱۹ پ): در بیان تضعیف
- فرد ثالث (۱۲۰ ر): در بیان تنصیف
- فرد رابع (۱۲۰ ر): در بیان تفریق
- جلد ثانی (۱۲۲ پ): در بیان ضرب. در سه فصل
- فصل اول (۱۲۳ ر): در بیان قواعد ضرب مفرد در مفرد
- فصل دوم (۱۲۴ ر): در ضرب مفرد در مرکب
- فصل سیم (۱۲۴ پ): در قواعد ضرب مرکب در مرکب
- جلد سیم (۱۲۸ ر): در باب قواعد مساحت سطوح. در چهار «بیاض»
- بیاض اول (۱۲۸ ر): در مقدمه اصطلاحات مساحت
- بیاض ثانی (۱۲۹ ر): در باب قواعد ضرب سطوح
- بیاض سیم (۱۳۰ ر): در مساحت باقی سطوح
- بیاض چهارم (۱۳۱ ر): در عروض انهار و اعماق آبار و معرفت ارتفاع
- جلد چهارم (۱۳۲ ر): در باب توضیح اعمال چندی است که محاسب را دانستن طریقه آن‌ها ضرور است. در سه باب:
- باب اول (۱۳۲ پ): در قاعده نقد عراقی را خراسانی نمودن و عکس آن
- باب دوم (۱۳۲ پ): در قاعده مثالته نمودن اعداد
- باب سیم (۱۳۳ ر): در ضابطه مسعر نمودن اجناس
- جلد پنجم (۱۳۳ پ): در طریق رفع و بخش محصولات شتوی و صیفی
- جلد ششم (۱۳۴ پ): در بیان قواعد نه صیغه اعمال مذکوره
- جلد هفتم (۱۳۷ پ): در قواعد و ضوابط عمل استیفاء. در یک مقدمه و دو فصل:
- فصل اول (۱۳۷ پ): در اتصال افراد عمل اوارجه
- فصل دوم (۱۴۴ پ): در اتصال توجیه

جلد هشتم (۱۴۵ ر): در باب بیان قواعد و ضوابط دفتر اشراف
جلد نهم (۱۴۹ پ): در طریق سررشته دفتر لشکر. در دو فصل:
فصل اول (۱۵۰ پ): از ضوابط جمعی که برقرار باشند و در عرض ایشان
مستحقّ موجب و انعام باشند
فصل دوم (۱۵۱ پ): مشتمل بر دو باب:
باب اول (۱۵۱ پ): در باب ملازمینی که دور [؟] طرف ایشان
برقرار شود و در ثانی الحال مستحقّ موجب باشد
باب دوم (۱۵۱ پ): در نسخه سان
جلد دهم (۱۵۳ ر): در قواعد سررشته تخصیص خارج الحال و تقسیم و توجیه اخراجات
حکمی و استصوابی و...
جلد یازدهم (۱۵۴ پ): در قواعد استخراج مجهولات به اربعه متناسبه و طریق حساب
خطائین

جلد دوازدهم (۱۵۷ پ): در قانون

خاتمه (۱۵۸ پ): در بیان قواعد و ضوابط بعضی اعداد و مسائل چند

۷. بحرالجواهر فی علم الدفاتر: از سیّد عبدالوّهّاب بن محمّد امین شاهشاهانی حسینی اصفهانی (زنده در ۱۲۵۳ ق) یکی از رایج‌ترین متون در آموزش فنون استیفاء است که نسخه‌ها و چاپ‌های سنگی بسیاری دارد. کتاب در دو «بحر» و یک «ساحل» بخش‌بندی شده است^۱. یادآور شویم که در فهرستواره کتاب‌های فارسی (ج ۴، ص ۲۶۶۹) اثری با نام حساب و سیاق (امجمع البحرین) از امین بن محمّد الشاهشاهانی اصفهانی حسینی (د ۱۲۸۷ ق) در دو «بحر» و یک «ساحل» شناسانده شده که باید نسخه‌ای دیگر از همین بحرالجواهر باشد. در «شکل ۶» تصویر یکی از صفحات دستنویسی از بحرالجواهر (نسخه ۲۱۲۴ کتابخانه مجلس، مورخ ۱۲۵۵ ق) را می‌بینیم. آغاز:

«پس از حمد یزدان پاک و درود بر روان مصداق لولاک لما خلقت الافلاک...
معروض رای اولوالالباب و الابصار می‌دارد که چون دوستی که تخلف از
امرش متعسر بود، خواهشمند تدوین قواعد حساب و توابع آئین و قوانین
سیاق دفتر شد... لهذا شروع به تألیف این اوراق که مسمی به بحرالجواهر
فی علم الدفاتر می‌باشد اقل السادات و الطلاب ابن محمّد امین الشاهشاهانی
الحسینی اصفهانی عبدالوّهّاب غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما کرده...».

مندرجات: مندرجات متن را با ارجاع به صفحات به نسخه ۲۱۲۴ کتابخانه مجلس در

۱. نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۱۴؛ فروغستان، ص ۲۸۱؛ کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره، ص ۱۰۸۳؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۱، ست ۴۵۹.

زیر درج می‌کنیم.

بحر اول: در علم حساب و توابع آن؛ در سه «شط» (۳)

شط اول: در قواعد حسابیه؛ در چهار نهر (۳)

نهر اول: در حساب صحاح؛ در یک «رشحه» و چهار «جدول» (۴)

رشحه: در معرفت تحریر ارقام صحاح؛ در سه «سحاب» (۴)

سحاب اول: در ارقام هندسه (۴)

سحاب دوم: در ارقام نقد (۵)

سحاب سیم: در ارقام جنس (۷)

جدول اول: در جمع و تضعیف (۸)

جدول دوم: در تفریق (۱۳)

جدول سیم: در ضرب (۱۴)

جدول چهارم: در قسمت (۱۸)

نهر دوم: در حساب کسور؛ در یک رشحه و چهار جدول (۲۶)

رشحه: در معرفت تحریر ارقام کسور؛ در سه «سحاب» و یک

«جوهر» (۲۶)

سحاب اول: در ارقام هندسه؛ در سه «قطره» (۲۶)

قطره اول: در ارقام کسر (۲۶)

قطره دوم: در منخرج کسور (۲۷)

قطره سیم: در کیفیت ترقیم ارقام آن (۲۸)

سحاب دوم: در طریقه ارقام کسر نقدی (۲۹)

سحاب سیم: در طریقه ارقام کسر جنسی (۳۰)

جوهر: در معرفت ترفیع و تجنیس و تحویل (۳۱)

جدول اول: در جمع و تضعیف (۳۱)

جدول دوم: در تفریق (۳۳)

جدول سیم: در ضرب (۳۴)

جدول چهارم: در قسمت (۳۷)

نهر سیم: در تبدیل درباره طریقه ابتیاع و تسعیر و صرف و مبادله (۴۲)

نهر چهارم: در استخراج مجهولات (۴۷)

شط دوم: در مساحت؛ در یک «قطره» و دو «نهر» (۴۹)

قطره: در تعریف و موضوع مساحت و مبادی آن (۴۹)

نهر اول: در مساحت سطوح (۵۳)

نهر دویم: در مساحت اجسام (۵۵)

شط سیم: در اجراء قنوت و طریقه استعمال آن (۵۵)

بحر دویم: در علم سیاق و قوانین دفتر؛ در دو «شط» (۵۶)

شط اول: در کلمات معروفه؛ در دو «نهر» (۵۶)

نهر اول: در معانی الفاظ مصطلحه و صیغه‌های مشهوره نزد اهل تحریر
بر ترتیب تهجی (۵۶) بدینقرار است:

اوارجه، اربابی، انصرام و انقطاع، امضا، اقطاع (۵۷)؛ انحراق، انشقاق،
انکسار، احیاء، ارتفاع، استدراک، احتیاط، ابتیاع، استعمال، ادرار، اطلاق،
استحقاق (۵۸)؛ اضافه، اخراجات، اجرت، ارمغان، انعام، اقامه، اسبع،
اسقاط، بارز، برات، باقی، بهاء‌المذکور، پیشکش، تحریر، توجیه، ترقین
(۵۹)؛ تجریع، تحصیل، تصدیق، تعطیل، تعمیر، تقاوی، تکفین، تنفیذ،
تریاز، تنعیل الدواب، تنقیح، تملیک، تولیت، تکلف، توفیر، تعویض،
تقصیر، تفصی، تخمین، تقطیع، ترصیع، تکلیل، تلمیع (۶۰)؛ تصریف،
تفریق، ترکیب، تذهیب، تصبیغ، تحریق، تسبیک، تشیر، تجلید، تسلیخ،
تکحیل، تبدیل، تقطیر، تثقیب، تسمین، تذهین، تغزیل، تندیف، تذبیع،
تنحیر، تطلیه، تعداد، تحویل، تسلیم، تحلیج، تخریب، تقشیر، تنسیج،
تنقیه، تعلیق، تدارک، جایزه، جملتان، جمع (۶۱)؛ جزیه، جیره، حشو،
حق التدریس، حق المعالجه، حق السعی، حق الشرب، حلی، حلیه، حرز، خرج،
خطه، خالصه، خراج، خمس، خورش، دیوان، دفتر، دستگردان، دخل، ذوب،
رکاز، زعامت، رقانه، سیاق (۶۲)؛ سوخت، سر علف، سیورغال، سیورسات،
علف، صره، صفحه، صرف، ضلع، طعمه، علوفه، علیق، عوض، غائله،
فاضل، فهرست، قانون، قصبه، قرینه، قلعه، قریه، قنطار، قیراط، قرار،
قیمت، کرایه، کمبود، محرر، میزان، مقابله، موازنه، مبلغ، مقدار، مستوفی،
مشرف، مجری، مفصل، مقاطعه، متعلق، مستغل، مقدار، مرسوم، مرافق،
مقسوم، مراعی، مواشی، مسامحه، موضوع، منکسر، معتمد، مرحله (۶۳)؛
محاسبه، مواجهه، مبیع، معاوضه، موجب، میاومه، مسابعه، معاشره،
مشاهره، مسانحه، مرمت، مساعده، مصالح، مکسور، مقرری، مدد معاش،
میرات، مجمل، مال، منال، ناحیه، نقصان، نواله، وظیفه (۶۴)؛ وزیر،
هندسه، یادبود (۶۵).

- نهر دویم: در اسامی ارباب صنایع و مکاسب و مشاغل؛ در دو جدول (۶۵)
جدول اول: در اسامی مکاسب مالیاتی (۶۵)
جدول دویم: در اسامی سایر مکاسب که معاف و مسلم از مالیات می‌باشند
(۶۷)
- شط دویم: در قواعد و آداب مصطلحه مشهوره؛ در چهار «رشحه» (۶۹)
رشحه اول: در قرینه و اسامی منشعبه از آن؛ در چهار «قطره» (۷۰)
قطره اول: در قرینه و آداب آن (۷۰)
قطره دویم: در کیفیت اتصالات (۷۱)
قطره سیم: در معرفت بدن و گوشوار و حشو و ضلع و غیرها
(۷۳)
قطره چهارم: در بعضی موارد متفرقه از قبیل جایزه و تعداد و
راده (۷۶)
- رشحه دویم: در آداب دفتر اوارجه؛ در چهار «قطره» (۷۷)
قطره اول: در شعب اوارجه و فهرست و آداب آن (۷۷)
قطره دویم: در مفرده و آداب آن (۸۱)
قطره سیم: در من ذلک و آداب آن (۸۲)
قطره چهارم: در اعمال بعد از من ذلک؛ در سه «حباب» و یک
«قاعده» (۸۳)
- حباب اول: در اعمال تحت الباقی (۸۴)
حباب دویم: در اعمال تحت الفاضل (۸۵)
حباب سیم: در اعمال تحت الباقی بما فيه الزیاده (۸۶)
قاعده: در جزو دادن باقی و فاضل (۸۷)
رشحه سیم: در دفتر توجیهاات؛ در دو «قطره» (۱۰۴)
قطره اول: در فهرست این دفتر و شعب توجیهاات (۱۰۴)
قطره دویم: در نوشتن بروات (۱۱۸)
رشحه چهارم: در طرح محاسبات و معرفت نوشتن خط سیاق؛ در دو
«قطره» (۱۲۲)
قطره اول: در طرح محاسبات (۱۲۲)
قطره دویم: در کیفیت نوشتن خط سیاق (۱۲۴)
- ساحل: در مضافات القاب (۱۲۵)

۸. **مجمع الجواهر:** از آقا میرزا حسن خان تفرشی که باید همان آقا میرزا حسن خان تفرشی نویسنده خلاصه السیاق و مقاله در ارقام سیاق باشد که در جای خود بدان‌ها خواهیم پرداخت. وی مجمع الجواهر را به نام جعفرقلی خان هدایت (نیرالملک) در دوره مظفرالدین شاه قاجار نگاشته است. متن آن به سال ۱۳۲۲ ق در طهران (چاپخانه آقا میرزا علی اصغر و آقا میرزا عبدالرحیم) چاپ شده است. از نمونه‌های نسبتاً سودمند اواخر دوره قاجار درباره دانش استیفاء است. از این اثر در منابع مورد استفاده ما یادی نشده و گویا به دلیل متأخر بودن تألیف آن، صرفاً به چاپ سنگی رسیده اگرچه احتمال می‌رود اثری که با نام رساله در علم سیاق در فهرستواره کتاب‌های فارسی (ج ۴، ص ۲۷۰۱) شناسانده شده، رونویسی از همین اثر باشد. پس از این در بخش «آثار فارسی درباره استیفاء و سیاق» ذیل شماره ۳۹ از این اثر گفتگو شده است.

مندرجات: مندرجات اثر بر پایه چاپ سنگی اثر در زیر ثبت شده است:

- مقدمه: در هشت حدیقه (۴)
- حدیقه اول: در ارقام نقدی (۴)
- حدیقه دوم: در ارقام جنسی (۱۵)
- حدیقه سیوم: در جمع (۲۳)
- حدیقه چهارم: در تفریق (۳۱)
- حدیقه پنجم: در ده مقاله (۴۴)
- مقاله اول: در قرینه (۴۵)
- مقاله دوم: در فرد (۴۵)
- مقاله سیم: در بدن (۴۶)
- مقاله چهارم: در حشو (۴۷)
- مقاله پنجم: در موضوعی (۴۷)
- مقاله ششم: در گوشوار (۴۸)
- مقاله هفتم: در بارز و ضلع و جایزه (۴۹)
- مقاله هشتم: در جایی که قرینه ندارد (۵۰)
- مقاله نهم: در احکام و اعمال بدن و حشو و موضوعی و گوشوار (۵۳)
- مقاله دهم: در اعمال تحت باقی (۷۰)
- حدیقه ششم: در ضرب (۷۶)
- حدیقه هفتم: در تقسیم^۱ (۷۹)

۱. در متن اشاره شده که: «بعد از تقسیم هندسی بیان می‌شود».

- حدیقه هشتم: در اعداد هندسی (۸۰)
- فصل اول: در ذکر مطالب حدیقه هشتم (۱۲۸)
- فصل دوم: در مفرده و مندلک (۱۴۳)
- فصل سیم: در الباقی (۱۵۸)
- فصل چهارم: در قواعدی که بعد از الفاضل معمول است (۱۶۷)
- فصل پنجم: در بیان بعضی لغات متعلقه به علم سیاق (۱۷۳)
- فصل ششم: در نوشتن صورت طلب و قبوضات و بروات و غیرهما (۱۷۵)
- فصل هفتم: [درباره مقررًا حسب العمل] (۱۸۷)
- فصل هشتم: در ثبت کردن بروات و فرامین (۱۸۹)
- فصل نهم: در عنوانات اشخاص در نوشتجات و سرپاکت‌ها و غیره (۱۹۲)
- فصل دهم: [درباره واحدهای نامیدن و ثبت اشیاء] (۱۹۵)
- فصل یازدهم: در اتصالات (۱۹۷)
- فصل دوازدهم: [قاعده درباره وضع و اضافه در تحت حشو و بدن و موضوعی] (۱۹۸)
- فصل سیزدهم: در اصطلاحات هندسی (۱۹۹)
- فصل چهاردهم: در اقسام علوم (۲۰۱)
- فصل پانزدهم: در مقیاس‌ها (۲۰۱)
- فصل شانزدهم [۱]: [درباره انشاء] (۲۰۳)
- فصل شانزدهم [۲]: در ترتیب نوشتن اجاره‌نامه (۲۰۸)
- فصل هفدهم: در نوشتن عقدنامه (۲۱۰)
- فصل هجدهم: در نوشتن صیغه‌نامه (۲۱۲)
- فصل نوزدهم: در نوشتن صورت استشهاد و استفتا و طلاق‌نامه (۲۱۲)
- فصل بیستم: در عقود لازمه (۲۱۴)
- خاتمه: دارای مطالبی متفرقه در گاهشماری و طبیعیات (۲۱۵)

آثار فارسی درباره استیفاء و سیاق (به ترتیب الفبایی)

آنچه پس از این می‌آید فهرستی از آثار فارسی در زمینه استیفاء و سیاق است. از آنجا که تاریخ دقیق نگارش برخی از این آثار به درستی دانسته نیست، پیروی از ترتیب الفبایی عنوان آثار را برای این بخش مناسب‌تر دانستیم:

۱. در چاپ چنین است.

۱. **آداب الملوك:** از محمدعلی قزوینی که در زمان شاهسلیمان صفوی نگاشته و در آن اصطلاحات دفتر سیاق آمده است (نک: فروغستان، ص ۲۸۱).
۲. **آداب و قواعد علم سیاق:** در رساله شمس السیاقه از آن یاد شده است (نک: فروغستان، ص ۲۸۱).
۳. **آیین سیاق (/ کتاب سیاق):** از آندرام فرزند هیرامن کایته که دیرتر از آندرام مخلص لاهوری می‌زیسته و گویا از پایان سده ۱۲ ق است^۱ (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۵۹۳).
۴. **آیین سیاق:** از رای نندرام بن میر اند الله‌آبادی در عهد عالمگیر (نک: فروغستان، ص ۲۸۱).
۵. **احسن المحاسبات:** از علی فرهوند^۲، به سال ۱۳۲۹ ق در طهران [بی‌نا] چاپ شده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۵۹۳؛ فروغستان، ص ۲۸۱؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۱، ست ۱۱۸).
۶. **اسهل الحساب در علم سیاق:** از حبیب‌الله بن حسینعلی اصفهانی، در طهران به سال ۱۳۲۸ ق چاپ شده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۵۹۷؛ فروغستان، ص ۲۸۱؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۱، ست ۲۲۴).
۷. **اعظم دستور:** از دولت‌رای فرزند صحبت‌رای به سال ۱۱۸۱ ق نگاشته شده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۰۵).
۸. **اقبال ناصری:** از ارباب افلاطون کرمانی، طهران، در ۱۳۰۲ ق چاپ شده است (نک: فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۱، ست ۳۰۳؛ فروغستان، ص ۲۸۱).
۹. **انتخاب الحساب:** از رستم علی یا علی رستم که گویا از مردم شبه‌قاره بوده است، حدود یکصد بیت در حساب و اندازه‌ها و سیاق است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۰۷).
۱۰. **بحر السیاق:** از شرف‌الدین فضل که از مأخذ شمس السیاق و سیاق کرمانی بوده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۱۵؛ فروغستان، ص ۲۸۲؛ فهرست کتابخانه مجلس، ج ۱۰، ص ۶۸۴).
۱۱. **بدایع الفنون:** از میدنی مل فرزند دهرام داس فرزند کلیان مل به سال ۱۰۷۴ از روی لیلوتی نوشته است. کتاب در ۹ باب است و باب چهارم آن در علم سیاق است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۱۵؛ فروغستان، ص ۲۸۲).
۱۲. **بدیع الحساب:** از رجلی بن فاضل بیگ [در ۱۲۵۶ ق]، چاپ‌های گوناگون دارد

۱. نیز نک: سیاق‌نامه که به احتمال بسیار از نویسنده همین اثر است.

۲. از نویسندگان دوره ناصری که احسن‌المراسلات نیز از اوست.

(نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۱۶؛ فروغستان، ص ۲۸۲؛ کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره، ص ۱۰۸۳؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۱، ست ۴۷۲).

۱۳. **ترنل و قواعد علم حساب:** از مهدی مشهدی (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۳۰).

۱۴. **تحفة المجالس (/ تحفة مجلس):** از میر شاه ولی تتهای در سال ۱۱۴۸ ق، فصلی در سیاق دارد (نک: فروغستان، ص ۲۸۲؛ فهرست مشترک کتاب‌های خطی پاکستان، ج ۱، ص ۸۰۹).

۱۵. **تعلیم سیاق (رساله در ...):** از خواجه سلیمان شاه کرمانی که از مأخذ سیاق کرمانی بوده (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۳۲؛ فروغستان، ص ۲۸۲؛ فهرست کتابخانه مجلس، ج ۱۰، ص ۶۸۴).

** تکملة السیاق (نک: اسهل الحساب) (برای مشخصات این نام نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۳۴؛ فروغستان، ص ۲۸۲).

** **جامع الحساب:** از عماد سراوی (نک: العمادیة فی علم السیاق).

۱۶. **حساب کسور طسوج تا دینار (/ حساب منظوم):** از ناشناس، به نظم است که در آن به شیوه حساب طسوج و نشانه‌های آن اشاره شده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۶۷).

** **حساب و سیاق (رساله در ...):** از مختار بن ذوالفقار متخلص به تغافل (نک: مجمع‌الحساب ذوالفقار بن محاربی) (برای مشخصات همین نام نک: فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۱، ص ۱۹۲؛ فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۶۹).

۱۷. **خط ترکی و سیاقی و اوهل و مشجر:** از ناشناس (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۷۲).

** **خلاصة الحساب:** از قطب‌الدین خسروشاه نامی (نک: حدیقة الحساب).

۱۸. **خلاصة الحساب سیاق:** از ناشناس. رساله کوتاهی است و از دیباجه برمی‌آید که نویسنده ایرانی است. کتاب در ۱۲ «وجه» است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۷۹؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۲۱، ص ۲۲۴ [صفحات ۴۰۹ - ۴۵۷ مجموعه ۶۸ فیروز، مورخ ۱۳۱۴ ق]).

۱۹. **خلاصة السیاق:** از میرزا سید حسن خان دبیر قاجار تفرشی که باید همان آقا میرزا حسن خان تفرشی نویسنده مجمع‌الجواهر و مقاله در ارقام سیاق باشد که پیش‌تر بدان پرداختیم. خلاصة السیاق دست‌کم دو بار در طهران به سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۶ ق چاپ شده

- است^۱ (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۷۹؛ فروغستان، ص ۲۸۳).
۲۰. خلاصة السیاق: از ایندرا سن در صفر ۱۱۱۵ ق که ناظر به سیاق در سرزمین شبه‌قاره است (نک: فروغستان، ص ۲۸۲).
۲۱. خلاصة السیاق: از حیدریگ در ۱۱۰۳ ق (نک: فروغستان، ص ۲۸۳).
۲۲. خلاصة السیاق: از ناشناسی که در شبه‌قاره بوده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۷۹).
۲۳. دستور حساب (/دستور الحساب): از اندرمن منشی حصارى ساکن شاهجهان‌آباد نوشته ۱۱۸۰ است. دارای بخشی درباره سیاق است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۸۲).
۲۴. دستور الحساب: از محاسب رای متخلص به شوقی، پیش از ۱۲۰۷ که تاریخ نسخه است. دارای بخشی درباره سیاق است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۸۲).
۲۵. دستور السیاق: از اودی لعل (/ اودی لال / اودهی لعل) که ترجمه‌ای از متنی هندی است و در پیرامون ۱۲۱۶ ق نوشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۸۳؛ فروغستان، ص ۲۸۳).
۲۶. دستور السیاق (/سیاق‌نامه): از محمد صالح تتوی که در روزگار اورنگ‌زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق) نوشته شده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۸۳).
۲۷. دستور السیاق: از ناشناسی که به سال ۱۲۳۷ ق به نام آصفجاء نظام‌الدوله میراحمد علی خان بهادر فتح جنگ نگاشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۸۳؛ فروغستان، ص ۲۸۳).
۲۸. دستور سیاق: از ناشناسی از مردم شبه‌قاره (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۰).
۲۹. دستور العمل سیاق: از بهیه اندرمان متخلص به مخلص در حدود سال ۱۱۴۲ ق (نک: فروغستان، ص ۲۸۳).
۳۰. دفترداری منظوم (/دفتر فرائض): از ناشناس (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۸۴).
۳۱. دفتر صورت حساب: از فضل‌الله حسینی با تاریخ‌های ۱۲۸۲ و ۱۲۹۷ ق (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۸۴).
۳۲. دیوان پسند (/ دویوان پسند): از چهارم مل فرزند رای پیران چند سرشار از سده سیزدهم هجری که کتاب عمارات الاکبر را در ۱۲۲۵ ق نگاشته است. دیوان پسند در چهار

۱. به ضمیمه چاپ دوم کتاب، رساله دوره اول عنوان‌نویسی از همین مؤلف به چاپ رسیده است.

«دستور» تنظیم شده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۸۴؛ فروغستان، ص ۲۸۳).

۳۳. ذخیره (/ اوارجه / الرسالة المقصرة / معرفة السیاق): از ناشناسی که به نام فخرالوزرا میرزا محمد مهدی الحسینی نگاشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۸۵؛ فروغستان، ص ۲۸۳ [ذیل «الرسالة المقصرة»]).

۳۴. رساله در حساب اهل سیاق: از ناشناس که گویا رونویسی از مقاله دوم حدیقه الحساب نامی باشد. (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۰).

۳۵. رساله در سیاق: از ناشناس در سه باب (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۱).

۳۶. رساله در سیاق: از ناشناس (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۱).

۳۷. رساله در سیاق: از ناشناس که در پنجاب می‌زیسته است (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۱).

۳۸. رساله در سیاق: از ناشناس که در دوره شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸) می‌زیسته است (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۱).

۳۹. رساله در علم سیاق: از ناشناس که به نام جعفرقلیخان و رضاقلیخان نوشته است در یک مقدمه و ۳۰ [گویا ۲۰] فصل و یک خاتمه و بیست حدیقه (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۱). گمال می‌برم که این اثر رونویسی از مجمع‌الجواهر آقامیرزا حسن‌خان تفرشی باشد که پیش از این به تفصیل معرفی کردیم.

** الرسالة المقصرة: (نک: ذخیره)

۴۰. روزنامه‌چه: از غلام‌الله‌خان دهلوی، دخل و خرج روزانه از ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۱ ق است (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۴).

۴۱. روزنامه‌چه: از ناشناس، مربوط به کمپانی هند شرقی است (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۴).

۴۲. زبدة القوانين: از هرسکه‌رای فرزند جیون‌داس فرزند رای بسنت رای کهتری در ۱۲۱۱ ق (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۶؛ فروغستان، ص ۲۸۳).

۴۳. سراج السیاق: از منشی میدولال معروف به زار (Medū Lāl Zār) از سده نوزدهم میلادی است^۱ و در سال ۱۸۸۰ م در لکهنو چاپ شده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۷؛ فروغستان، ص ۲۸۳؛ کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره، ص ۱۰۸۷؛ فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۲، ست ۱۹۵۲).

۱. نیز نک: سیاق در فهرستواره کتاب‌های فارسی (ج ۴، ص ۲۷۰۰) که در آنجا از مدن لعل دانسته شده که باید همین نویسنده باشد.

۴۴. **سعادت‌نامه:** از عبدالله بن علی فلک علای تبریزی به نام سعدالدین محمد بن تاج‌الدین علی ساوجی و شرف‌الدین امیر حاجی که در ۷۰۶ ق نگاشته شده است. پیش‌تر درباره لطائف شرفی از این نویسنده بصورت مبسوط گفتگو کردیم (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۷؛ فروغستان، ص ۲۸۴).
۴۵. **سیاق:** از سید محمدعلی متخلص به امامی (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۸).
۴۶. **سیاق:** از جگیت‌رای در سده ۱۹ م (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۹؛ فروغستان، ص ۲۸۴).
۴۷. **سیاق:** از رام ناراین در چهار فصل که در ۱۱۸۶ نگاشته است (فروغستان، ص ۲۸۴).
۴۸. **سیاق:** از طالب (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۹).
۴۹. **سیاق:** از محمدهاشم رستم‌الحکما که خود وی در فهرست مصنفاتش از این اثر یاد کرده است (فروغستان، ص ۲۸۴).
۵۰. **سیاق (/ قواعد سیاق):** از سلمان فراهانی در قرن سیزدهم هجری که در نشریه فرهنگ ایران‌زمین (ج ۲۳) چاپ شده است (فروغستان، ص ۲۸۴ و ۲۸۷).
۵۱. **سیاق:** از میرزا حسن کرمانی متخلص به غیور از سده ۱۰ و ۱۱ ق (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۶۹۹).
۵۲. **سیاق (رساله در ...):** از محمد مهدی بن محمد رضا، وزیر سرکار قوللر آقاسی (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۰؛ فروغستان، ص ۲۸۵).
۵۳. **سیاق:** از ناشناس به روش عثمانی (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۰).
۵۴. **سیاق (رساله در علم ...):** از ناشناس که در پایان روزگار عالمگیر (۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ ق) نوشته شده است (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۰).
۵۵. **سیاق:** از ناشناس که در روزگار شاه جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۹ ق) تألیف شده است (نک: فروغستان، ص ۲۸۵).
۵۶. **سیاق:** از ناشناس که به نام نیرالملک نوشته شده است (نک: فروغستان، ص ۲۸۵).
۵۷. **سیاق جمع و خرج:** از ناشناس (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۰).
۵۸. **سیاق‌نامه:** از منشی نند رام بن رای هیرانند کایسته - واستویه - رئیس بلده حویلی کرا صوبه اله آباد - که در دوره اورنگ‌زیب (۱۰۶۸ - ۱۱۸ ق) می‌زیسته است. در ۵ فصل

۱. گویا همان مختصری در قواعد دفترداری و حساب است که اشاره خواهد شد.

۲. شاید همان مجمع‌الجواهر باشد که آن هم به نام نیرالملک تألیف شده است.

است و یک بار به سال ۱۸۷۹ ق چاپ شده است^۱ (نک: کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره، ص ۱۰۸۷).

۵۹. سیاق‌نامه: از ناشناسی که در سیالکوت پنجاب پاکستان می‌زیسته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۲).

۶۰. سیاق هندی: از ناشناس (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۲).

۶۱. شمس الحساب الفخری: از خواجه شمس‌الدین عمر بن عبدالعزیز خنجی صمکانی (سده هشتم هجری) که مقاله دوم آن در سیاق بوده ولی در نسخه شناخته شده اثر، این بخش افتاده است. البته در بخش کنونی نیز اطلاعاتی درباره استیفاء دیده می‌شود. نسخه بازمانده از بخش ریاضی اثر در سال ۱۳۸۷ خ با مقدمه استاد ایرج افشار بصورت عکسی چاپ شده است^۲.

۶۲. شمس‌السیاق: از خواجه شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان (کشته در ۶۸۳ ق) که غیاث‌الدین محمد کرمانی در دیباجه کتاب سیاق خود از آن یاد کرده و گفته است این اثر به نام خواجه میراحمد خوافی نگاشته شده است. اثر دیگری در استیفاء با نام صاحبیه به شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان منسوب شده است. تاکنون نسخه‌ای از این اثر شناسانده نشده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۶؛ فروغستان، ص ۲۸۶).

۶۳. شمس‌السیاق: از ناشناس در موضوع «میراث» به روش سیاقی (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۶).

۶۴. شمس‌السیاقه: گویا از منصور بن محمدعلی شیرازی^۳ که به سال ۸۴۲ در هرات نوشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۰۶؛ فروغستان، ص ۲۸۶).

۶۵. صاحبیه: از شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان (کشته در ۶۸۳ ق) که شاید همان شمس‌السیاق باشد. استاد افشار با مقابله چند عبارت چاپ شده صاحبیه یادآور شده‌اند که این عبارت‌ها با مطالب سعادت‌نامه اثر عبدالله بن علی فلک علای تبریزی مطابقت دارد (فروغستان، ص ۲۸۶).

۶۶. علم دفترداری: از مسعود بن محمود مشیرالوزاره که در ۱۲۳۳ ق در طهران چاپ شده است (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۱۲).

۶۷. علم محاسبه: از ناشناس که در موضوع سیاق است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۱۲).

۶۸. عمادیه فی فنّ السیاقه: از عماد شیرازی (یا سراوی) است (نک: فهرستواره

۱. نیز نک: آیین سیاق که به احتمال بسیار از نویسنده همین اثر است.

۲. نیز نک: فروغستان، ص ۲۸۶.

۳. استاد منزوی نوشته‌اند که گویا از منصور دشتکی شیرازی است.

- کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۱۲؛ فروغستان، ص ۲۸۲).
۶۹. **فروغستان:** از محمد مهدی فروغ اصفهانی که در ۱۲۵۸ ق نگاشته و توسط استاد ایرج افشار تصحیح و منتشر شده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۱۵؛ فروغستان، ص ۲۸۷).
۷۰. **فرهنگ دفترداری:** از ناشناس (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۱۵).
۷۱. **قانون التجارة:** از الهی بخش شوقی اکبرآبادی در حساب و سیاق (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۱۸).
۷۲. **قانون السعادة:** از عبدالله بن علی فلک علای تبریزی که همانند لطایف شرفی از همو در میان سال‌های ۷۰۶ تا ۷۲۳ ق نگاشته شده است (نک: مقاله «لطایف شرفی و ارتباط آن با نفائس‌الفنون و منشآت خاقانی»؛ فروغستان، ص ۲۸۷).
۷۳. **قریب‌الفهم:** از رای بده سنگه‌فرزند رای فرزند امرت رای کایته - (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۱۹).
۷۴. **قواعد الحساب:** از خواجه محیی‌الدین کرمانی که در مقدمه سیاق ابواسحاق غیاث‌الدین کرمانی از آن یاد شده است. نسخه‌ای از آن تاکنون گزارش نشده است. گفتنی اینکه در فهرستواره کتاب‌های فارسی (ج ۴، ص ۲۷۲۰) از این اثر یاد شده ولی به اشتباه، آغاز و انجام اثر پیش‌گفته به همراه مشخصات نسخه‌ای از آن درج شده است (فروغستان، ص ۲۸۷).
- ** قواعد سیاق:** (نک: سیاق، از سلمان فراهانی)
۷۵. **قواعد‌السیاقه:** از محمد جعفر بن محمد حسین منشی متخلص به طرب نائینی (اصفهانی) که به زبان عربی و مقداری به فارسی در زمان محمدشاه تألیف شده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۲۰؛ فروغستان، ص ۲۸۷).
۷۶. **قوانین‌السیاق:** از محمد قطب‌الدین که در ۱۲۷۵ ق تألیف کرده است (نک: فروغستان، ص ۲۸۸).
۷۷. **قوانین‌السیاق:** از محمد کاظم کاشانی که در ۱۲۵۵ - ۱۲۵۶ آن را نگاشته است. مؤلف از بخش استیفاء نفائس‌الفنون بهره برده است. نسخه ۶۷۶۸ مجلس که از این متن در دست ما هست به نظر آشفته می‌نماید، چنانکه گویا پیش‌نویس اثر است. (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۲۱؛ فروغستان، ص ۲۸۷).
- ** کتاب‌السیاق** (نک: آیین سیاق) (برای مشخصات اثر ذیل این نام نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۲۱).
۷۸. **کشف‌الحساب:** از احمد بن محمد رضا نقشینه گویا در ۱۳۱۱ ق نگاشته شده، (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۲۳).

۷۹. **لعل‌جی‌نامه (/ سیاق‌نامه):** از لعل‌جی سهالی جهانپوری که به سال ۱۲۲۰ نگاشته است (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۲۸).
۸۰. **لوامع‌الاشراق فی علم الحساب و السیاق:** از محمدامین بن محمد کاظم خوبی مشهور به میرزا بابا که به سال ۱۲۶۱ نگاشته است (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۲۹؛ فروغستان، ص ۲۸۸).
۸۱. **مجمع‌الارقام:** از ناشناس که در ۱۲۱۰ نگاشته است. در پنج «باب» است و در خلال آن مطالب مرتبط با استیفاء دیده می‌شود (فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۳۰).
۸۲. **مجمع‌الحساب:** از گهاسی رام دهلوی که در ۱۲۰۲ نگاشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۳۱).
۸۳. **مجمع‌الفواید:** از جان‌محمد بن محمودخان که در روزگار حاکم پنجاب رنجیت سنگه (۱۷۹۷ - ۱۸۳۹ م) نگاشته است. در ۵ «فصل» حساب و سیاق است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۳۱؛ فروغستان، ص ۲۸۸).
۸۴. **مجمع‌الفواید:** از علی‌بخش که در ۱۲۶۹ ق/ ۱۹۰۹ م نگاشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۳۱).
۸۵. **مجمع‌القوانین خرد:** از ناشناس در ضوابط حسابات کارخانجات که گویا نویسنده آن از شبه‌قاره باشد (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۳۱).
۸۶. **مجموعه الممالک،** از معزالله مهمند پیشاوری از نویسندگان شبه‌قاره که از احمدشاه درآنی و اشرف‌الوزرا شاه ولیخان یاد کرده است. اثری در زمینه استیفاء به شیوه رایج در شبه‌قاره است و از دیدگاه جغرافیای آن منطقه سودمند می‌نماید. از این اثر در کتابشناسی‌های مورد استفاده ما یادی نشده است (نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۰، ص ۲۱۸).
۸۷. **محاسب‌التجار:** از حسین خوئی (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۳۲).
۸۸. **مختصری در قواعد دفترداری و حساب:** از سلیمان فراهانی که گویا در سده سیزدهم می‌زیسته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۲۰).
۸۹. **مخزن‌الاحتساب (/ دستورالعمل)،** از ناشناس به سال ۱۷۹۶ م برای John Murray تألیف شده است (نک: فروغستان، ص ۲۸۸).
۹۰. **مرآت‌الحساب:** از ابوالفیض محمد ملاح که در گجرا نواله پاکستان می‌زیسته و اثرش را به سال ۱۲۵۶ ق/ ۱۸۴۰ م نگاشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴،

۱. گویا همان اثر موسوم به سیاق (قواعد سیاق) است که پیشتر اشاره کردیم.

ص ۲۷۳۳).

۹۱. **مرآت سلیمانی:** از محمدعلی بن محمدقاسم حسینی که به نام شاه سلیمان صفوی نگاشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۳۴؛ فروغستان، ۲۸۸).

۹۲. **مطلوبات السیاق:** از پربت رای بن جهنبل بن متهر امل کایت‌ه جاجموی اله‌آبادی که در ۱۱۵۲ ق نگاشته است (نک: فروغستان، ص ۲۸۸).

۹۳. **معرفة السیاق:** از ناشناس (نک: فروغستان، ص ۲۸۸).

۹۴. **المقالات التبیانیة فی المقامات السیاقیه:** از علیرضا بن داود تبیان‌الملک رضایی تبریزی که کارش را به سال ۱۳۱۵ ق تألیف کرده و بعد برادرش به سال ۱۳۲۳ دیباجه‌ای بر آن نگاشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۴۴؛ فروغستان، ص ۲۸۸؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۰، ص ۱۱۶).

۹۵. **مقاله در ارقام سیاق:** از حسن منطق‌الملک تفرشی که باید همان آقا میرزا حسن خان تفرشی نویسنده مجمع‌الجواهر باشد که پیش‌تر بدان پرداختیم (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۴۴).

۹۶. **منتخب الحساب:** گویا از شخصی با تخلص انیس که در سده ۱۲ - ۱۳ ق در شبه‌قاره می‌زیسته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۴۷).

۹۷. **میانم الاکتساب فی قواعد الاحتساب:** از کمال‌الدین حسین بن علی کاشفی بیهقی سبزواری (د ۹۱۰ ق) که نسخه‌ای از آن تاکنون شناخته نشده است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۴۸).

۹۸. **ناظر سیاق:** از ناشناس که در سال ۱۷۹۶ ق برای John Murray نگاشته است (نک: فروغستان، ص ۲۸۸).

۹۹. **هیأت السیاق (/سیاق نامه):** از غلام رسول خلوت که در پیرامون ۱۱۹۱ ق در شبه‌قاره نوشته است (نک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۴، ص ۲۷۵۷؛ فروغستان، ص ۲۸۹).

منابع مرتبط با تشکیلات حکومتی، سلسله‌مراتب کارکنان و شیوه‌های اداره دیوان‌ها آثار فارسی که پیش از این شناسانده شد مربوط به متونی است که عمدتاً در آن‌ها به شیوه‌های نگارش دفاتر و اسناد دیوانی پرداخته شده است اما در میان آثار کهن، متونی هم در دست است که در آن‌ها به تشریح سلسله‌مراتب حکومتی، وظایف، میزان دستمزد، القاب، خطاب‌ها و دیگر موارد مرتبط با پیشه هر کدام از کارگزاران حکومتی پرداخته می‌شود. اینگونه مطالب را می‌توان بصورت پراکنده - و البته بسیار مختصر - در کتاب‌های ادوار گوناگون دید اما نگارش آثاری دقیق درباره تشکیلات حکومتی در ایران به پایان دوره

صفویه بازمی‌گردد. در اینجا به شناسایی آثار شناخته شده در این زمینه خواهیم پرداخت. با این توضیح که در منابع فارسی شبه‌قاره نیز می‌توان به چنین آثاری دست یافت؛ اما در اینجا به آثار مرتبط با ایران خواهیم پرداخت.

۱. **منشآت سلیمانی:** این اثر توسط دبیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی (حد ۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ق) نگاشته شده است. منشآت سلیمانی در پانزده «باب» نگاشته شده که بیش‌تر باب‌های آن به فنون «ترسل» از دیدگاه ادبی اختصاص دارد و فقط برخی از باب‌های آن به «استیفاء» و شیوه‌های نگارش اسناد و فرامین اداری اختصاص دارد و اتفاقاً همین بخش‌ها است که از دیدگاه ارتباط با فنون استیفاء ارزشمند است. این آگاهی‌ها عمدتاً از باب‌های دوم و سوم به دست می‌آید؛ اگرچه در بخش‌های دیگر اثر نیز از این آگاهی‌ها به دست می‌آید. در باب دوم به شیوه نگارش اسناد حکومتی از قبیل «شجره» (نوعی مجوز برای مبلغان) و همچنین منشورها و احکام (نشان، پروانچه، رقم) اشاره شده و با توجه به اینکه هر کدام از این اسناد دارای مهر ویژه‌ای بوده، به نوع مهر و همچنین جایگاه الصاق آن اشاره شده و نمونه‌هایی از آن‌ها به دست داده شده است. باب سوم به موضوع «مهرهای مبارک که هر یک متعلق به کدام نوشتجات است» اختصاص یافته است. در این بخش به انواع مهرهایی که بر اسناد زده می‌شد و ارتباط آن با طغراهای اسناد اشاره شده است. همچنین به شکل برخی مهرها و سجع آن‌ها اشاره شده که در عین کوتاهی، در پژوهش‌های سندشناسی بسیار کارآمد و مهم است.

۲. **تذکره الملوک:** این اثر نگاشته میرزا سمیعا است که در میانه سال‌های ۱۱۳۷ تا ۱۱۴۲ ق تألیف شده است. نسخه‌ای از این اثر به نشانی ۹۴۹۶ خاوری در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است که به سال ۱۹۴۳ م توسط ولادیمیر مینورسکی در لندن بصورت چاپ عکسی منتشر شد. مینورسکی این اثر را به انگلیسی ترجمه کرده و تعلیقاتی مفصل بر آن نوشته است.^۱ بعدها دکتر سید محمد دبیرسیاقی متن اثر را به سال ۱۳۳۲ خ بصورت حروفی چاپ کردند و سپس حواشی و تعلیقات مینورسکی توسط مسعود رجب‌نیا (گویا به سال ۱۳۳۴ ش) با نام سازمان اداری حکومت صفوی منتشر شد و بعدها به سال ۱۳۶۸ خ هر دو کتاب - یعنی متن حروفی و ترجمه تعلیقات - بصورت یکجا توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رسید و بعدها نیز هر دو با هم تجدید چاپ شده‌اند. اخیراً رونویس دیگری از این اثر در مجموعه ۱۳۸۰۹ کتابخانه مجلس شناسانده شده است که از پایان اندکی افتادگی دارد.

۳. **دستور الملوک:** این اثر توسط محمدرفیع انصاری مستوفی الممالک معروف به میرزا

۱. برای نمونه در آیین اکبری‌های فراوانی در این باره درج شده است.

2. *Tadhkirat al-Mulūk* (A manual of Safavid Administration), Persian text in facsimile, translated and explained, Gibb Memorial Series, 1943.

رفیعا نگاشته شده است. این اثر نخستین بار توسط استاد زنده‌یاد محمدتقی دانش‌پژوه از روی نسخه ۱۳۵۶ کتابخانه سربزیدی - که نواقصی داشت - به چاپ رسید (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۶، ش ۵ و ۶). ایشان در آن مقاله مدلل ساختند که تذکره الملوک - که نویسنده‌اش تا آن زمان ناشناخته بود - همان میرزا رفیعا است. پس از آن به سال ۱۳۷۸ ش استاد ایرج افشار بخش‌های دیگری از دستورالملوک را از همان کتابخانه به دست آورده و در مقاله‌ای با نام «بازمانده دستورالملوک» بصورت جداگانه به چاپ رساندند.^۱ سپس ایشان بخش پیشین را همراه با بخش‌های تازه‌یاب به سال ۱۳۸۰ خ در مجموعه دفتر تاریخ (ج ۱، صص ۴۷۵ - ۶۵۱) به چاپ رساندند.

۴. سالنامه‌ها: در پایان چاپ سنگی التّدوین فی احوال جبال شروین رساله‌ای هست که تمامی دستگاه‌های دولتی ایران را با اعضای آن‌ها شناسانده و اثری مهم در این زمینه است. همین رساله در پایان المآثر و الآثار (طهران، ۱۳۰۶ ق) نیز چاپ شده است. از آنجا که این رساله جزو هیچکدام از دو متن یاد شده نیست، در چاپ حروفی التّدوین (تهران، ۱۳۷۳ خ) این رساله چاپ نشده است. گمان می‌رود که سال‌نامه‌های دیگری نیز توسط وزارت انطباعات و دارالترجمه خاصه - که زیر نظر اعتمادالسلطنه بود - در این زمینه منتشر شده باشد که عجالتاً از آن‌ها آگاهی نیافتیم. در این سال‌نامه‌ها به توصیف وظایف دستگاه‌ها پرداخته نشده اما از مندرجات آن‌ها می‌توان ساختار سلسله‌مراتب حکومتی اواخر دوره قاجار را بررسی و بازسازی کرد. این سال‌نامه‌ها از دیدگاه بررسی مشاغل کارکنان حکومتی در آن دوره - بویژه از آنجا که به نام‌ها نیز اشاره شده - بسیار ارزشمند است.

منابع جنبی پژوهش‌های استیفاء

منابعی که پیش از این معرفی کردیم شامل آثاری است که به گونه‌ای درباره استیفاء و شیوه‌های اداره تشکیلات دیوانی آگاهی‌های مستقیمی را در دسترس ما می‌نهند. اما جز این منابع، دسته دیگری از منابع نیز موجودند که به قصد آموزش یا ارائه اطلاعات در این زمینه نگاشته نشده‌اند اما اطلاعات پراکنده و گاه ارزشمندی را می‌توان از خلال آن‌ها به دست آورد. در اینجا به برخی از این آثار اشاره خواهیم کرد.

تشکیلات اوقاف و برخی منابع پژوهشی درباره آن

«وقف» یکی از راهکارهای هوشمندانه دوره اسلامی در پشتیبانی مالی از امور خیریه و بویژه تأسیس نهادهای دینی و علمی - مانند مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها - بوده است.

۱. «بازمانده دستورالملوک»، معارف، س ۱۶، ش ۱ [تیر ۱۳۷۸]، صص ۱۸ - ۳۰.

بدینگونه که واقف، املاک و مستغلاتی (مستقلاتی) را برای تأمین هزینه یک یا چند نهاد خیریه وقف می‌کرد. گزارش اینگونه اوقاف در متون بصورت پراکنده دیده می‌شود. برای نمونه در *تجارب السلف* (صص ۳۳۶ - ۳۳۷) در ذیل یادکرد مؤیدالدین محمد بن محمد بن عبدالکریم قمی آمده:

«تدبیرات لطیف و رای‌های درست و مبرّات و صدقات بسیار داشت. به مشهد کاظم [«ع»] بیمارستانی ساخت و ادویه و اشربه و معاجین مرتّب گردانید و آن را بر اهل مشهد وقف کرد و هم آنجا مکتبی و دارالقرآنی بنا فرمود جهت ایتام علویان مشهد تا خطّ و قرآن آموزند. و بر این ابواب البرّ چندان ملک وقف کرد که به شروط او وفا نماید و تا اکنون آن مبرّات برقرار است.»

برخی از این موقوفه‌ها بسیار گسترده بوده است. برای نمونه می‌توان به موقوفاتی اشاره کرد که بر اماکن مقدّس وقف شده است؛ مانند موقوفات مشهد علی بن موسی الرضا «ع» که در ایران و برخی مناطق افغانستان و شبه‌قاره گسترش دارد. همچنین موقوفاتی که برای مقابر بزرگان صوفیه همانند مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی - وقف شده است. این موقوفات را می‌توان موقوفات مرتبط با اماکن به شمار آورد. گاهی نیز این موقوفات برای تقویّت برخی از فرقه‌های صوفیه و رونق تبلیغات آنان در دسترس مشایخ آن فرقه قرار داده می‌شد که نمونه آن، موقوفاتی است که در دوره تیموری در دسترس خواجه بزرگ نقشبندیان عبیدالله احرار (د ۸۹۵ ق) نهاده شد.

از جمله متون فارسی که در آن بصورت گسترده به اوقاف یک پادشاه پرداخته شده باید از *تاریخ شاهی قراختائیان* یاد کرد. در جای‌جای آن متن به اوقاف ترکان خاتون در کرمان اشاره شده است. برای نمونه در جایی از متن (صص ۱۷۷ - ۱۸۰) به املاک و اشخاصی اشاره شده که ترکان خاتون به سال ۶۶۰ ق بر یک دارالشفا و چند رباط در کرمان وقف کرده بود. نیز در همان متن (صص ۲۲۴ - ۲۲۶) به وقف یک دیه بر تنی چند از غلامان و جواری ترکان خاتون در سال ۶۶۹ ق و همچنین وقف یک آسیاب بر مزاری متبرک در دیه اردشین جوین اشاره شده است. نیز در همان متن (صص ۲۳۴) به وقف یک دیه به سال ۶۷۳ ق برای سیف‌الدین باخرزی و وقف دیه‌ی دیگر برای صلاح‌الدین حسن بلغاری یاد شده است که این دو مورد، در شمار اوقافی است که برای تقویّت مشایخ صوفیه در دسترس آن‌ها نهاده می‌شد. شمار موقوفه‌ها در سرزمین‌های اسلامی بسیار فراوان بوده است و در نتیجه، بخش مهمّ و چشمگیری از منابع مالی سرزمین‌های اسلامی در اختیار این نهادها قرار داشت. اهمیت این نهادها چنان بود که تقریباً در همه ادوار تاریخی، بخشی از تشکیلات حکومتی به رسیدگی امور اوقاف اختصاص داشته و حتی دستگاه‌ها و مناصبی برای اداره آن ایجاد می‌شد. برای نمونه در *تاریخ شاهی قراختائیان* (ص ۷۰) که متنی از حدود اواخر سده هفتم

هجری است از «دفاتر اوقاف» سخن رفته است:
«... سلطان فرمود که: آن اوقاف که در دست دارد بر وی منحص باید کرد، بلکه از دست تصرف او بیرون باید. خواجه گفت: هیچ وقفی به نام او در «دفاتر اوقاف» نیست...».
در همان متن (ص ۹۳) آمده:
«شخصی - شهاب جامی نام - وقتی اوقاف کرمان را قانونی کرده است و چند نسخه از آن در دواوین مانده».

مقصود از «دواوین» در عبارات پیشین، دیوانخانه‌هایی است که در آن‌ها به ثبت اسناد و نگهداری دفاتر اصلی آن‌ها پرداخته می‌شد. مقصود از «قانون» نیز دفاتری است که اصل اموال و دارایی‌ها و یا شیوه‌نامه دریافت مالیات در آن ثبت می‌شد.^۱ از این روی می‌توان عبارت بالا را چنین تعبیر کرد که شخص یاد شده، صورتی از اوقاف کرمان را در یک دفتر قانون ثبت کرده بوده و آن قانون در دیوانخانه‌های کرمان موجود بوده است. این دفتر قانون چیزی شبیه به کتاب صریح‌الملک و همچنین آثار الرضویه من منتخبات الصدیقیه بوده است - که اندکی پس از این بدان‌ها خواهیم پرداخت - با این تفاوت که این قانون صرفاً برای شهر کرمان تدوین شده بود.

در میان منابع دوره صفویه نیز در تذکره‌الملوک (تألیف میانه ۱۱۳۷ - ۱۱۴۲ ق؛ ص ۴۴) بخشی دیده می‌شود با عنوان «در بیان تفصیل شغل مستوفی موقوفات ممالک محروسه» که در آن به وظایف «مستوفی موقوفات» پرداخته شده است و نشان می‌دهد که در دستگاه حکومتی آن دوره، مستوفی ویژه‌ای برای پرداختن به امور اوقاف منصوب می‌شده است. در دستورالملوک میرزا رفیعا (ص ۴) نیز ذیل فصل دوم (در شغل صدارت خاصه و عامه) و همچنین در فصل هفتم از باب چهارم (ص ۵۵۵) به وظایف «مستوفی موقوفات ممالک» پرداخته شده است.

از میان منابع دوره قاجار نیز وزارتخانه‌ای با نام «وزارت وظایف و اوقاف» وجود داشته که گزارشی از سلسله‌مراتب کارکنان سطح بالای آن را در سالنامه‌ای که در پایان چاپ سنگی التّدوین فی احوال جبال شروین (ص ۴۷) چاپ شده می‌بینیم.

جز اوقاف کوچک و پراکنده‌ای که در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی وجود داشته، گاه با مجموعه‌های بزرگی از املاک و مستغلات رویاروی می‌شویم که معمولاً توسط پادشاهان، وزیران، یا امرای بزرگ بر یک مجموعه خیریه وقف شده است. اسناد و وقفنامه‌های مرتبط با اینگونه موقوفات به دلیل گستردگی، از دیدگاه بررسی اسناد دوره اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارند. خوشبختانه برخی از این اسناد اکنون در دست است و شماری از آن‌ها به چاپ هم

۱. البته دفاتر «قانون» دارای گونه‌ها و کاربردهای دیگری نیز بوده‌اند که در اینجا بدان‌ها کاری نداریم.

رسیده است. در اینجا به برخی از نمونه‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱. **وقفنامه ربع رشیدی:** ربع رشیدی یک مجموعه دینی و علمی بوده که در اوایل سده هشتم هجری توسط رشیدالدین فضل‌الله همدانی در تبریز تأسیس شد. وی مجموعه گسترده‌ای از املاک و مستغلاتی را که در ایالات و شهرهای بزرگ آن زمان به ملکیت خود درآورده بود برای مصارف ربع رشیدی وقف کرد و این موارد را در وقفنامه مبسوطی به ضبط آورد. خوشبختانه نسخه اصل این وقفنامه^۱ و چند رونویس تازه‌تر از آن موجود است. چاپ عکسی نسخه اصل وقفنامه ربع رشیدی (الوقفیة الرشیدیة) در سال ۱۳۵۰ خ زیر نظر استادان محبتی مینوی و ایرج افشار چاپ شد و متن حروفی آن نیز به سال ۱۳۵۶ خ به کوشش همان استادان منتشر شده است.

۲. **کتاب وقف السلطان الناصر حسن بن محمد بن قلاوون علی مدرسته بالمیله:** این وقفنامه که به زبان عربی نگاشته شده، مربوط به مدرسه‌ای است که ملک الناصر حسن بن محمد از ممالیک بحری (حک ۷۴۸ - ۷۶۲ ق) در رمیله در ظاهر قاهره ساخته بود. متن این وقفنامه با همین عنوان به چاپ رسیده است (نک: کتابنامه).

۳. **جامع الخیرات:** این وقفنامه نیز به زبان عربی نگاشته شده و مربوط به موقوفات سید رکن‌الدین محمد بن نظام (د ۷۳۲ ق) در شهر یزد است. از این وقفنامه سوادی در دست سادات عزآباد - شش فرسخی یزد - بوده که مرحوم سید علی محمد وزیری از روی آن نسخه‌ای برداشته بود. این نسخه که مورخ ۱۳۶۶ ق است اکنون به شماره ۳۲۳۱ در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می‌شود (نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد، ج ۵، ص ۱۵۸۱). متن این اثر از روی نسخه وزیری توسط استادان زنده‌یاد ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه در نشریه فرهنگ ایران زمین (ج ۹، صص ۶۸ - ۲۷۷) به چاپ رسیده است.

۴. **صریح الملک:** این کتاب، شامل اوقاف یک نفر نیست بلکه صورت برخی از وقفنامجات املاک و دارایی‌هایی است که توسط چند تن در دوره‌های گوناگون بر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی وقف شده است. این کتاب به فرمان شاه‌طهاسب صفوی (حک ۹۳۰ - ۹۸۴ ق) به منظور شناسایی دقیق املاک و موقوفات آن بقعه توسط زین‌العابدین علی‌عبدی بیگ شیرازی سراینده و مورخ سده دهم (۹۲۱ - ۹۸۸ ق) به سال ۹۷۵ ق تدوین شده است. این مجموعه حاوی متن اسناد اوقاف آن مجموعه است. اثر دیگری با همین عنوان صریح‌الملک توسط محمدطاهر اصفهانی به سال ۱۰۳۸ ق تدوین شده که حاوی وقفنامه اموال و موقوفات بقعه در زمان تولیت شیخ شریف‌بیگ است.^۲ هیچکدام از این دو

۱. از این وقفنامه پنج رونویس اصلی استنساخ شده بود که تنها همین یک نسخه شناخته شده است.

۲. آقای عمادالدین شیخ‌الحکمایی در مقدمه فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (صص «بیست» تا «بیست و دو») به توصیف دقیق این دو اثر پرداخته است.

متن تاکنون منتشر نشده است.

۵. **آثار الرضویه من منتخبات الصدیقیه:** این کتاب نیز شامل اوقاف یک نفر نیست بلکه صورت وقفنامه برخی از موقوفاتی است که توسط چند تن بر آستانه علی بن موسی الرضا «ع» وقف شده است. این مجموعه در دوره نیابت تولیت میرزا محمد رضا در سلطنت مظفرالدین شاه قاجار (حک ۱۳۱۳ - ۱۳۲۴ ق) توسط میرزا اسماعیل خان همدانی - مستوفی خاص دیوان اعلی - تنقیح و ترتیب داده شده و به سال ۱۳۱۷ ق به خط میرزا طاهر طبیب مشهدی - خادم کشیک ثالث آستانه - تحریر و بصورت سنگی چاپ شده است (نک: کتابنامه).

آثار انتقادی درباره معضلات اوقاف

علیرغم اهمیّت و کاربرد انکارناپذیر وقف در پیشبرد امور خیریه باید گفت که موضوع وقف در سرزمین‌های اسلامی گاه به یک معضل بدل می‌شده است. به عبارتی، اوضاع وقف در بیش‌ترین ادوار تاریخی مورد مناقشه و اعتراض افرادی بود که می‌دانستند درآمدهای حاصل از املاک و مستغلات، به مصارف تعیین شده در وقف‌نامه‌ها نمی‌رسد. این اوضاع به گونه‌ای بود که حتی در این زمینه نوشته‌هایی هجوآمیز به شکل منثور و منظوم پدید آمده است که گهگاه می‌توان در خلال آن‌ها به آگاهی‌هایی - دست‌کم از دیدگاه اصطلاحات - دست یافت. از جمله کهن‌ترین این آثار در زبان فارسی می‌توان به منظومه کارنامه اوقاف سروده پوربهای جامی^۱ (مدرج در: نمونه نظم و نثر فارسی از آثار اساتید متقدم، صص ۵۴ - ۶۷) اشاره کرد که از آثار سده هفتم هجری است. همچنین در جامع‌التواریخ حسنی (نوشته ۱۸۵۵ - ۱۸۵۷ ق، صص ۹۵ - ۹۹) ترجیع‌بندی با عنوان «اوضاع عمال اوقاف کرمان» سروده نویسنده آن کتاب درج شده است. نیز مؤلف در همان متن (صص ۱۰۰ - ۱۰۶) یک مثنوی در همین زمینه آورده است.

آب‌بخشی و آبیاری

از آنجا که نوع آبیاری زمین‌ها تأثیر مستقیم در میزان محصول داشته، مسئله آبیاری و آب‌بخشی در برخی از سرزمین‌ها - که عمدتاً کم‌آب بودند - در شمار مسائل دیوانی قرار می‌گرفت و حتی دیوانی را به بررسی مسائل آب و آب‌بخشی اختصاص می‌دادند. برای نمونه

۱. این اثر در نمونه نظم و نثر فارسی از تاج‌الدین نسائی دانسته شده اما مطابق پژوهش چاپ نشده‌ای از فاضل گرامی آقای بهروز ایمانی، سراینده اثر پوربهای جامی (تاج‌الدین بها) است.

۲. این اثر نخستین بار بصورت جداگانه به کوشش استاد ایرج افشار در نشریه فرهنگ ایران زمین منتشر شده است (نک: کتابنامه).

فصل هفتم از باب چهارم مفاتیح‌العلوم (صص ۶۸ - ۷۲؛ صص ۶۹ - ۷۱ فارسی) به توصیف اصطلاحات «دیوان آب» (دیوان الماء) اختصاص یافته و چنین عنوان دارد: «فی الالفاظ تستعمل فی دیوان الماء» که نشان می‌دهد چنین دیوانی در برخی از مناطق وجود داشته است. برخی اصطلاحات این فصل مربوط به شهر مرو است و جالب توجه اینکه برخی از این اصطلاحات، شکل تعریب شده اصطلاحات فارسی و ایرانی است. برای نمونه: دیوان کسُت بَرود (از کاست افزود)، فنکال (از پنگان).

البته با توجه به اینکه در متنی چون کتاب النخراخ قدامة بن جعفر هیچ سخنی از دیوان آب نرفته، می‌توان پنداشت که در برخی مناطق به دلیل وجود آب فراوان، نیاز چندانی به این دیوان نبوده است؛ مگر آنکه گفتگو درباره آن در بخش‌های گم‌شده آن اثر باشد یا اینکه در دوره نگارش آن اثر برای مدیریت امور آبیاری تشکیلاتی با عنوان دیوان آب تأسیس نشده باشد. به هر حال شواهد نشان می‌دهد که چنین دواوینی در سرزمین‌های کم‌آب مانند ایران بیشتر رواج داشته است. از جمله آثاری که نشان می‌دهد در برخی از شهرهای ایران «دیوان آب» وجود داشته متن تاریخ قم (ص ۱۵۸) است که در آن از «دیوان آب» چنین یاد شده:

«و مقاسمات و مستقه‌های آب‌های آن چنانچه ابراهیم بن علی و محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری و فرزندان او محمد بن علی بن ابراهیم تفصیل کرده‌اند و در «دیوان آب» به قم مسطور است این است که یاد می‌شود...»
باز در جای دیگر همان متن (ص ۱۶۱) آمده:

«راوی چنین گوید که این آب را به قم به انفراد، دواوین بوده است در دست معتمدان آل سعد. و خرید و فروخت و حواله و هبه بدان کرده‌اند... و همچنین این آب را قیمت و بها بوده است؛ تا آنگاه که جیل و دیلم بدین نواحی غلبه کردند، «دیوان آب» باطل شد و اقطاعات بنهادند و آب را قیمت نماند...»

اینکه دیوانی برای آب از سوی حکومت‌ها تعیین شود، گاهی نیز بستگی به فعالیت‌هایی داشته که یک حکومت برای بهبود امور آبیاری به انجام رسانیده بود. مثلاً وقتی که هزینه‌های ساخت بند بر روی یک رود یا کندن و لایروبی کاریزها از سوی حکومت تأمین می‌شد، معمولاً برای آبی که از این راه در دسترس کشاورزان قرار می‌گرفت هزینه‌ای دریافت می‌شد. برای نمونه در خلاصه الحساب نامی (ص ۱۲۶ نسخه ۳۰۲ اردکان) در توصیف اصطلاح «منال» در شهر یزد آمده:

«... و حقیقت منال دارالعبادة مذکوره (یزد) چنان است که در زمان سلطنت آل مظفر دخل ایشان به خرج وافی نبود و نمی‌خواستند که ظلم بر عجزه و مساکین نمایند، بعضی قنوات را از مال خود جاری ساختند و با ارباب و رعایاء

مملکت مقرر داشتند که هر ساله مبلغی بهاء میاه به دیوان رسانند ... و مبلغ بهاء میاه مذکوره را منال نام نهادند».

در آن متن بلافاصله از اصطلاح «اجارة المیاه» و چگونگی آن نیز سخن رفته که اختلافاتی با منال (آببها) داشته است. بخشی از آن را که نشان می‌دهد این آب دارای محاسباتی جداگانه بوده نقل می‌کنیم:

«... آن را اجارة المیاه نام نهادند تا امتیاز اسمی میان مال پادشاه و مال ایشان باشد. و در این باب هم دفتری هست و آن را اوجام نام است. و پادشاه به دستوری که از حاصل و اراضی و باغات عشر می‌ستاند و آن را «خراج» می‌نامند، از اجارة المیاه هم عشر می‌گیرد و آن را «مالکی» خوانند».

همینگونه است ایجاد نهرهایی که در برخی مناطق، از رودهای بزرگ منشعب می‌کردند تا برای بهره‌بری در زمین‌های دور افتاده‌تر استفاده شود. برای نمونه می‌توان از نهری یاد کرد که توسط عمال شاهطهماسب صفوی به سال ۹۳۵ ق در ناحیه حله حفر شده و منشعب از آب فرات بود. این نهر از سوی شاهطهماسب به مشهد امام علی و امام حسین «ع» وقف شده بود تا درآمدهای آن به مصارف آن دو روضه برسد. طومار وقفنامه این نهر در اختیار دکتر اسمعیل دولتشاهی بوده که نخستین بار توسط استاد ایرج افشار با عنوان «وقفنامه آب فرات از عهد شاهطهماسب» به چاپ رسید و پس از آن نیز در کتاب *نقش‌خاندان کرکی* در تأسیس و *تداوم دولت صفوی* (صص ۱۸۳ - ۱۸۶) از روی منبع پیشین بازچاپ شد (نک: کتابنامه)^۱. در جایی از همین وقفنامه (ص ۳۱۷) می‌بینیم که گروهی برای اداره آن نهر تعیین شده بودند که بدان‌ها اشاره شده است:

«و آنچه مذکور شد، بعد از اخراج حق التولیه متولی و حق السعی آن کسانی است که بودن ایشان جهت ضبط آن سرکار لازم است و واجب؛ از «ضابط» و «کاتب» و «مباشر» و «محاسب» بحسب‌العرف و العادة...».

مبحث آب علاوه بر تأثیر در محصول کشاورزی، در تعیین نوع مالیات زمین‌ها نیز مؤثر بوده است و لذا این مبحث در آثار فقهی جایگاهی به خود اختصاص داده است. برای نمونه در مبحث احیاء اراضی موات (ایجاد کاربری در زمین‌های بایر) این نکته که زمین مرده از چه نوع آبی آبیاری شود در تعیین نوع مالیات آن مؤثر بوده است. مثلاً اگر زمینی با «آب خراج» یا زمینی با «آب عشر» آبیاری می‌شد، نوع مالیات آن (خراج یا عشر) دگرگون می‌شد. البته در میان مکاتب فقهی گوناگون در این زمینه اختلاف نظر وجود داشت؛ چنانکه برخی اصالت را بر آب قائل بودند و برخی بر زمین (نک: *الأحكام السلطانية، الفراء الحنبلی، ص*

۱. وکیل شاهطهماسب در اجرای وقفنامه، علی بن عبدالعالی مشتهر به محقق کرکی بوده است. در جای دیگر اشاره کردیم که وی نویسنده یکی از نخستین آثار مستقل شیعه امامیه درباره خراج بوده است.

۲۱۱؛ الأحكام السلطانية و الولايات الدینیة ماوردی، ص ۱۷۸).

در نقل و انتقال یا وقف زمین‌ها نیز اصولاً آن‌ها را با تعیین منبع و سهم آب در اسناد ثبت می‌کردند. برای نمونه در جای‌جای وقفنامه ربع رشیدی آنگاه که از موقوفات سخن می‌رود، بلافاصله از آب آن‌ها نیز گفتگو می‌شود. از جمله در آغاز بخش موقوفات (ص ۴۵ چاپ حروفی) پس از یادکرد قریه بفرویه به آب آن نیز چنین اشارت شده است:

«و با تمامت چهار سهم از پنجاه و دو سهم که آن اصل سهام جمله کاریز عضدآباد است از کاریزها [ی] قریه بفرویه مذکوره است ... دو مقسمه از جمله نه مقسمه که آن هر دو معروفند به دو تغار؛ و آن دو تسع است از جمله عیون و ینایی که جاری است از جبل مذوار از جبال مهریچرد ...».

آگاهی‌های مرتبط با آب بخشی را می‌توان بصورت پراکنده در برخی متون یافت. برای نمونه نوع ششم از قسم اول از وجه دوم شمس الحساب الفخری (صص ۱۳۸ - ۱۴۰ چاپ عکسی) به «محاسبه کاریز» اختصاص دارد که یکی دو مسئله از این مبحث را از دیدگاه ریاضی مورد بررسی قرار داده است. نیز قسم هشتم از وجه دوم آن کتاب چنین عنوان دارد: «در زراعت و خرمن و حصه دیوان و بازیاری»؛ و در آن با مباحث مرتبط با آب و کشاورزی رویاروی می‌شویم. برای نمونه مسئله اول این بخش چنین است:

«چون دو خرمن باشد؛ خرمن اول آب رود خورده باشد و حصه دیوان، سدس مقرر بود و خرمن [دوم] آب دولاب خورده باشد و حصه دیوان، عشر مقرر بود ولیک هر دو خرمن شصت خروار باشد و حاصل انبار نه خروار بود، هریک از آن چند خروار بوده باشد؟».

جز اینگونه آگاهی‌های پراکنده که بیش‌تر به مباحث حقوقی آب اختصاص دارند، چند متن را نیز می‌شناسیم که اختصاصاً درباره مباحث فنی آبیاری و آب‌بخشی نگاشته شده‌اند. تعدادی از این آثار اکنون جزو آثار گم‌شده به شمار می‌آیند. برای نمونه گردیزی در زین‌الخبار (ص ۱۳۷ بنیاد فرهنگ) در ذیل یادکرد عبدالله بن طاهر (۱۸۲ - ۲۱۳ ق) به فرمان او برای نگارش اثری با نام کتاب فنی چنین اشاره کرده است:

«و اندر سنه اربع و عشرين و مائین به فرغانه زلزله افتاد و بسیار خانه‌ها ویران شد. و پیوسته اهل نیشاپور و خراسان نزد عبدالله همی آمدندی و خصوصت کاریزها همی رفتی. و اندر کتب فقه و اخبار رسول - صلی الله علیه و سلم - اندر معنی کاریز و احکام آن چیزی نیامده بود. پس عبدالله، همه فقهای خراسان را و بعضی از عراق را جمع کرد تا کتابی ساختند [در] احکام کاریزها و آن را کتاب فنی نام کردند تا احکام که اندر آن معنی کنند بر حسب

۱. بازیاری را به معنی آب‌بخشی و گاه کشاورزی در متون یاد کرده‌اند.

آن کنند و آن کتاب تا بدین غایت برجاست و احکام قنی و قنیات که در آن
معنی رَوَد بر موجب آن کتاب رَوَد». جستجوی بیشتر برای شناسایی اینگونه آثار ضرورت دارد. در اینجا به دو متن از این
دست که تاکنون به چاپ رسیده است اشاره می‌کنیم:

۱. **انباط المیاه الخفیة**: از ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب کرجی ریاضیدان سده چهارم
و پنجم هجری که آن را در حدود سال ۴۰۳ ق برای ابی‌غانم معروف بن محمد، کاتب و
وزیر منوچهر بن قابوس نگاشته است.^۱ این اثر با نام **استخراج آب‌های پنهانی** به زبان فارسی
ترجمه شده است.

۲. **رساله طریق قسمت آب قلب**: از قاسم بن یوسف ابونصری هروی نویسنده سده دهم
هجری است. این اثر از معدود نوشته‌های فارسی درباره آب‌بخشی است. از نویسنده این
رساله، کتاب دیگری می‌شناسیم به نام **ارشاد الزراعه** که به سال ۹۲۱ ق نگاشته شده و متن
آن نیز به چاپ رسیده است. از رساله طریق قسمت آب قلب یک نسخه تاکنون شناسایی
شده که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. این رساله نخست در مقاله «رسائل از مؤلف
ارشاد الزراعه» در نشریه فرهنگ ایران زمین (ج ۱۳، صص ۷ - ۶۷) همراه با رسالات کوتاه
دیگری از همین مؤلف به چاپ رسید و پس از آن، متن رساله بصورت جداگانه با عنوان
رساله طریق قسمت آب قلب با پژوهش مایل هروی در تهران (۱۳۴۷ خ) منتشر شد.
در پژوهش‌های نوین در این زمینه معمولاً آگاهی‌های فنی چندانی به دست نمی‌آید.
برای نمونه در کتاب آبیاری در ترکستان نوشته و. و. بارتولد عمدتاً با مباحث منابع آب در
ماوراءالنهر رویاروی می‌شویم و در آنجا نه از مباحث حقوقی و نه از شیوه‌های آبیاری و
آب‌بخشی که مرتبط با موضوع مورد نظر ماست (استیفا) سخن رفته است.

متون ریاضی

در میان فنون مرتبط با محاسبات، افزون بر ریاضیات نظری، بخشی از آموزه‌های
کاربردی نیز وجود داشته که در میان دبیران رایج بوده است. این آموزه‌های کاربردی - که
بخشی از دانش ریاضی کاربردی را تشکیل می‌دهد - بر پایه ریاضیات صرف پدید نیامده
بلکه شامل مهارت‌هایی است که با توجه به نیازهای محترفه - و از جمله دبیران - برای
محاسبه سریع کمیته‌ها پدید آمده است. برای نمونه در **شمس الحساب الفخری** (ص ۳۳
ر) در توصیف «تلخیص عبارت» تصریح شده است که این شیوه بیشتر به کار دبیران (= **محرران**) می‌آید:

۱. نسخه‌ای از این اثر مورخ ۶۳۲ ق در مجموعه شماره ۲۰۱۹ در کتابخانه خدابخش پتینه نگهداری می‌شود. نیز نسخه
تازه‌تری مورخ ۱۰۸۴ ق به نشانی LJS ۳۹۹ در کتابخانه دانشگاه پنسیلوانیا موجود است.

«باید دانست که محرران استعانت می‌کنند بدین تلخیص در نسبت کسور با سین و غیر آن و محاسبان بدان احتیاج ندارند...».

حتی کتاب‌هایی ویژه حساب دبیران و مردمی که از ریاضیات فقط به جنبه عملی آن سر و کار داشتند نگاشته شده است. از آن میان می‌توان به کتاب *ما یحتاج إلیه الکتاب من علم الحساب* (/کتاب المنازل فی الحساب / منازل السبع) نوشته ابوالوفا بوزجانی (۳۲۸ - ۳۸۸ ق) اشاره کرد^۱. چهار منزل پایانی این کتاب به محاسبات عملی اختصاص یافته است. «منزله» چهارم در اعمال خراج، «منزله» پنجم در تصریف و اعمال مقاسمات بر پایه مقیاس‌های ناحیه «سواد» و «منزله» ششم آن در تشریح محاسباتی است که مورد نیاز دبیران می‌باشد. البته بخش‌هایی از متن کتاب اکنون در دو نسخه شناخته شده آن موجود نیست (نک: بوزجانی‌نامه، صص ۲۰۰ - ۲۰۳).

همچنین بخشی از کتاب *شمس الحساب الفخری* (با عنوان: وجه دوم در معاملات و نوادر محاسبات) به همین گونه حساب‌ها اختصاص یافته و مباحثی چون: محاسبه نقاشان (ص ۴۰ ر) محاسبه صرافان (ص ۴۰ ر) محاسبه عطاران (ص ۴۲ پ) و مواردی از این دست در آن دیده می‌شود.

تا جایی که می‌دانیم اینگونه نوشته‌ها تاکنون بصورت یک گونه جداگانه از نوشته‌های ریاضی مورد بررسی قرار نگرفته و لذا فهرستی ویژه شناسایی متون و نسخه‌های این آثار در دست نیست.

انگشت‌شماری (/حساب هوایی/عقد انامل و اصابع)

پیش از آنکه حساب هندی در سرزمین‌های اسلامی رایج شود، شیوه‌ای از حساب عملی رواج داشت که در متون کهن از آن با نام «حساب هوایی» (/حساب العقود/حساب الید) یاد می‌شد. این شیوه بر پایه محاسبه اعداد با کمک انگشتان دست استوار بود که البته آمیزه‌ای از محاسبه ذهنی در آن دخیل بود. حساب هندی که در متون کهن با عنوان حساب «تخت و میل» یا «تخت و تراب» یا «علم غبار» نامیده می‌شد^۲ - چون از دیدگاه ریاضی مطمئن‌تر بود در میان ریاضی‌دانان کاربرد بیشتری پیدا کرد. با این حال کاربرد انگشت‌شماری حتی تا قرون اخیر در میان مردم و عمدتاً محترفه همچنان رواج داشت. یکی از کاربردهای این شیوه در میان اهل صناعت استیفا بوده است؛ چرا که این گروه برای محاسبات خود نیاز داشتند تا

۱. این اثر در کتابی با نام *تاریخ علم الحساب العربی* (الجزء الاول: حساب الید) به چاپ رسیده است.

۲. از آن روی که عملیات این حساب را بر روی تخته‌ای که غباری بر آن گسترده بود و با کمک یک میله فلزی یا چوبی انجام می‌دادند. این شیوه در واقع صورت ابتدایی شیوه‌هایی است که پس از تغییراتی تکمیل شده و امروزه به کار گرفته می‌شود.

به سرعت و بدون کاربرد ابزار خاص به محاسبات خود پردازند.^۱ یکی از گزارش‌ها کهن که به نظر می‌رسد اشاره‌ای به همین انگشت‌شماری در آن هست، نوشتهٔ محمد بن اسحق الندیم در *الفهرست* (ص ۱۸ عربی) است که هنگام گفتگو از ناحیهٔ «سند» آورده:

«... رأیت صنماً صُفراً فی دار السُّلطان - قیل انه صورة البُد - و هو شخصٌ علی کرسی، قد عَقَدَ یا حدی یدیه ثلثین و علی الکرسی کتابةً هذا مثالها...»^۲.
همچنین در فصل پنجم لطایف شرفی (مندرج در: سفینهٔ تبریز، ص ۴۲۴ چاپ عکسی) در توضیح تأریخ و عقد و طریق ضبط و اثبات حاصل جمع اعداد و کسور آمده:
«اول باید کی مبتدی اوضاع کسور و اعداد کی به انگشت‌ها گیرند تعلیم کند و بعد از آن انگشت‌ها را به گرفتن صحاح و کسور مختلفه و جمع آن مقعود گرداند و بر آن قادر شود...».

دربارهٔ انگشت‌شماری نوشته‌هایی از ادوار پیشین موجود است اما عمدهٔ آن‌ها از دیدگاه آموزش این مهارت چندان سودمند نمی‌نمایند. به هر حال تهیهٔ فهرستی از این آثار و پژوهشی دربارهٔ آن خالی از فایده نخواهد بود. در اینجا برای نمونه اشاره می‌کنیم که در *عجایب‌المخلوقات قزوینی* (صص ۳۴۰ - ۳۴۱) فصل کوتاهی دربارهٔ «حساب اصابع» هست. همچنین «دفعهٔ» چهارم از «فرد» سوم فروغستان (صص ۱۱۵ - ۱۱۷) به تشریح مختصری از اصول این شیوه اختصاص یافته است. نیز «طراز» دهم از کتاب *برهان جامع* (صص ۵ پشت تا ۶ رو چاپ ۱۲۶۰ ق تبریز) در عقد انامل است.

نوشته‌های جغرافیای عمومی

پیش از ورود به این مبحث باید بدین نکته اشاره کنیم که نوشته‌های جغرافیایی دورهٔ اسلامی را می‌بایست به دو گروه عمده بخش‌بندی کرد. یک گروه، دربرگیرندهٔ نوشته‌هایی است که صرفاً به جغرافیای ریاضی پرداخته‌اند. در این آثار، وضعیت زمین و مناطق آن از دیدگاه شکل هندسی و فواصل بررسی می‌شود. به دلیل دشواری‌های این شیوه که نیازمند آگاهی‌های گسترده از ریاضیات و نجوم می‌باشد، شمار اندکی از نوشته‌های دورهٔ اسلامی

۱. توجه شود که کاربرد تخت و میل به دلیل دشواری حمل و نقل وسایل آن چندان برای اهل استیفاء آسان نبود و ضمناً کاغذ نیز چنان گرانها بود که آن را برای چرک‌نویس محاسبات به کار نمی‌بردند.
۲. ترجمه (ص ۳۱): «... در آنجا بتی دیدم از روی بود که در دارالحکومه قرار داشت و می‌گفتند صورت «بُد» است و آن شخصی بود که بر کرسی نشست و یک دست خود را بر عدد سی گره زده داشت و بر آن کرسی خطی دیده می‌شد که نمونهٔ آن این است...».
۳. توجه شود که در آن روزگار، ابزارهای کافی برای تصویربرداری‌های هوایی وجود نداشت و لذا با شیوه‌هایی

صرفاً به جغرافیای ریاضی اختصاص دارند. از مهم‌ترین نویسندگان این شاخه استاد مختصّ ابوریحان بیرونی است که آثاری ویژه این علم - مانند کتاب *تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن* و مقاله پنجم از کتاب *القانون المسعودی* - نگاشته است.

گروه دیگر از متون جغرافیایی در برگیرنده نوشته‌هایی است که با پایه قرار دادن جغرافیای ریاضی، به تحلیل جغرافیای اقتصادی سرزمین‌های اسلامی پرداخته‌اند. بررسی این گروه از نوشته‌های جغرافیایی، در پژوهش‌های مرتبط با استیفاء و تشکیلات دیوانی دوره اسلامی بسیار اهمیت دارد.

اگر در ساختار این کتاب‌ها دقت کنیم خواهیم دید که تقریباً هیچکدام از این نوشته‌ها بصورت تخصصی به جغرافیای ریاضی نمی‌پردازند بلکه این دانش را با آگاهی‌های دیگری مانند فواصل شهرها از یکدیگر، کان‌ها، محصولات کشاورزی و صنایع دستی (ا/ طرایف، تنسوخات) هر منطقه آمیخته‌اند. به عبارتی نویسندگان این کتاب‌ها، نوشته‌های خود را با دیدگاه یک فرد دیوانی تنظیم کرده‌اند و نه یک نفر جغرافیدان آگاه از مسائل ریاضی.

یکی از کهن‌ترین نوشته‌های جغرافیایی با ساختارهای دیوانی و اقتصادی کتاب *مسالک الممالک ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن خردادبه* (د ح ۳۰۰ ق) است. وی کتاب خود را در حدود نیمه سده سوم هجری نوشته است.^۱ خوشبختانه متن این اثر در دست است اما آنگونه که برخی پژوهشگران از روی قرائن حدس زده‌اند، گویا آنچه از این کتاب در دست می‌باشد، گزیده‌ای از آن است. با این حال ساختارهای آن در شکل کنونی نیز به خوبی نشان می‌دهد که بیشتر برای کاربردهای «دیوان برید» نگاشته شده چنانکه بخش اعظم آن به یادکرد فاصله شهرها از یکدیگر - بویژه از *مدینه السلام بغداد* - اختصاص یافته است. حتی بخشی از آن (صص ۱۵ - ۲۰ ترجمه فارسی) به «ارزیابی مالیاتی سواد» اختصاص یافته است که در آن به یادکرد بخش‌بندی زمین‌های «سواد»، محصولات و میزان خراج آن‌ها پرداخته شده است. این شیوه تنظیم اطلاعات در *مسالک الممالک* به گونه‌ای بوده است که کراچکوفسکی در تاریخ نوشته‌های جغرافیایی (ص ۱۲۲) نوشته :

«چنان است که به کمک توضیحات وی می‌توان بودجه دولت اسلامی آن

روزگار را تنظیم کرد».

نکته جالب توجه اینکه ابن خردادبه مدتی ریاست «دیوان برید» را در ناحیه «سواد» بر

ویژه، از دانش ستاره‌شناسی برای اندازه‌گیری‌های جغرافیایی بهره می‌بردند.

۱. بویژه پیمایش این راه‌ها نه با اندازه‌های فیزیکی دقیق بلکه با معیارهایی چون: دو روزه راه و ...

۲. دوخویه بر آن است که این کتاب دو بار تحریر شده است؛ یک بار در حدود سال ۲۷۲ ق و بار دیگر به سال

۲۷۲ ق (نک: تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۱۲۱).

عاهده داشته^۱ و قطعاً این پیشه عاملی مؤثر در ساختارهای نوشته‌ او بوده است.^۲ چنانکه یاد شد، آنچه اکنون از *مسالک‌الممالک* به دست آمده شامل گزیده‌ای از آن است و لذا مقدمه‌ای نیز در سرآغاز آن دیده نمی‌شود و هدف نویسنده از نگارش در آن تصریح نشده است اما با توجه به تأثیر فراوان این اثر در نوشته‌های جغرافیایی سده‌های سپسین می‌توان حدس زد که ساختارهای آن با متونی که از آن متأثر هستند یکسان است و لذا مقدمه آن کتاب‌ها می‌تواند راهنمای خوبی در شناسایی ساختار و هدف‌های ابن‌خردادبه و عمدتاً اینگونه تألیفات باشد.

یکی از متونی که نویسنده آن کاملاً متأثر از *مسالک‌الممالک* بوده کتاب *صورة الارض* (تألیف ۳۶۷ ق) نوشته ابی‌القاسم ابن حوقل النّصیبی است.^۳ ابن حوقل در مقدمه کتابش (ج ۱، صص ۲ و ۳) آنجا که می‌خواهد به مندرجات اثر اشاره کند تصریح دارد به اینکه در خلال این نوشته‌ها به درج آگاهی‌های دیوانی خواهد پرداخت:

«... و قد جعلتُ لكلّ قطعةٍ أفردتها تصويراً و شكلاً يحكى موضع ذلك الاقليم... و ما فى اضعافها من المدن و الاصقاع و ما لها من القوانین و الارتفاع و ما فيها من النهار و البحار و ما يحتاج إلى معرفة من جوامع ما يشتمل عليه ذلك الاقليم من وجوه الاموال و الجبايات و الاعشار و الخراجات و المسافات فى الطرقات و ما فيه من المجالب و التّجارات إذ ذلك علمٌ يتفرّد به الملوك الساسة و اهل المروآت و السادة من جميع الطبقات».

نکته جالب توجه این است که حتی نقشه‌های مندرج در اینگونه کتاب‌های جغرافیایی نیز بیشتر بر مبنای آگاهی‌های دیوانی - بویژه دیوان برید - تنظیم شده است؛ چنانکه در این نقشه‌ها، هر کدام از شهرهایی را که در مسیر راه‌های اصلی قرار دارند با یک نشانه - معمولاً دایره - نموده و هر کدام از آن‌ها را با خطی راست به شهرهای دیگر پیوسته‌اند.

برای نمونه در «شکل ۷» یکی از نقشه‌های [ترجمه] *مسالک‌الممالک* اصطخری (نسخه ۳۵۱۵ کتابخانه موزه ایران باستان، مورخ ۷۲۶ ق، ص ۷۹ ب) را می‌بینیم. این نقشه

۱. نک: تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۱۲۱؛ نیز نک: خدمات مسلمانان به جغرافیا، ص ۳۱. در *الفهرست* (ص ۴۵۷ فؤاد سید؛ ص ۱۶۵ تجدّد؛ ص ۲۴۵ فارسی) آمده: «ابن خردادبه: ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن خردادبه. و کان خردادبه مجوسياً أسلم علی يد البرامكة. و تولی ابوالقاسم البرید و الخبّر بنواحی الجبل و نادّم المعتمد و حصّ به».

۲. نیز توجه شود که نیای ابن‌خردادبه از ایرانیانی بود که در دوره برمکیان به خدمات دیوانی و لشکری دعوت شد (نک: تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ص ۱۲۰؛ نیز نک: دیباجه *مسالک* و ممالک [بی شماره صفحه زیر عنوان «خانواده ابن خردادبه»]). این موارد می‌تواند نشانگر تأثیر ایرانیان در انتقال دانش‌های دیوانی به عرب باشد.

۳. برای آگاهی از ویژگی‌های این اثر نک: تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، صص ۱۵۹ - ۱۶۴.

صورت دیار جبال (/ قهستان) را نمایش می دهد. چنانکه می بینیم وضعیت این نقشه نسبت به نقشه های امروزی برعکس است یعنی شمال تقریباً در بالا و جنوب در پایین قرار دارد. در سوی پایین نقشه بخشی از یک دایره ترسیم شده که دریای خزر را می نمایاند و نام آن نیز در پایین صفحه نوشته شده است. بالای این بخش، رشته کوه های البرز نمایش داده شده و در بالای آن در میانه صفحه دایره ای دیده می شود که شهر «ری» را می نمایاند. پس از آن «ساوه» و «آبه» را می بینیم که با یک خط به یکدیگر وصل شده اند و پس از گذشتن از چند شهر دیگر به «همدان» می رسد. از همدان نیز چند خط منشعب شده است که در مسیر هر کدام از آن ها چندین شهر دیده می شود.

اگر این نقشه ها را با نوشته های مندرج در این متون مقابله کنیم خواهیم دید که نقشه ها بر پایه فواصل راه ها تنظیم شده و در بیشتر موارد با متن این آثار همخوانی دارد. برای نمونه، مسیری را که در نقشه از همدان به سوی چپ منشعب شده و به اصفهان و خاولنجان منتهی می شود از متن کتاب مسالک و ممالک (ص ۱۶۳) در زیر می بینیم که با نقشه نیز - جز در برخی جزئیات - مطابقت دارد:

«راه دمه و رامن: از «همدان» به «رامن» هفت فرسنگ و از آنجا به «وروگرد» (= بروگرد) یازده فرسنگ و از «وروگرد» تا «کَرَه» (= الكرح) ده فرسنگ و از «کَرَه» تا «بَرَج» دوازده فرسنگ و از «بَرَج» تا «خونجان» ده فرسنگ و از «خونجان» تا «سپاهان» سی فرسنگ بیابان.»

از ساختار این نقشه به خوبی دریافته می شود که مقصود ترسیم کننده آن، نشان دادن محدوده شهرها و مناطق نبوده بلکه قصد داشته تا شهرهای اصلی را که در مسیر راه های اصلی وجود دارد - و در متن تشریح شده - بنمایاند.

کتاب های تاریخ محلی

از آنجا که در تاریخ های محلی به تاریخ یک محدوده جغرافیایی پرداخته می شود، ناگزیر به جغرافیای آن مناطق نیز اشاره می شود. البته میزان توجه نویسندگان تواریخ محلی به مطالب جغرافیایی به یک اندازه نیست. گاهی نویسندگان فقط به مطالب تاریخی و تراجم اشخاص پرداخته و موضوع را صرفاً از این دیدگاه مورد بررسی قرار داده اند که چه رویدادهایی در آن منطقه رخ داده یا کدام دانشمندان و پادشاهانی در آن منطقه زیسته اند. اما شماری از این نوشته ها حاوی مطالبی مهم از دیدگاه جغرافیای ریاضی و اقتصادی هستند و این دسته از آثار، در موضوع مورد گفتگوی ما بسیار به کار می آید. برای نمونه ابن بلخی در دیباجه فارسنامه (صص ۳ - ۴) درباره دلیل نگارش آن کتاب آورده:

« چون مقتضی رای اعلی سلطان شاهنشاهی - لا زال من العلو بمزید

[الجنان] - چنان بود که پارس کی طرفی بزرگ است از ممالک محروسه... روشن گردانیده آید و نهاد و شکل آن و سیر ملوک پیشینگان و عادات حشم و رعیت آن و چگونگی آب و هوا و ثمار هر بقعتی از آن معلوم کند و عبرت آن معاملات بر قانون قدیم و قانونی کی اکنون معتبر است معین شود...». و سپس برای اینکه شایستگی خود را برای نگارش چنین کتابی بنماید افزوده: «بنده را تربیة پارس بودست اگرچه بلخی نژادست. و تقدیر معاملات و قانون آن به ابتداء این دولت قاهره - ثبتها الله - چون رکن الدوله خمارتگین را به پارس فرستاد جد بنده بسته است و استیفاء آن ولایت و سپاهی و رعیت بر بنده پوشیده نماندست...».

همینگونه است تاریخ قم که بسیاری از بخش‌های آن به جغرافیای اقتصادی و بویژه وضعیت خراج در این شهر اختصاص یافته است. علاوه بر این‌ها، در بسیاری از تواریخ محلی و تاریخ شهرها آگاهی‌های ارزنده‌ای درباره نوع و مبلغ خراج آن شهرها درج شده و گاه حتی فصلی بدان اختصاص یافته است. برای نمونه در تاریخ سیستان (صص ۳۰ - ۳۳) فصلی هست با عنوان «قسمت خراج سیستان» که در آن به مبلغ خراج سیستان و مصارف آن اشاره شده است. نیز در همان متن (صص ۲۶ - ۲۷) دو فصل هست با عنوان «عمل سیستان پس از اسلام و کورتهاء آن بر صلح قدیم» و «عمل خراسان تا غایت حد اسلام» که در آن‌ها به مبلغ عمل هر کدام از آن دو ناحیه اشاره شده است. همچنین در تاریخ بخارا (ص ۴۶) در ذیل فصلی با عنوان «ذکر خراج بخارا و نواحی آن» به مبلغ خراج بخارا اشاره شده است.

گاهشماری (سال خراجی / سال ارتفاعی) نی و طاعات فرنگی

می‌دانیم که پس از اسلام، سال قمری مبنای محاسبه زمان قرار گرفت و به دلیل اختلاف میان سال شمسی و قمری، تفاوتی در موعد پرداخت مالیات پیش می‌آمد. از سویی می‌دانیم که دریافت مالیات، وابسته به محصول زمین‌های کشاورزی و موعد برداشت آن (ارتفاع) بوده است و از آنجا که سال قمری نسبت به فصل‌ها دگرگون می‌شود، در بسیاری از مناطق ایران و سرزمین‌های دیگر، در کنار گاهشماری قمری، گاهشماری خورشیدی نیز رواج داشت که آن را سال خراجی یا سال ارتفاعی می‌گوییم. در تاریخ و صاف الحضرة (ج ۴، ص ۱۸) درباره تاریخ خراجی بغداد و اختلاف آن با دیگر شهرها آمده:

«چون در ذکر تاریخ خراجی و هلالی بغداد به نسبت دیگر دیار سؤالی وارد است - اگرچه این حشو موجب انفکاک سلسله حکایت می‌گردد- اولی آنکه بنا بر نصیحت «و علیک بالوقوف عند الشُّبْهَةِ» اول عقاب اشکال از پای

اوهام اکثر مطالعان برداشته شود...».

سپس به اختصار درباره اختلاف سال هلالی و خراجی در سرزمین‌های ایران می‌نویسد: «پوشیده نماند که از تاریخ خراجی - اعی سال شمسی - تا تاریخ هلالی، در تمامت ممالک ایران زمین نه سال تفاوت است. و اینجا که گفتیم مثلاً سنه ثلاث و تسعین خراجی موافق سنه احدی و سبعمائه هلالی است؛ بر قیاس معهود اقتضا آن کردی که مطابق سنه اثنین و سبعمائه بودی؛ پس بدان ماند ظاهراً که یک سال از سنین خراجی در بغداد طفره نظامی کرده باشد و ارباب معاملات و مقاطعات را به اجل غیر معهود، متقاضی شده و اهل خراج را به اداء بی‌وقت الزام نموده... الخ».

سپس به رساله‌ای اشاره می‌کند که ابواسحق صابی در دوره المطیع لله بن المقتدر (۳۳۴ - ۳۶۳ ق) خلیفه عباسی درباره انتقال سال ۳۵۰ ق به ۳۵۱ ق نوشته است و ترجمه گزیده‌ای از آن رساله را در همانجا (صص ۱۹ - ۲۲) درج می‌کند.

این اختلاف پدید آمده از کاربرد گاهشماری هلالی موجب شده بود که در بسیاری از مناطق، از گاهشماری خراجی برای کاربردهای مالی و از گاهشماری قمری برای کاربردهای دینی استفاده شود و از همین روی، در برخی از متون و اسناد، هر دوی این گاهشماری‌ها را در کنار یکدیگر به کار می‌بردند. برای نمونه در تاریخ شاهی قراختائیان (ص ۲۳۶) آمده: «... درین سال ششصد و هفتاد و سه هجری که موافق ششصد [و] شصت ارتفاعی بود- خواجه ظهیرالملک شرف‌الدین حسن می‌خواست که داد کفایت خود تمام کردی...».

همچنین در المختارات من الرسائل (ص ۴۳۲) متن فرمانی مبنی بر تجدید و اجرای «نظر» (نوعی معافیت مالیاتی) در ملکی واقع در دیه طهران (در اصفهان) درج شده است که در آن به سال خراجی (سنه ارتفاعیه) اشارت شده است:

«نظر»ی که وکیل محروس... [فلان را]... به حصه طهران است - و مبلغه من العین الاصفهانیة بعد المعامله خمس عشرین ستمائة النصف اثناعشر ثلاثمائة لسنة خمسین الارتفاعیه - بر قاعدت مجری است، به مقتضی حجت‌های قدیم و حدیث که بر اول این نوشته ملصق است، اجل فلان - ادام الله عزه - این مبلغ از استقبال این سال که یاد کرده شد سنه بعد سنه مجری می‌دارد به تمام و کمال و حجت مجدد نخواهد این شاء الله».

اختلاف میان سال قمری و سال خراجی موجب شده است تا دیران و همچنین اصحاب ریاضیات و ستاره‌شناسان، برای تبدیل این تواریخ به یکدیگر چاره‌ای بیندیشند. برای نمونه

باب هجدهم و نوزدهم از بخش گاهشماری زیج/شرفی اثر سنجر کمالی معروف به سیف منجم یزدی (نوشته حدود ۷۰۲ ق) به یادکرد روش‌هایی برای تبدیل گاهشماری‌های گوناگون به گاهشماری خراجی و برعکس پرداخته شده است.^۱ عنوان این بخش‌ها را با اشاره به شماره صفحات آن‌ها در نسخه کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی (شماره ۴۷ / ۳۹) در اینجا یاد می‌کنیم: استخراج تاریخ رومی و خراجی و فارسی و ملکی از تاریخ عربی (ص ۹ پ)؛ استخراج تاریخ ملکی از تاریخ خراجی و تاریخ خراجی از تاریخ ملکی (ص ۱۳ ر)؛ بیرون آوردن تاریخ رومی و عربی و یزدجردی از تاریخ خراجی (ص ۱۳ ر)؛ استخراج سال‌های کیبسه خراجی یا ملکی (ص ۱۳ پ)؛ استخراج تاریخ خراجی از تاریخ عربی (ص ۱۴ ر). مهم‌ترین پژوهش نوین به زبان فارسی در این باره از زنده‌یاد سیدحسن تقی‌زاده در فصلی از کتاب *گاهشماری در ایران قدیم* (صص ۱۵۷ - ۱۶۴) است که مباحث را عمدتاً از دیدگاه گاهشماری مورد بررسی قرار داده است. بنابراین شاید لازم باشد تا پژوهشی گسترده‌تر در این زمینه از دیدگاه مباحث استیفاء انجام شود.

کتابنامه

- آبباری در ترکستان، تألیف و. و. بارتولد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ خ.
- آثار الرضویه من منتخبات الصدیقیه (صورت وقفنامجات آستانه مقدسه علیحضرت ثامن الائمه)، تحریر میرزا طاهر طبیب المشهدی خادم کشیک ثالث آستانه، ۱۳۱۷ هـ.
- الأحكام السلطانية و الولايات الدینیه (کتاب ...)، تألیف ابی‌الحسن علی بن محمد بن حبیب البصری البغدادی الماوردی [۴۵۰ ق]، القاهرة، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۳ هـ/ ۱۹۷۳ م.
- الأحكام السلطانية، ابویعلی محمد بن الحسین الفراء الحنبلی [مت ۴۵۸ هـ]، تحقیق محمد حامد الفقی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ هـ / ۲۰۰۰ م^۲ [افست: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ هـ].
- استخراج آب‌های پنهانی، نگارش ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب کرجی، ترجمه حسین خدیوچم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵ خ.
- الاستخراج لأحكام الخراج، للإمام الحافظ أبی‌الفرج عبدالرحمن بن احمد بن رجب الحنبلی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م.
- «اصمعی»، عنایت‌الله فاتحی‌نژاد، *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۹، صص ۲۶۶ - ۲۷۱.

۱. یادآور شویم که این نوشته در پی فرمان غازان‌خان (حک ۶۹۴ - ۷۰۳ ق) مبنی بر تصحیح تاریخ و ایجاد تاریخی که به تاریخ خانی غازانی موسوم شد نگاشته شده است. مرحوم تقی‌زاده در *گاهشماری در ایران قدیم* بدان اشاره کرده است.

۲. نیز نک: القاضی ابویعلی الفراء و کتابه الأحكام السلطانية.

- «اموال»، فرامرز حاج‌منوچهری، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، صص ۲۳۷ - ۲۳۹ .
- الاموال (کتاب...)، تألیف ابی‌جعفر احمد بن نصر الدّاودی المالکی [مت ۴۰۲ هـ]، تحقیق رضا محمّد سالم شحاده، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۹ هـ / ۲۰۰۸ م.
- الاموال (کتاب...)، تألیف ابی‌عبید القاسم بن سلام [۱۵۷ - ۲۲۴ هـ]، تحقیق الدكتور محمّد عمارة، بیروت و القاهرة، دارالشّروق، ۱۴۰۹ هـ / ۱۹۸۹ م.
- الاموال (کتاب...)، تألیف حمید بن زنجویه [مت ۲۵۱ هـ]، شاکر ذیب قیاض، الرياض، مرکز الملك فيصل للبحوث و الدّراسات الاسلامیة، ۱۴۰۶ هـ / ۱۹۸۶ م.
- «بازمانده دستورالملوک»، استاد ایرج افشار، *معارف*، س ۱۶، ش ۱ [تیر ۱۳۷۸]، صص ۱۸ - ۳۰ .
- برهان جامع، محمّدکریم بن مهدیقلی گرمودی شقاقی، تبریز، ۱۲۶۰ ق.
- بوزجانی‌نامه، پژوهش و نگارش ابوالقاسم قربانی و محمدعلی شیخان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱خ.
- «بیته تازه‌باب از عسجدی در الفهرست ابن ندیم»، علی صفری آق قلعه، *گزارش میراث*، پیاپی ۳۹ [خرداد و تیر ۱۳۸۹]، ص ۱۴.
- تاریخ بغداد، نک: تاریخ مدینه السلام.
- تاریخ سیستان، از ناشناس، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، تهران، کلاله‌خاور، ۱۳۱۴خ.
- تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر القباوی، تصحیح مدرّس رضوی، تهران، توس، ۱۳۶۳خ.
- تاریخ شاهی قراختائیان، ناشناس، به کوشش محمّدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵ خ.
- تاریخ علم الحساب العربی (الجزء الاوّل: حساب الید)، احمد سلیم سعیدان، عمّان، الجامعة الاردنیة، ۱۹۷۱ م.
- تاریخ قم، حسن بن محمّد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری قمی، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تحقیق محمّدرضا انصاری قمی، قم، انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۵ خ.
- تاریخ مدینه السلام، تألیف الإمام الحافظ ابی‌بکر احمد بن علی بن ثابت الخطیب البغدادی، تحقیق الدكتور بشار عوّاد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۲ هـ/۲۰۰۱ م.
- تاریخ نگارش‌های عربی [ج ۱، قرآن، حدیث، تاریخ، فقه، عقاید]، فؤاد سزگین، ترجمه مهران ارزنده و شیرین شادفر، تهران، مؤسسه نشر فهرستگان و خانه کتاب، ۱۳۸۰ خ.
- تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ خ.
- تاریخ و صاف‌الحضرة [ج ۴]، شهاب‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله شیرازی، تصحیح دکتر علی‌رضا

- حاجیان نژاد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ خ.
- تجارب السلف، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، طهوری، ۱۳۵۷ خ [چ ۲].
- تحدید نهايات الاماکن لتصحيح مسافات المساکن [ترجمه...]، تألیف ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ خ.
- تحفه (در اخلاق و سیاست)، از ناشناس، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱ خ.
- التدوین فی احوال جبال شروین، محمدحسنخان اعتماد السلطنه، طهران، دارالطباعة دولتی، ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲ ق.
- تذکره السعراء (کتاب...)، امیر دولتشاه بن علاءالدوله بختیشاه الغازی السمرقندی، ادوارد برون، لیدن، بریل، ۱۹۰۰ م.
- تذکره الملوک و سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، میرزا سمیعا، به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی و ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ خ [چ ۳].
- «جاخط»، علیرضا دکاوتی قراگوزلو، دانشنامه جهان اسلام، ج ۹، صص ۲۰۷ - ۲۱۰.
- «جاخط»، چند نویسنده، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، صص ۱۷۶ - ۲۲۷.
- جامع التواریخ حسنی [بخش تیموریان پس از تیمور]، تاج‌الدین حسن بن شهاب یزدی، به کوشش حسین مدرّسی طباطبائی و ایرج افشار، کراچی، مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی دانشگاه کراچی، ۱۹۸۷ م.
- «جامع الخیرات [وقفنامه سید رکن‌الدین]»، به کوشش ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، فرهنگ ایران‌زمین، ج ۹ [۱۳۴۰ خ]، صص ۶۸ - ۲۷۷.
- الخراج (کتاب...)، للقاضی ابی یوسف یعقوب بن ابراهیم، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۹ هـ / ۱۹۷۹ م.
- Le Livre de l'Impot foncier de Yahya ibn Adam
- الخراج و صناعة الكتابة (کتاب...)، قدامة بن جعفر، تحقیق الدكتور محمد حسین الزبیدی، بغداد، دارالحرية للطباعة، ۱۹۸۱ م.
- الخراج و صناعة الكتابة (کتاب...)، قدامة بن جعفر، تقدیم فؤاد سزگین، معهد تاریخ العلوم العربية و الاسلامیة، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۶ م.
- الخراج (کتاب...)، قدامة بن جعفر، ترجمه و تحقیق دکتر حسین قره‌چانلو، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۰ خ.
- الخراج و صناعة الكتابة (کتاب...)، لابی‌الفرج قدامة بن جعفر، حقه و قدم له حسین خدیو جم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ش.
- «دستور الملوک»، نگاهشته محمدرفیع انصاری مستوفی‌الممالک معروف به میرزا رفیعا، به کوشش استاد

ایرج افشار، دفتر تاریخ، ج ۲، صص ۴۷۵ - ۶۵۱.

الدّواوین من کتاب الخراج و صناعة الكتابة لقدماء بن جعفر الكاتب، دراسة و تحقیق الدكتور مصطفى الحیاری، عمان، ۱۹۸۶ م.

«رساله خواجه نصیرالدین طوسی در امر مالیات»، مندرج در: تاریخ شاهی قراختائیان، صص ۳۹ - ۴۵. رساله فلکیه در علم سیاق، تألیف عبدالله بن محمد بن کیا المازندرانی، تصحیح والتر هینس، ویس بادن، انتشارات هیئت مستشرقین در فرهنگستان ماینس، ۱۹۵۲ م.

رسائل التسع مسّمات بالرّضاعیّات و الخراجیّات، طهران، ۱۳۱۳ ق.^۱
رسائل المحقّق الکرکی، تألیف الشّیخ علی بن الحسین الکرکی تحقیق الشّیخ محمّد الحسون، قم، مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النّجفی، ۱۴۰۹ ق.

زین الاخبار، ابوسعید عبدالحی بن الضّحاک ابن محمود گردیزی، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.

«سرگذشت هرمزان و شرح نخستین آشنایی اعراب مسلمان با نظام دیوانی ایران»، محمّد محمّدی، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۹ - ۱۲ [بهار - زمستان ۱۳۵۱]، صص ۱ - ۲۹.

سلوک الملوک، فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، تصحیح محمّدعلی موحد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲ خ.

السیاسة من کتاب الخراج و صناعة الكتابة، لقدماء بن جعفر الكاتب البغدادی، تحقیق و تقدیم مصطفی الحیاری، عمان، ۱۹۸۱ م.

«سیاق در علم حساب و کتابهای درباره آن»، محمّد شیروانی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۲، صص ۱۷۸ - ۱۸۸.

سیره الشّیخ الرّئیس، تحریر ابوعبید جوزجانی، چاپ با مشخصات فرنگی زیر:

The life of Ibn Sina, A Critical Edition and Annotated Translation by William E. Gohlman, Albany & New York, State University of New York Press, 1974.

شمس الحساب الفخری (چاپ عکسی)، نگارش شمس الدّین عمر بن عبدالعزیز خنجی صمکانی فارسی، با مقدّمه استاد ایرج افشار، تهران، انتشارات کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷ خ.

صورة الارض [ج ۲]، ابی القاسم ابن حوقل النّصیبی، تصحیح کرامرز، لیدن، بریل، ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ م [ج ۲].
طریق قسمت آب قلب (رساله ...)، نگارش قاسم بن یوسف ابونصری هروی، به کوشش مایل هروی،

۱. دارای این آثار خراجی است:

۱. قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج اثر محقّق کرکی ۲. سراج الوهاج فی مسئله الخراج ابراهیم بن سلیمان القطیفی ۳. رساله الخراجیه محقّق اردبیلی ۴. رساله مختصره فی مسئله الخراج مقدّس اردبیلی ۵. رساله فی حلّ الخراج ردّاً علی الفاضل القطیفی و المقدّس الاردبیلی ماجد بن فلاح الشبانی.

تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷ خ.
عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات، زکریا بن محمد بن محمود الهمدانی القزوينی، به کوشش
نصرالله سبوحی، تهران، کتابخانه مرکزی، ۱۳۴۰ خ.
فارس نامه، ابن البلخی، به کوشش گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون، تهران، انتشارات دنیای کتاب،
۱۳۶۳ خ.

الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة، محمد بن علی بن طباطبا المعروف بابن الطقطقی،
مدینه غریفولدا، المدرسة الکلیة الملکیة، ۱۸۵۸ م. عنوان فرنگی آن بدینقرار است:

Elfachri (Geschichte der islamischen Reiche vom Anfang bis zum
Ende des Chalifates), von Ibn Etthiqthaqa, W. Ahlwardt, Gotha, Verlag
von F. A. Perthes.

فرمان مالک اشتر، ترجمه حسین علوی آوی، به کوشش و با دیباچه محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، بنیاد
نهج البلاغه، ۱۳۵۹ خ.

فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تألیف عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران، کتابخانه موزه و
مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ خ.

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (ج ۱۰، بخش ۲)، تألیف عبدالحسین حائری، تهران، چاپخانه
مجلس شورای ملی، ۱۳۴۷ خ.

فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی (ج ۸)، نگارش احمد گلچین معانی، مشهد، سازمان
امور فرهنگی و کتابخانه‌ها، ۱۳۵۰ خ.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ج ۲۰)، نگارش سیدجعفر حسینی اشکوری،
تهران، انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ خ.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیر یزد (ج ۵)، نگارش محمد شیروانی، بی‌جا، به هزینه انجمن
آثار ملی، ۱۳۵۸ خ.

«کارنامه اوقاف»، تاج‌الدین نسائی، به کوشش ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین، ج ۸ [۱۳۳۹ خ]،
صص ۵ - ۲۲.

کتاب المسالك الممالک و کتاب الخراج، ابن خردادبه و قدامة بن جعفر، تحقیق دوخویه، لیدن، بریل،
۱۳۰۶ ق / ۱۸۸۹ م. چاپ با مشخصات فرنگی زیر:

Kitâb ALMasâlik Wa'LMamâlik & accedunt excerpta e Kitâb Al
_Kharâdj, Abu'LKâsim Obaidallah ibn Abdallah Ibn Khordâdhbeh &
Kodâma ibn Dja'far, edidit M. J. De Goeje, Lugduni Batavorum, E. J.
Brill, 1889.

لباب‌الالباب (ج ۲)، محمد عوفی، تصحیح ادوارد براون و محمد قزوينی، لیدن، بریل، ۱۹۰۳ - ۱۹۰۶ م.

«لطایف شرفی و ارتباط آن با نفائس الفنون و منشآت خاقانی»، علی صفری آق قلعه، گزارش میراث، پیاپی ۱۷ و ۱۸، صص ۱۴ - ۱۷.

مجمع الآداب فی معجم الانقلاب (۶ مج)، کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد المعروف بابن الفوطی الشیبانی [مت ۷۲۳ هـ]، تحقیق محمد کاظم، طهران، مؤسسه الطباعة و النشر وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۶ هـ

المختارات من الرسائل، به کوشش ایرج افشار و غلامرضا طاهر، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۸ خ.

مروج الذهب و معادن الجوهر (۹ ج)، مسعودی، تحقیق باریبه دومینار، با مشخصات زیر:

Les prairies d'or, Maçoudi, C. Barbier de Meynard et Pavet de Courteille, Paris, MDCCCLXI.

مسالك و ممالک، ابن خردادبه، ترجمه سعید خاکرند، تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل و مؤسسه فرهنگی حنفاء، ۱۳۷۱ ش.

الملل و النحل، محمد بن عبدالکریم شهرستانی، ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی، تصحیح سید محمد رضا جلالی نائینی، تهران، چاپخانه تابان، ۱۳۳۵ خ.

منشآت سلیمانی، نگارش دبیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی، به کوشش رسول جعفریان، تهران، انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ خ.

نسائم الاسحار من لطائف الاخبار، ناصرالدین منشی کرمانی، به کوشش میر جلال الدین محدث، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴ خ.

«نقدی بر مقاله: نگاهی به اصطلاحات اهل حساب و سیاق»، علی صفایی^۱، گزارش میراث، پیاپی ۴۵ (خرداد و تیر ۱۳۹۰ خ)، صص ۶۲ - ۶۷.

نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی، نگارش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۷ خ. «نگاهی به اصطلاحات اهل حساب و سیاق»، دکتر محمد رضا نصیری، نامه انجمن، س ۸، ش ۴

[پیاپی ۳۲]، صص ۱۴۱ - ۱۵۴.

نمونه نظم و نثر فارسی از آثار اساتید متقدم، به کوشش حبیب یغمایی، تهران، بی نا، ۱۳۴۳ خ.

«وصییت نامه خواجه نظام الملک طوسی»، تصحیح علی صفری آق قلعه، گزارش میراث، پیاپی ۲۷ و ۲۸

[آذر و دی ۱۳۸۷ خ]، صص ۲۲ - ۲۶.

وقف السلطان الناصر حسن بن محمد بن قلاوون علی مدرسته بالمیله (کتاب...)، تحقیق هویدا الحارثی، دار النشر الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ هـ/ ۲۰۰۱ م.

«وقفنامه آب فرات از عهد شاه طهماسب»، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۴ [۱۳۴۶

خ]، صص ۳۱۳ - ۳۱۸.

۱. نام مستعار علی صفری آق قلعه.

وقفنامه ربع رشیدی (چاپ عکسی)، اثر رشیدالدین فضل‌الله بن ابی‌الخیر بن عالی الهمدانی، زیر نظر مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰ خ.
وقفنامه ربع رشیدی (چاپ حروفی)، اثر رشیدالدین فضل‌الله بن ابی‌الخیر بن عالی الهمدانی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶ خ.

منابع فرنگی:

Chrestomathie persane (tome premier), CH. Schefer, Paris, Ernest Leroux editors, 1883.

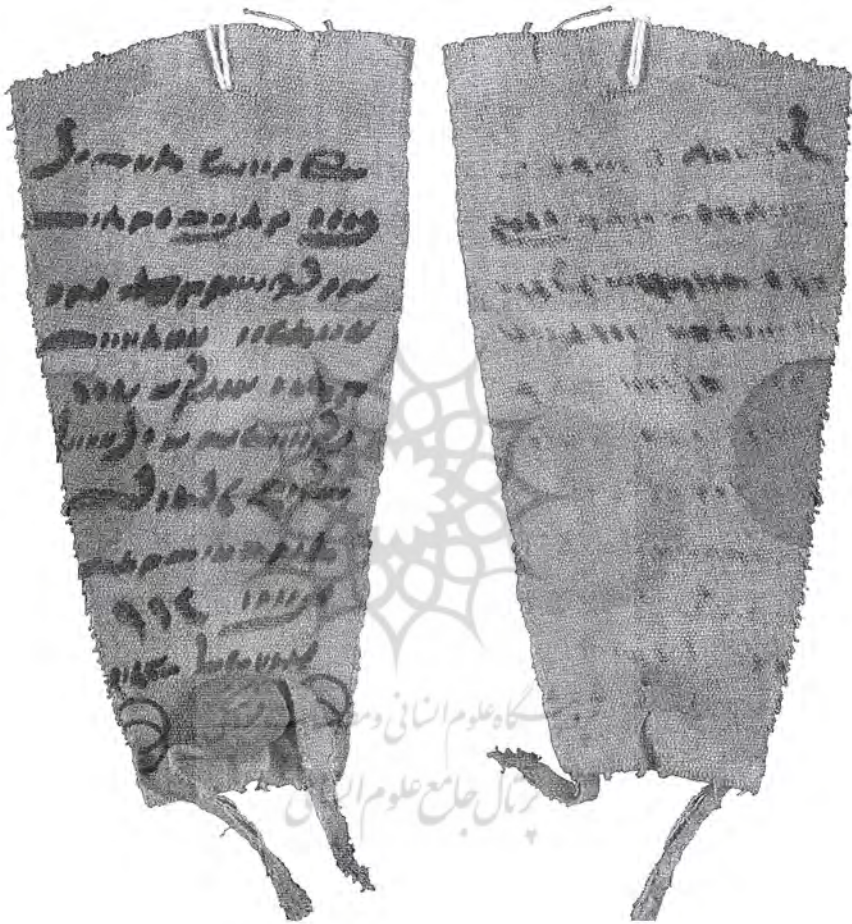
«LA COLLECTION DE TEXTS ATTRIBUABLES À DĀDĒN -VINDĀD DANS L'ARCHIVE PEHLEVIE DE BERKELEY», PHILIPPE GIGNOUX, *RES ORIENTALES XIX* (SOURCES FOR THE HISTORY OF SASANIAN AND POST-SASANIAN IRAN), PP 11 – 135.

Le Livre de Impot foncier de Yahya ibn Adam, W. Joynboll, Leide, E. J. Brill, 1896.

«Nasīr al-Dīn Tūsī on Finance», *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* (BSOAS), Vol. 10, No. 3 (1940), pp. 755 – 789.

The Construction of Knowledge in Islamic Civilization; Qudama B. JaFar and His Kitab AL-Kharaj Wa-Sinaat AL-Kitaba, Paul L. Heck, Leiden, Brill, 2002.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





۲۱۱

اصناف	اصناف	اصناف	اصناف
ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار
السرارون المبالون	السرارون المبالون	السرارون المبالون	السرارون المبالون
العالماتار	العالماتار	العالماتار	العالماتار
ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار
ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار
ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار
ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار
ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار
ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار	ماتر اللاماتار

ماتر اللاماتار

المساهد

دلر الصد و اللسواو

العالماتار

اصناف

العالماتار

المساهد

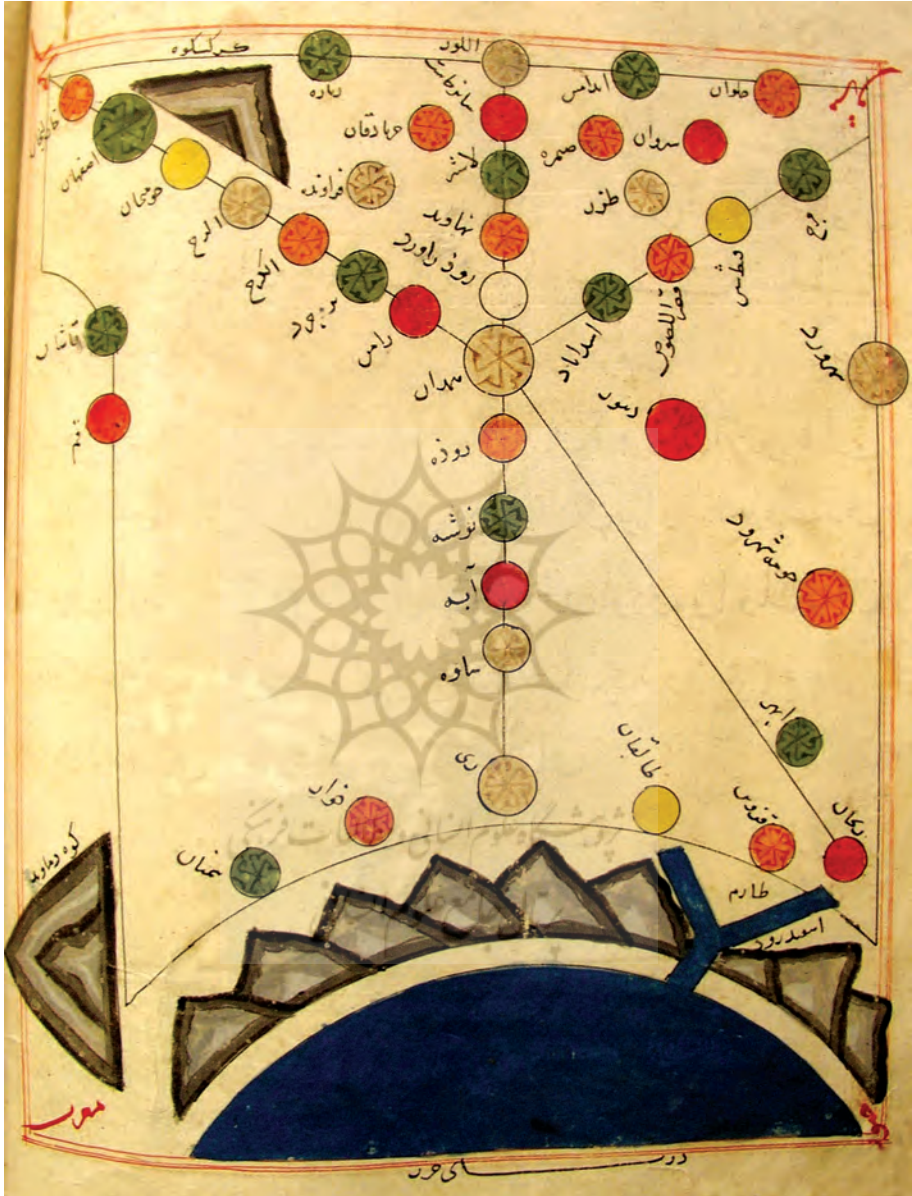
ماتر اللاماتار

ماتر اللاماتار

پیام بهارستان / ویژه نامه مالییه و اقتصاد / ش ۱ / تابستان ۱۳۹۲

با در کفان پناه
 بعضی از متافخران نخواستند که بد اینچه مقصود است
 آنگاه کنند و مکررات را حذف نمایند صورت
 منها و من ذکا را تغییر کردند جهت اختصار
 و ترک کتک از زبان پایه را بنیاد نهادند و قاعده
 پیشتر آن بوده که محاسب را شعبه امیر می نوشتند
 بدین نوع

للاصل والموافق للموافقات والموافق اللوطاس
 والعمارات والعمارات الموقر
 الموقر والموافق للموافقات والموافق
 والموافق والموافق والموافق
 الموقر والموافق للموافقات والموافق
 الموقر والموافق للموافقات والموافق
 الموقر والموافق للموافقات والموافق
 الموقر والموافق للموافقات والموافق
 الموقر والموافق للموافقات والموافق
 الموقر والموافق للموافقات والموافق





پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ